**شناسنامه کتاب مادرانه 2**

ویژه فاطمیه و جمادی الثانی 94 ـ 95

**نام کتاب: مادرانه2 ـ ویژه فاطمیه و جمادی الثانی 94ـ95**

موضوع: گزیدة اشعار، روضه ها، سرودها های مناسبتهای فاطمیه و جمادی الثانی

ناظر کیفی روضه ها: حجت الاسلام جعفر واضحی

گردآورنده: محمد جواد پژوه

ناشر: کانون مداحان یاس کبود

طراح جلد: علیرضا زهره وند

صفحه آرا: مجید اکبر زاده

تیراژ: ؟؟؟

نوبت و تاریخ چاپ: اول ـ 94 ـ95

قیمت: ؟؟

مرکز پخش: تهران ـ بزرگراه بسیج ـ خ شهید رحیمی ـ سازمان بسیج مداحان ـ کانون مداحان یاس کبود

تلفن : 35947738 ـ 021

نمابر : 33239719 ـ 021

سامانه پیام کوتاه : 660000026

صندوق پستی : 1781813113

نشانی الکترونیکی [yasekabood.org@gmail.com](mailto:yasekabood.org@gmail.com)

نشانی سایت: www.[yas135.com](http://www.yas135.com) www.[yas135.ir](http://www.yas135.com)

**پیشگفتار**

و حالا علی (علیه السلام) است و شب و تنهایی و پیکر مطهر همسر و ناله های معصومانه فرزندان و به اندازه تمام جهان غم و بغضی که گلوی حضرتش را می فشارد و خیل ملائکه که آمده اند تا در این تنهایی، غمخوارعلی باشند …

عرشیان در[سوگ فاطمه](http://web-site-chatha.chatha.ir/?p=26328) ( سلام الله علیها)  نالانند. فرزندان فاطمه(سلام الله علیها) ناباورانه پیکر مطهر و بی جان مادر را در آغوش کشیده، معصومانه می گریند و با ذره ذره وجودشان از مادر می خواهند که بار دیگر با آنان سخن بگوید، فاطمه(سلام الله علیها) اما مظلوم و زجر کشیده همچنان ساکت است.

ماه با شرمساری، خود را پشت ابرهای سیاه پنهان ساخته تا تاریکی شب، چنان همه مدینه را بپوشاند که کسی نبیند و نداند که پیکر پاک دختر رسول خدا(صلی الله علیه و آله وسلم) بر روی دستان مبارک امام علی(علیه السلام) به سوی کدامین خاک می رود.

شب که همیشه با ناله های علی(علیه السلام) آشناست، حال شاهد مظلومیت و زمزمه های حزن انگیز اوست، زمزمه های حزن انگیزی که در غم از دست دادن فاطمه از عمق وجود مولا(علیه السلام) برمی خیزد. لحظه ها، آرام و قرار ندارند گویی از آن می ترسند که بغض علی(علیه السلام) بترکد و آسمان فرو ریزد کوچه های تاریک مدینه، شرمگین از امانت داری خود، در سکوت مرگ آوری فرو رفته اند. ملائکه، مدینه را سرزنش می کنند:

«مگر رسول خدا(صلی الله علیه و آله وسلم) نفرموده بود که فاطمه پاره تن من است؟ وای بر تو ای مدینه که چه بد امانت داری بودی!»

فرزندان فاطمه(سلام الله علیها) آخرین وداع را با مادر می کنند و پیکر مطهر زهرای مرضیه با خاک آشنا می شود و روح پاکش به پدر بزرگوارش رسول خدا(صلی الله علیه و آله وسلم) می پیوندد و خاک، چنان به وصیت فاطمه(سلام الله علیها) وفادار است که اثری از قبر، باقی نمی گذارد.

حزن و اندوه، چنان بر وجود مولای متقیان، اسوه صبر و ایمان و شجاعت غلبه می کند که اشک از دیدگان مبارکش سرازیر می شود. علی(علیه السلام) روی مبارک را به سوی قبر پیامبر(صلی الله علیه و آله وسلم) برمی گرداند و با او درد دل می کند:

«السلام علیک یا رسول اللّه …(صلی الله علیه و آله وسلم) … فاطمه، نوردیده ات امشب به زیارت شما آمده … خداوند اینگونه مقدر ساخته که در میان اهل بیت، فاطمه زودتر از دیگران به تو بپیوندد … یا رسول اللّه … اکنون امانت خویش را از من باز گرفتی … بعد از فاطمه(سلام الله علیها) اندوه، همیشه با من خواهد بود و شب هایم به بیداری خواهد گذشت و این حزن و اندوه با من خواهد بود تا وقتی که خداوند برای من نیز سرایی را که تو در آن مقیم هستی، اختیار کند…

یا رسول اللّه …(صلی الله علیه و آله وسلم) در سینه ام اندوهی است که آزارم می دهد … چقدر زود بین من و فاطمه(سلام الله علیها) جدایی افتاد … اکنون تو، خود از غم هایی که بر سینه فاطمه ات نشسته بود، از او بپرس … غم هایی که نمی توانست به کسی بگوید …»

رسول خدا دخترش فاطمه را بیش از آنچه مردم انتظار داشتند، عزیز و گرامی می داشت و خیلی بیشتر از آن اندازه که مردان به دختران خود توجه و علاقه نشان می دهند به او توجه و محبت می کرد، به طوری که به نظر می آمد که از حدود دوستی پدر و فرزندی بسیار پا فراتر نهاده است.

این کتاب شامل دو بخش کلی می باشد:

* **بخش اول؛**

1. **منویات ولایت**
2. **وصایای شهدا**
3. **در محضر اساتید**
4. **اصول فنی**
5. بخش دوم؛ اشعار و نغمه ها

* **میلاد حضرت زینب (سلام الله علیها)**:

1. برگی از تاریخ
2. اشعار منتخب
3. گلچین مجالس مداحان

* **ایام فاطمیه** :

1. برگی از تاریخ

* **هجوم به خانه وحی**

1. اشعار منتخب
2. گلچین مجالس مداحان

* کوچه بنی هاشم

1. اشعار منتخب
2. گلچین مجالس مداحان

* بستر

1. اشعار منتخب
2. گلچین مجالس مداحان

* شهادت

1. اشعار منتخب
2. گلچین مجالس مداحان

* شام غریبان

1. اشعار منتخب
2. گلچین مجالس مداحان

* بعد از شهادت

1. اشعار منتخب
2. گلچین مجالس مداحان

* وفات حضرت ام البنین (سلام الله علیها)
  + - 1. برگی از تاریخ
      2. اشعار منتخب
      3. گلچین مجالس مداحان
* میلاد حضرت زهرا (سلام الله علیها)
  + - 1. اشعار منتخب
      2. گلچین مجالس مداحان

لازم به ذکر است :

بخش برگی از تاریخ با تحقیق و پژوهش در کتب معتبر استخراج و با ذکر سند جهت استفاده بهتر ذاکرین تدوین گردیده است .

بخش اشعار منتخب از آثار مکتوب شعری موجود در کتب و وبلاگها و سایتهای شعرا گلچین شده است .

همچنین قسمت گلچین مجالس، از روضه و سبکهای سینه زنی همچنین شعر ها و سروده ها که توسط مداحان اهل بیت (علیهم السلام) در ایام جمادی الاول و الثانی سال گذشته اجرا گردیده، گردآوری شده است.

متن جزوه به ترتیب مناسبت های شبهای ماه جمادی الاول و الثانی می باشد.

قسمت روضه های ناب جهت استفاده ذاکرین از جوانب متفاوت روضه از دیدگاه اساتید تهیه گردیده است.

بخش اصول فنی گزیده ای از دروس تدریس شده توسط کربلایی محمد فراهانی می باشد.

بخش در محضر اساتید از دروس تدریس شده توسط اساتید محترم در اجتماع عمومی ذاکران بسیجی در حسینیه شهدای بسیج می باشد که سعی شده است، با توجه به مناسبتهای ماه جمادی در اختیار عزیزان قرار گیرد.

**نکات قابل ذکر در این مجموعه عبارت است از:**

هدف از جمع آوری این جزوات عبارت است از:

دسترسی به اشعار و مطالب مورد نیاز ذاکرین اهل بیت (علیهم السلام) پیرامون مناسبت های ایام جمادی

در جریان قرار گرفتن ذاکرین از برنامه های اجرا شده مناسبتهای این ماه در سال قبل توسط ذاکرین اهل بیت(علیهم السلام)

دسترسی ذاکرین در حال فراگیری، به سبکهایی که در محافل بدان نیازمندند همراه با الگوی صوتی خوانده شده

دسترسی ذاکرین در حال فراگیری، به جملات غیر شعری مورد نیاز که در بیان مداحان باتجربه، صیقلی نسبی خورده باشد

صوت برخی از اشعار ـ برای آشنایی ذاکرین محترم ـ در سی دی موجود است اما به علت اشکال اعتقادی و یا ادبی ، از جزوه حذف گردیده و یا عباراتی جابه جا شده است، فلذا ذاکرین محترم در هنگام استفاده از این گونه اشعار به پاورقی ها عنایت و از خواندن آنها پرهیز نمایند.

در حد امکان و شناخت، سبکهای نوحه و سرودی که از نظر شرع مبین اسلام ، اشکال ریتمی و یا محتوایی دارند ، حذف گردیده اند، اما در صورتیکه مصداقی بین سبکها و اشعار مشاهده شد که از روی سبکهای غیرمجاز ساخته شده است و یا اشکال اعتقادی دارد، این مجموعه را مطلع فرمایید تا نسبت به حذف آن اقدام نماییم.

از کلیة عزیزانی که مارا از نقطه نظرات خود بهره مند می سازند ، پیشاپیش تشکر و قدردانی می نماییم.

**گروه جزوات فوق برنامه**

**کانون مداحان ياس كبود**

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*   
**بخش اول؛**

**فصل اول؛ منویات ولایت**

مداحی معرفت افزایی است.

آنچه كه من به شما عرض ميكنم، اين است: مداحى، معرفت‌افزائى است. مداحى، پراكندن معرفت و حكمت و اميد و عقيده‌ى راسخ است. مداحى، جوشاندن چشمه‌هاى عواطف در دلها است؛ با استفاده‌ى از هنر شعر، هنر آواز، هنر اجرا.

البته يك اصل مسلّمى وجود دارد عزيزان من! مردم از صداى شما خوششان مى‌آيد، از شعر شما لذت ميبرند، از اجراى شما - چه در مدحتان، چه در مصيبتتان - دلهايشان تكان ميخورد و اشك ميريزند؛ اما به خود شما هم نگاه ميكنند. اگر شما از لحاظ اخلاق، از لحاظ تدين، از لحاظ عفت، نمود تحسين‌آورى داشتيد، همه‌ى آنچه را كه عرض كرديم، به صورت مضاعف در مردم اثر خواهد كرد. اما اگر خداى نكرده بعكس شد؛ مردم نشانه‌ى تزلزل اخلاقى، نشانه‌ى عقب‌ماندگى از لحاظ اخلاق و رفتار و خداى نكرده عفت و اين چيزها مشاهده كنند، اثر اين هنرها و زيبائى‌هائى كه در كار شما هست، از بين خواهد رفت؛ اين را مراقب باشيد. همه‌مان بايد مراقب باشيم؛ ما عمامه‌اى‌ها بيشتر از ديگران، گويندگان مذهبى بيشتر از ديگران، نامداران عرصه‌ى دين و تقوا بيشتر از ديگران. همه بايد مراقب باشيم؛ شما هم همين طور. شما كسانى كه در عرصه‌ى دين و معرفت و امور الهى داريد كار ميكنيد، خيلى بايد مراقب باشيد؛ مراقب اخلاق، مراقب پاكى زبان، پاكى دامان، پاكى دل، پاكى دست. خداى متعال به شما كمك كند. يك مادح آستان فاطمى (سلام اللَّه عليها) وقتى كه در يك چنين جايگاهى قرار گرفت، يك انسان برجسته است. يعنى همين جورى كه بين ماها فهميده شده، دانسته شده و اعتقاد پيدا كرده‌ايم، كسانى كه در راه مدح ائمه (عليهم‌السّلام) و اظهار ارادت به اين بزرگوار و توجه دادن دلها به اين بزرگواران هستند، اينها پيش خداى متعال عزيز و محبوبند.

توصیه ای به مداحان

البته امروز يك نكته‌اى در جلسه‌ى ما وجود داشت كه اين نكته، نكته‌ى مستحسنى است. من در اين سالهاى طولانى، خيلى اوقات به برادران مداح كه اينجا ميخواندند، اين اعتراض را ميكردم كه جلسه‌ى جشن و مولود را تبديل ميكردند به مجلس عزادارى؛ مفصّل روضه خواندند و اشك گرفتند! هر چيزى به جاى خودش. به شما ميگويند مداح. مداح يعنى چه؟ شاخصه‌ى اصلى شما مداحى است، نه روضه‌خوانى. روضه بخوانيد، بنده طرفدار روضه‌خوانى‌ام، خودم هم روضه‌خوانم. اينجور نيست كه در مجلس مولودى‌خوانى ائمه (عليهم‌السّلام) هم حتماً بايد يك روضه‌اى خوانده شود، يك دمى داده شود، يك اشكى گرفته شود؛ هيچ لزومى ندارد. بگذاريد عواطفى كه مردم نسبت به ائمه (عليهم‌السّلام) دارند، در خارج اينجور وانمود نشود كه منحصر است در قضيه‌ى گريه و سينه‌زنى و عزادارى؛ نه، عزادارى به جاى خود، مديحه و مولودى‌خوانى و شادى هم به جاى خود؛ اينها را نبايد با هم مخلوط كرد.

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

فصل دوم؛ وصیت نامه شهدا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

فصل سوم؛ در محضر اساتید

عالمه بی معلمه

مرحوم علامه مامقانی در التنقیح المقال فی علم الرجال وقتی به زینب کبری سلام الله علیها می رسند اینگونه حضرت را توصیف می کنند: زینب وما ادراک ما زینب. می فرماید زینب کیست و تو چه می دانی زینب کیست؟ در فرهنگ عرب اینگونه است که بچه را با پدر می شناسند. عقیله یعنی دانا یعنی عاقله. دانشمندی به نام حسن قاسم می گوید: اگر شما تمام فضائل و خوبی ها را جمع کنید، بعد بخواهید برای همه ی این ها یک مصداق پیدا بکنید، قوی ترین مثال و مصداق اون عبارت از زینب کبری سلام الله علیها می باشد. شما مداحان مراقب باشید که وقتی می خواهید مصائب اهل بیت علیهم السلام را بخوانید قبل از آن همه ی فضائل و عظمت اهل بیت علیهم السلام برای مستمع شناخته شده باشد. ما متاسفانه حق این بانوی بزرگوار را در عظمت وجودش ادا نکردیم. بعد از غصه ی عاشورا آمد بالای سر برادرش، چندتا خطابه دارد، اولین خطابش به خدا می باشد که می فرماید اللّهُمَ تَقَبَّلْ مِنَّا هَذَا الْقَلِيلَ الْقُرْبَانَ (خدایا این قربانی کم را از ما بپذیر) چه کسی هست این قربانی؟ حضرت سیدالشهدا علیه السلام...اما توحید زینب سلام الله علیها به آن مرتبه رسیده است که ، عرضه می دارد خدایا این قربانی کم را از ما بپذیر. این مگر می تواند یک انسان عادی و معمولی باشد. یک دانشمند غربی به نام فریشلر می گوید: این زن در عظمت وجودی به گونه ای است که هر آن امکانش بود موقع خواندن خطبه در کوفه او را بکشند، اما این بانوی گرامی آمد در کوفه و خطبه خواند،او در اوج اقتدار و روحیه ی قوی حرف هایش را زد. حمید بن مسلم تاریخ نگار کربلاست که می گوید: بعدازظهر عاشورا وقتی خیمه ها را آتش زدند، دیدم یک خانمی خودش را انداخت در آتش، مثل اینکه داشت یک بدنی را بیرون می آورد در حالی که پاهایش داشت بر زمین کشیده می شد، می گوید جلو رفتم تا ببینم او کیست. گفتند دختر علی علیه السلام است، گفتم این بدن برای کیست؟ گفتند این علی بن حسین امام سجاد علیه السلام می باشد. امام سجاد علیه السلام فرمود: تو عالمه ای هستی بدون اینکه معلمی داشته باشی، علم تو لدنی می باشد و خدا به تو عطا کرده.

کوثر زهرا سلام الله علیها

اما یک جنبه ی دیگری که به آن می پردازیم این است که به صفات و ویژگی هایی حضرت دست پیدا کرده است که مادرش زهرا سلام الله علیها هم آن ها را دارا بود. تا عصر عاشورا یک نامحرم زینب سلام الله علیها را ندید. در طول زمان امام علی علیه السلام و امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام کسی زینب سلام الله علیها را ندید الا در روز عاشورا، فلذا یحیی مازنی می گوید: من سال ها همسایه زینب سلام الله علیها بودم و در این سال ها من یک مرتبه صدای زینب سلام الله علیها را نشنیدم و هر موقع هم که می خواست برود سمت حرم پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم امام علی علیه السلام و امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام او را همراهی می کردند. قبل از اینکه به حرم برسند امیرالمومنین علیه السلام می رفتند و نور چراغ ها را کم تر می کرند و به حسنین علیهما السلام می فرمود: خوف آن را دارم که چشم نامحرم به خواهرتان زینب سلام الله علیها بیافتد. متاسفانه برای ما مساله ی حجاب در جامعه خوب جا نیفتاده است. در ادامه مرحوم مامقانی می فرماید: زینب کبری سلام الله علیها در قدرت ایمان و تقوا و ثبات صبر، نمومه و انگشت نما بود.

رفتار با خانواده و اطرافیان

ما در این چند سال اخیر مجلس گرم و پر شور داشته ایم، اما ببینیم این جلسه پرشور ما چند نفر را جذب کرده است و چقدر جاذبه داشته است. مجالس روضه سیدالشهدا علیه السلام باید مثل آن درختی که هرسال تنومند تر و قوی تر می شود، هرسال پربار تر بشود. لذا اگر یک روحانی را دیدید که پنج تا پسر دارد و عین پنج تا پسر طلبه شده اند بدانید که این در خانه بر روی خانواده ی خود کار کرده است. لذا فرمودند که اگر خانواده ی کسی بر او اقتدا کنند، بدانید انسان شریفی است و می شود روی آن حساب کرد. پس آفت دوم، رفتارهائی است که اطرافیان ما را جذب نمی کند. آفت سوم نیز برخورد ناپسند ما هیاتی ها با خانواده ی خود می باشد. اگر ما در مسیر درست حرکت کنیم بقیه هم از ما تبعیت می کنند[[1]](#footnote-1).

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**فصل چهارم؛ اصول فنی**

**ادامه مبحث عوامل مؤثر در مجلس**

**4ـ دور هم جمع كردن شنوندگان**

گاهي پيش آمده است كه به عنوان يك مداح، براي افراد كمي كه در يك مجلس بطور پراكنده نشسته اند خوانده اید و در همان مجلس براي يك عده كه با فاصله كمي از يكديگر نشسته اند، نيز مداحي كرده­اید. شنوندگان مجلس دوم در مورد همان مطالبي كه براي مخاطبان مجلس اول گفته شده است، استقبال بیشتری می نمایند و مجلس گرمتر برگزار می شود. به نظر شما چرا چنين بوده است؟

علت اصلي اين امر آن است كه نمي­توان شوندگاني را كه بطور پراكنده نشسته­اند به آساني تحت تأثير قرار داد. هيچ چيز به اندازه فاصله­هاي زياد و فضاهاي خالي بين مستمعين، از حرارت و شور مستمعين نمي­كاهد.

سخنران بزرگي اظهار داشت: «مردم اغلب مي­گويند: آيا فكر نمي­كنيد هنگامي كه به جاي سخنراني براي يك عده كم براي جمعيت بزرگي سخنراني مي­كنيد بهتر و راحت تر و الهام بخش تر صحبت مي­كنيد؟

من در پاسخ مي­گويم: خير؛ من مي­توانم به همان خوبي كه براي 12 نفر صحبت مي­كنم براي يك هزار نفر صحبت كنم. مشروط به اينكه اين دوازده نفر به دور من جمع شده باشند، بطوري كه فاصله كمي با هم داشته باشند. ولي اگر هزاران نفر با فاصله در مقابلم نشسته باشند برايم با يك اطاق خالي تفاوتي ندارد.»

يك فرد در يك اجتماع بزرگ ممكن است فرديت خود را از دست بدهد. او عضوي از جمعيت مي­شود و به آساني تحت تأثير قرار مي­گيرد، در حالي كه وقتي تنهاست، چنين نيست. او در جمعيت ممكن است تأثیری بپذیرد كه در صورت تنها بودن، این طور نبود.

**شرایط مکان هیأت از جهت وسعت**

اگر مي­خواهيد براي يك عده مداحي كنيد و سخن شما در آنها تأثير گذار باشد بايد براي اين منظور فضايي به اندازه جمعيت انتخاب كنيد فقط در صورتي كه تعداد شنوندگان بسيار زياد است و دليل و ضرورتي براي آن باشد كه در جاي مرتفعي بايستيد، به چنين كاري دست بزنيد. در غير اين صورت در همان سطحي كه حضار نشسته­اند قرار بگيريد و نزديك آنها بايستيد. تمام تشريفات را زير پاي بگذاريد و با شنوندگان در تماس نزديك باشيد. كاري كنيد كه خواندن شما مانند يك گفتگوي خودماني باشد. و اگر فضای در دسترس برای برگزاری مجلس، گسترده است جایی کوچکتر را به واسطه پارچه کشیدن برای هیأت آماده نمایید.

**نكته:** در محافلي كه مي دانيد، يا احتمال مي دهيد؛ مستمع با دعوت شما به دور هم جمع شدن ، اين كار را انجام نمي دهد ـ براي حفظ شئونات مجلس ـ دعوت به دور هم جمع شدن مستمعین را به مسئول هيأت یا کسانی که مخاطبین از آنها تبعیت پذیری دارند بسپارید.

**5 ـ بررسي جوانب مجلس**

از عوامل مؤثر در مجلس که گاهی کمتر به چشم می آید موارد جنبی موجود در مجلس، از جمله هوا، اشیاء اطراف منبر، محل استقرار مداح، سیستم صوتی و... می باشد؛ که در این قسمت از بحث بدان می پردازیم.

**الف) هوا**

در موقع خواندن، برای مداح به اندازه حنجره و مطلب اكسيژن لازم است. تمام فصاحت و بلاغت و زيبايي خواندن نمي­تواند جمعيتي را تحت تأثير قرار دهد كه در اتاق از هواي نامناسب، دچار ناراحتي شده است. گرما و یا سرمای بیش از حد می تواند عامل حواس پرتی و کلافگی مستمع شود؛ فلذا سیستم گرمایشی و سرمایشی و تهویه مناسب، از ملزوات مکان برگزاری هیأت است.

**ب) اشياء اطراف منبر**

از گذاشتن اشيائي که جلب توجه منفي مي کند در اطراف محل نشستن خود بپرهيزيد. از قرار دادن پارچ و ليوان و ... روي ميز جلو و اطراف خود بپرهيزيد. وضع ايده­آل براي يك مداح آن است كه اسباب و اشياء و هر چيزي كه توجه شنونده را به خود جلب مي­كند در اطرافش نباشد.

**د) محل اسقرار مداح**

در محل استقرار مداح بهتر است كسي غير از او ديده نشود. شنوندگان نمي­توانند و يا نمي­خواهند از نگاه كردن به اشياء متحرك خودداري كنند. مداح بايد از حركاتي مثل؛ بازي كردن با انگشتان دست، ور رفتن با دكمه لباس، جواب دادن پیام کوتاه و در كل انجام دادن حركات عصبي و اضطراب آميز خودداري كند. بايد در صورت امكان طوري ترتيب نشستن شنوندگان را داده شود كه توجه آنها به كساني كه دير آمده اند و در حال وارد شدن هستند، جلب نشود. بهتر است دوستان مداح در كنار او قرار نگيرند؛ زيرا ممكن است وضع و حالت نشستن خود را تغيير دهند و یا با او یا با یکدیگر صحبت کنند و حواس مستمعين به سوي آنها منعطف شود.

**ه) سيستم صوتي**

از نظر صوت، بهتر است صداي مداح بر جمع غالب باشد و خود او صدايش را كاملا بشنود. لذا براي اينكه مستمع از صداي زياد آزرده نشود، بهتر است باند اكو در جايي قرار داده شود كه صدا بيشتر از ديگران به خود مداح برسد. و نيز با افزایش تعداد باندها این امکان به وجود بیاید كه صدا به صورت مساوي در تمام مجلس تقسيم شود، و با حجم ولوم کم تمام مجلس تحت پوشش صوت قرار بگیرد.

**6ـ هنر نشستن و حفظ توازن**

اگر قبل از خواندن در مقابل مستمع حاضر می شوید، بايد توجه کنيد كه چگونه در مقابل آنها قرار خواهيد گرفت. سعي كنيد آرام بنشينيد و جسم خود را كاملا تحت كنترل قرار دهيد. اين كار باعث مي­شود كه مخاطبان شما فكر كنند كه شما افكار خود را هم تحت كنترل داريد و از توازن و تعادل برخورداريد.

**حفظ تمركز مستمع**

سعي كنيد از انجام هر كاري كه تمركز مستمع را از بين مي­برد، پرهيز كنيد، مثلا وقتي مي­خواهيد هنگام خواندن فاصله دهانتان را با ميكروفون تنظيم كنيد، حتي الامكان سعي كنيد سر خود را با آن تنظيم كنيد، نه اينكه پايه ميكرفون را مدام حركت دهيد، زيرا اين عمل تمركز مستمع را از بين مي­برد.

**ژست**

حرکات چهره، دست و بدن مداح هنگام خواندن را ژست می نامیم ، در مورد اینکه حرکات چهره ، دست وبدن مداح، هنگام خواندن چگونه باید باشد، دیدگاههایی مطرح است که در ادامه بحث به آن می پردازیم.

**انواع ژست**

**الف) تقليدي**

بعضي معتقدند مداح بايد از قبل ژست هايي را تمرين کند و هنگام خواندن آنها را مورد استفاده قرار دهد. که معمولا اينگونه ژستها به دل نمي نشيند و حالتي مصنوعي دارد.

**ب) في البداهه**

بعضي مي گويند بهتر است بعضي از ژست هاي مناسب تمرين و ملکه شود اما در مجلس به صورت خودجوش از مداح صادر شود؛ که صحيح به نظر مي رسد.

دستهاي خود را از ياد ببريد؛ زيرا اگر كسي مطلب با ارزشي داشته باشد كه اظهار بدارد و آن را با ايماني سرايت بخش بگويد، به طور يقين هيچ اهميتي نخواهد داشت كه با دست و پايش چه مي­كند.

محلي كه ژست بايد از آن صادر شود؛ قلب شما، تبراي شما و تولاي شما نسبت به موضوع و محتواست. يگانه ژستي كه ارزش دارد همانهايي است كه خلق الساعه است و خود به خود بروز مي­كند.

حالتهاي يك مداح بايد مانند لوازم شخصي او از متعلقات شخصي او باشد و چون انسانها با هم فرق دارند، ژستهاي آنها هم با هم فرق خواهد داشت، البته به شرطي كه طبيعي باشد. يك حالت را آنقدر تكرار نكنيد كه يكنواخت و ملال آور گردد.

هنگام تمرين، خود را مجبور كنيد كه به ژست­هاي معيني توسل جوييد تا حالتهاي مزبور در موقع مجلس، خود به خود بدون اينكه شما بخواهيد ظاهر شوند.

**نکته:** به ظاهر و حالات ظاهري خود در هنگام خواندن توجه داشته باشيد و از حركات اضافي، مثل حركت بيش از حد سر و يا حركات ناموزون دست و بدن بپرهيزيد. تغييراتي كه روي شمايل و صورتتان ايجاد مي­شود يك جزء و آن هم يك جزء حقيقي از مطالبي است كه بيان مي­كنيد. گاهي اين تغييرات پر معناتر از الفاظي است كه به زبان مي­آوريد. براي اصلاح حالات نامناسب چهره و جلوگيري از جلب توجه منفي آن ، گاهي جلوي آيينه بخوانيد و حالت صورت خود را مورد بررسي قرار دهيد.

**\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\***

بخش دوم؛ اشعار و نغمه ها

فصل اول؛ میلاد حضرت زینب (سلام الله علیها)

قسمت یکم؛ برگی از تاریخ

روزی پدر بزرگوارش علی علیه السلام او را که در دوران کودکی به سر می برد بر دامن مبارک خود نشاند و شروع به نوازش او نمود آنگاه فرمود: « دختر عزیز بگو یک.» و او گفت: « یک» حضرت فرمود : « بگو دو» زینب سلام الله علیها سکوت کرد و علی سلام الله علیه به او فرمود : « سخن بگو ای نور چشمانم» و او گفت: « پدر جان من نمی توانم با زبانی که یک گفته ام، دو بگویم» در این هنگام علی سلام الله علیه او را در آغوش گرفت و میان چشمانش را بوسید[[2]](#footnote-2).

این نکته ی تاریخی به طور واضح دلالت می کند بر اینکه فکر و ذهن حضرت زینب سلام الله علیها حتی در دوران کودکی نیز از قدرت اندیشه ی بالا و درک و فهم سریعی برخوردار بوده است و این سخن حضرت حاکی از افکار و مفاهیم و معانی بلندی است که در ذهن و خاطر او در جریان است.

آری، زبانی که گفت : یک، دیگر نمی تواند بگوید: دو، زیرا کلمه ی « یک» مفهوم خاصی در ذهن حضرت زینب سلام الله علیها دارد که هرگاه آن کلمه به کار می رود ذهن او متوجه آن معنای خاص می شود و آن معنا عبارت است از وحدانیت خداوند سبحان و نبود خدای دوم برای مشارکت با او در الوهیت و ربوبیت و اداره ی عالم[[3]](#footnote-3).

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

قسمت دوم؛ اشعار منتخب

محمد کاظمی نیا

در مدح تو لال می شود هر "غالی"

تو مثل خدا محول الاحوالی

در روز ولادت تو ای خواهر عشق

جای همه ی مدافعانت خالی...

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

حسین رحیمیان

به نام آنکه به ما داد، درس ایمان را

همان که زندگی اش زنده کرد انسان را

همان که بر همگان درس عاشقی آموخت

ز دست لیلی و مجنون گرفت میدان را

اگر نبود، نبودیم نوکران حسین

میان سفره ی ما او گذاشت این نان را

همان کسی که همیشه حکایت صبرش

صبور کرد دل مادر شهیدان را

به نام آن زن مرد آفرین کرببلا

همان که از دل ما برد ترس طوفان را

کجاست دشمن شیعه حریف می طلبیم

مرید حضرت زینب عقیله العربیم

دوباره در دلم آشوب محشر کبراست

چگونه من بنویسم ازآن که بی همتاست

خدا کند که بفهمیم کیست این بانو

شناخت هر که مقامش از اولیای خداست

نوشته اند که یک عمر اهل نافله بود

مراد و پیر تمام نماز شب خوان هاست

نوشته اند از آن دم که چشم خود وا کرد

اسیر و عاشق و حیران سید الشهداست

نوشته اند کرامات کوثری دارد

ببین مقام علی را چه دختری دارد

رسیده شیعه به اینجا به همت زینب

زمین حسینیه شد با عنایت زینب

چه با شکوه سپاهی چه لشکری دارد

حسینیان جهانند امت زینب

بزرگ و کوچک عالم ، محرمِ هر سال

شوند راهی روضه به دعوت زینب

برای دیدن آن جمعه ی فرج باید

قسم دهیم خدا را به حرمت زینب

اگر نبود کسی سینه زن نبود الان

دلی اسیر حسین و حسن نبود الان

تویی که قبله ی اولاد مرتضی بودی

تویی که فاطمه شهر کربلا بودی

حرام بود نگاهِ به سایه ات حتی

تو یادگاری پیغمبر خدا بودی

تویی که نام شریفت همیشه حرمت داشت

به روی ناقه ی عریان بگو چرا بودی

تویی که بود همیشه حسین همراهت

چه شد که همسفر شمر بی حیا بودی

کسی که خواند تو را خارجی نبود اصلا

در آن زمان که به آغوش مصطفی بودی

به احترام تو باید فرشته گل می ریخت

میان شام چه شد زیر سنگ ها بودی

شکست حرمت بال و پرت زبانم لال

چه آمده به سر معجرت زبانم لال

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

محسن عرب خالقی

آنانکه مشق اشک مرتب نوشته اند

باخط عشق این همه مطلب نوشته اند

این چندخط مختصر اما مفید را

هر روز خوانده اند که هرشب نوشته اند

تقدیر دو پیاله ی ما را هزار سال

پیش ازشروع گریه لبالب نوشته اند

تکلیف چشم های مرا ازهمان نخست

از روی اشک حضرت زینب نوشته اند

یعنی که تشنگی ام ازین مشرب است وبس

یعنی امام گریه ما زینب است و بس

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

اسماعیل شبرنگ

در زمین و آسمان ها خیمه ی شادی به پاست

مٱذنه تا مٱذنه لبریز عطر ربناست

ذکر تعجیل قنوت استجابت آمده

سائلان مژده که حاجات همه امشب رواست

زینت گلخانه ی مولا شکوفا گشته و...

بیت حیدر با شمیم بنت زهرا آشناست

معجزه در بین چشمانش تلاطم می کند

خاک با فیض نگاه دختر زهرا طلاست

در شب میلاد غرق رحمت اخت الحسین

بانی عیدی ما قطعا خود خون خداست

**بانویی که سفره ی الطاف خود را پهن کرد**

**خانه ی دل را برای عشق پاکش رهن کرد**

با وجود او غم و غصه به آخر می رسد

لطف مادر بیشتر از سوی دختر می رسد

ماهمه از سایلان فیض عام زینبیم

رزق ما از سفره ی بانو مکرر می رسد

دم به دم مشمول لطف دختر زهرا شود

سایلی که خاضعانه پشت این در می رسد

زودتر با دست پر از پیش زینب می رود

محضر او هر کسی با دیده ای تر می رسد

هیبت والای رفتارش به زهرا رفته است

واژه واژه از کلامش عطر مادر می رسد

ذوالفقار خطبه هایش باز قلع و قمع کرد

تا به میدان می رسد انگار حیدر می رسد

مطمئنم در شلوغی های روز واقعه

چادر بانو به داد اهل محشر می رسد

**مایه ی آرامش جان و دل بی تاب ماست**

**آسمان ها خاک پای خواهر ارباب ماست**

از ازل دستان این سایل دخیل زینب است

تا ابد محتاج لطف بی بدیل زینب است

اولین گلبانوی دامان زهرا و علی

دومین زهرای این قوم و قبیله زینب است

هرکسی با نام زیبای کسی مٱنوس شد

بر لبان ما فقط ذکر اصیل زینب است

کوثر کوثر کویر عشق را سیراب کرد

ساغر ما جرعه ای از سلسبیل زینب است

**هرشب جمعه به یاد روضه های خواهری**

**گریه می بارم به یاد لحظه های آخری**

که برادر جان من افتاده ای از پا چرا؟؟

مانده ای تنها میان دشتی از غم ها چرا؟؟

تکیه بر نیزه مزن ای تکیه گاه زینبین

روی خاک افتاده ای اینگونه بی سقا چرا؟؟

بعد از این پنجاه سالی که کنارم بوده ای

می زنی حرف از جدایی با منِ تنها چرا؟؟

زینت دوش نبی روی زمین جان می دهی

پاره پاره پیکرت پاشیده در صحرا چرا؟؟

**وای اگر در روزهای پر خطر زینب نبود**

**"کربلا در کربلا می ماند اگر زینب نبود"**

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

قاسم صرافان

زیبایی دریاست در اعماق نگاهش

این دختر آرام و صبوری كه رسیده

از شوق ، علی سفره به اندازه یك شهر

انداخت ، به شكرانه ی نوری كه رسیده

كاشانه ی اهل دل و میخانه ی هستی

دنیا و سماوات، عوالم همه روشن

عطر خوش او پر شده در شهر مدینه

به به چه گلی ! چشم و دلت فاطمه روشن

لبخند نشسته به لب حضرت ساقی

مرضیه دلش وا شده از دیدن دختر

تا آمده لبریز شده چشمه ی تسنیم

كامل شده با آیه ی او سوره ی كوثر

بی تاب شدی ، دختر مهتاب رخ عشق

بارانی اشك است چرا صورت ماهت ؟

گریانی و پیش كسی آرام نداری

دنبال كدام آیت حق است نگاهت ؟

باران بهاری شده ای دختر حیدر

زهرا چه كند گریه تو بند بیاید

باید كه بگویند كنار تو حسینت

تا شاد شوی، با گل و لبخند بیاید

همسایه ندیده به خدا سایه ای از تو

تمثیل حیایی تو و تندیس وقاری

پیداست ولی دختر سردار حنینی

از شور كلام و دل شیری كه تو داری

شعر شب میلاد تو هم پر شده از اشك

بانو ! چه كنم روی دلم سوی فرات است

جز اشك چه گویم كه همه هستی عالم

عشق تو ، حسین تو ، قتیل العبرات است

اینقدر مریز اشك ، صبوری كن و بگذار

هر قطره ی این اشك برای تو بماند

وقتی شب باریدن اشك است كه مادر

در گوش تو لالایی پرواز بخواند

یك روز بیاید كه پدر را تو ببینی

با چشم پر از اشك در آن غسل شبانه

با چادر خاكی برود مادر و فردا

با چادر كوچك بشوی خانم خانه

روزی برسد ، ... كاش كه می شد نرسد ... نه

آن لحظه ی سنگین خداحافظی از یار

ای كاش كه هرگز به سراغ تو نیاید

تا پیرهن كهنه بخواهد ز تو دلدار

آن لحظه نیاید كه تو باشی و بیفتد

آن سایه ی سر ، بی سر و بی سایه به صحرا

ناموس خدا باشی و بر ناقه ی عریان

بنشینی و یك شهر بیاید به تماشا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

محمد مهدی رافع

پیش رو، کاغذ و قلم در دست

متحیر نشسته ام اینجا

مانده ام از کجا شروع کنم

مدح آن بی نظیرِ بی همتا

قلمم بشکند! چه میگویم؟

من کجا ... وصف دختر طاها؟!

من که نه ...کار انبیا هم نیست

وحی باید بیاید از بالا

السلام ای دعای خیر رسول

زینت بیت حضرت مولا

مثل زهرا امانتت داده

چند روزی خدا به این دنیا

نام تو مشق شام جبرائیل

رویت آذین ساق عرش خدا

شام... یعنی که: "رو بگیری تو"

روز... یعنی: "رخت شود پیدا"

عفّتت را خدا کند تسبیح

ای ثریّا نشین عاشورا

هر نخ چادر تو حبلِ متین

تشنه ی معجر تو حجب و حیا

روضه خوانِ غمِ تو ابراهیم

مستمند دعای تو عیسی

گریه هامان بضاعتی مزجات

ای عزیز علی !  تَصَدَّقنا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

قادر طراوت پور

ای یاد تو قد قامت «قول» ست و “قصیده”

نام تو تجلّی عقیق ست و عقیده

عنوان تو نورست که از نور می‌آید

تصویر تو «ماه» ست که از «مِهر» دمیده

ای وصف تو دریا به کفِ دست گرفتن!

ای دیدن رویِ تو «ملاقات  “دو دیده!

هنگام اذان ست و تو ناموس اذانی

نام تو بلندست در این عرش خمیده

مثل تو کسی جانب حق را نگرفته

مثل تو کسی «دار اَناالحق» نخریده

مثل تو کسی «دَم» نزد از «خونِ» سرِ نور

مثل تو کسی سر نزد از سمت سپیده

مثل تو کسی در جلوی مرگ ناِستاد

مثل تو کسی پشتِ سرِ خون ندویده

در حادثه تنها سفرِ عشق، دمشق ست

بر جاده‌ی باران‌زده از خونِ چکیده

با قافله‌ای از سر و با پای برهنه

با روح پُر از آبله با جسم تکیده

دل‌ها همه دستِ تو اسیرند و در این دشت

جان‌ها همه پایِ تو شهیدند، شهیده

یک چلّه به اشک آمد و یک چلّه به خون خُفت

«چشمی که تو را دیده و چشمی که ندیده»

شامات غریبانه‌ی ما با تو سحر شد

در سینه‌ی ما دل به هوای تو تپیده

ای پاک‌تر از پاک‌تر از پاک‌تر از پاک

ای صبح‌تر از صبح‌تر از صبحِ رسیده

ما را چه به توفیق ملاقات تو خاتون!؟

با چشم، در آورده و با نای بریده

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

حسن لطفی

این جلوه جلوه های شبی بی کرانه است

این جذبه جذبه ی حرمی پر نشانه است

این سجده سجده بر قدمی جاودانه است

این شعله شعله ی نفسی عاشقانه است

از هر لبی که می شنوی این ترانه است

**عالم محیط و نقطه ی پرگار زینب است**

چشمی گشود و چشم شقایق به خواب شد

نوری دمید و قبله ی هر آفتاب شد

سِّری رسید و معنی ام الکتاب شد

زیباترین  دعای علی مستجاب شد

زهراست این که در دل گهواره قاب شد

**امشب تمام گرمی بازار زینب است**

بر عرش دست سبز نبی تا که جا گرفت

نورش زمین و هرچه زمان را فرا گرفت

حتی بهشت سرمه ازآن خاک پا گرفت

از عطر دامنش همه جا روشنا گرفت

آئینه ای مقابل رویش خدا گرفت

**تصویر جلوه های خدا وار زینب است**

این کیست اینکه سجده کند عشق در برش

این کیست این که سینه درد در برابرش

این کیست این که از جلوات مطهرش

عالم نبود غیر غباری به محضرش

فرموده از برکاتش برادرش

**آئینه دار حیدر کرار زینب است**

سوگند بر شکوه دل مرتضایی اش

سوگند بر تقدس کرببلایی اش

سوگند بر نماز شب کبریایی اش

بر ریشه های چادر سبز خدایی اش

**تا روز حشر کعبه ی ایثار زینب است**

آن شانه ی صبور صبوری ز ما ربود

وان قامت غیور قیامت به پا نمود

یک شیر زن حماسه ی عباس را سرود

با دست خویش بیرق کرببلا گشود

بر بالهای زخمی اش افسوس جا نبود

**غم را بگو بیا که خریدار زینب است**

پشتش شکست بسکه بر او آسمان گریست

حتی به حال روز دلش بی امان گریست

آرام بین حلقه ی نامحرمان گریست

از خنده های حرمله و ساربان گریست

بر گیسوان شعله ور کودکان گریست

**شرح حدیث کوچه و بازار زینب است**

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

سید محمد میرهاشمی

باز عالم پر ز غوغاى كه شد ؟

باز دلها مست و شیداى كه شد ؟

باز گوش اهل دل پر زمزمه

از طنینِ شور و آواى كه شد ؟

باز دل سرشار از شوق كه شد

باز این ویرانه مأواى كه شد ؟

**دل به شوق از یاد زینب آمده**

**تهنیت میلاد زینب آمده**

آمد آن ‏بانو كه ‏فخر هر زن ‏است

هر دلى با ذكر نامش گلشن ‏است

روح تاریك همه سر گشتگان

در شعاع نور عشقش روشن ‏است

گفت‏ خیرالناس امر واجبى

احترام او به هر مرد و زن است

كسیت زینب ؟ جلوه عشق خدا

عشق او سرمایه دین من است

**هست سرى منجلى در روح او**

**جمع زهرا و على در روح او**

هیچ گنجى با غمت ‏هم پایه ‏نسیت

غیرعشقت ‏شیعه ‏را سرمایه ‏نیست

غیر تو كه شیر زهرا خورده‏اى

هیچ كس با فاطمه هم پایه نیست

غیر نام دلربایت زینبا

در كتاب عشق حیدر آیه نیست

غیر اشكى كه نثارت مى‏كنم

عاشق بى ‏مایه ‏ات را مایه نسیت

**عزت حیدر مدد كن عاشقت**

**دختر كوثر مدد كن عاشقت**

اى درخشنده ‏تر از الماسها

اى صفا بخش وجود یاسها

اى تجلى امامت در زنان

مایه ی ترس على نشناسها

لطف تو شد شامل هر شیعه‏اى

اى صفا بخشیده بر احساسها

عبد زینب واقعاً عبد خداست

مدعى بگذار این وسواسها

**خسته بال دام عشقِ زینبم**

**من پرستوىِ دمشق زینبم**

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

قسمت سوم؛ گلچین مجالس مداحان

ترک 01 ـ شعر[[4]](#footnote-4)

سلام فاطمه مرآت داور آوردی[[5]](#footnote-5)

زهی که خون خدا را پیمبر آوردی

ببار کوثر احمد که کوثر آوردی

برای حیدر کرار حیدر آوردی

به روی دامن تو شیر دخت شیر خداست

درون سینۀ او قلب سید الشهداست

سپهر عصمت کوکب مبارکت باشد

تحیت از طرف رب مبارکت باشد

عجب شبی بُوَد امشب مبارکت باشد

شب ولادت زینب مبارکت باشد

پیمبر آمده یا حیدر است این دختر

بگو که فاطمۀ دیگر است این دختر

فرشتگان همه از جای خود قیام کنید

کنار فاطمه بر زینب احترام کنید

به خاک مقدمشان سجده صبح و شام کنید

همه به فاطمه و دخترش سلام کنید

تمام فاطمه زینب است این دختر

ادب کنید همه زینب است این دختر

کریمه ای که کرامت به او برازندست

شرف، جلال، « زعامت[[6]](#footnote-6) » به او برازندست

نجات اهل قیامت به او برازندست

خدا گواست امامت به او برازندست

شکوه حیدری اش بین، مگو که حیدر نیست

خطابه خوانی او کم ز فتح خیبر نیست

هنوز شیر ننوشیده ذکر حق سخنش

ز شیر بهتر، نام حسین در دهنش

شمیم فاطمه آید ز بوی پیرُهنش

روان و روح بزرگ حسین در بدنش

ز مهد آمده همسنگر امام حسین

نگاه دوخته بر حنجر امام حسین

کسـی کــه بــر سر عالم علم زند، این است   
کسـی کــه حکـم خـدا را رقم زند این است   
کسی که نقش شیاطین به هم زند این است   
کســی کـه شعله به کاخ ستم زند این است   
زبان زندۀ حیدر خطابه‌خوان خداست   
پیــام‌آورِ پیغــام‌آورانِ خــداست

 الا زمام سخن همچنان به فرمانت  
نگاهبــان شهیــدان خدا نگهبانت   
پیمبر و علـی و فـاطمه ثناخوانت   
تو زینبــی، پدر و مادرم به قربانت  
عجب نه، گر به حضورت علی قیام کند   
سـر حسین، سـر نـی به تو سلام کند

نگفته‌هـای علـی جملـه جمله بر لب توست   
کلاس فاطمه مکتب نرفتـه مکتب توست   
شبی که ماه در آن آب می‌شود، شب توست   
تـو آسمانـی و رأس حسین، کـوکب توست   
تو مریم دو مسیحی که شد جدا سرشان   
مسیـح بوسـه گذارد به زخم پیکرشان

کسی که بر تو کند اشک خود روان ز دو عین

به حق که هم به حسن گریه کرده هم به حسین

چرا که هست تمام وجود تو حسنین

گریستن به تو هم دین ما بود هم دِین

تو با شهامت و صبرت حسینی و حسنی

حسینی و حسنی، نه، تمام پنج تنی

ولادت تو خبر از محرم آورده

به درگهت سر تسلیم عالم آورده

به پیشگاه تو تعظیم مریم آورده

نه در حضور تو مردانگی کم آورده

به پیش سیل بلا کوه محکمی زینب

زنی و سرور مردان عالمی زینب

الا سلام خداوند بر سر آغازت

چهل عروج ز خود تا خداست پروازت

به هر خطابه هزاران هزار اعجازت

سر حسین به بالای نی سر افرازت

اسارت تو کمال شهادت شهداست

خطابه های تو رمز سعادت شهداست

تو آسمان جلال کرامتی زینب

تو پاسدار مقام امامتی زینب

تو مادر شهدا تا قیامتی زینب

قدت خمیده ولی راست قامتی زینب

چه می شود ز کرم ای محیط صبر و رضا

که نخل میثم آلوده را کنی امضا

انقده گریه کرد خانوم زینب. عالم به همه ی کائنات رسول خدا. بچه یک روز مدام گریه کرد. فاطمه جان این بچه رو شیر دادی؟. آری بابا بچه سیر هستش. فاطمه جان برای چی داره گریه می کنه زینبم بغل من بده. علی جان دختر تو بگیر باز هم گریه کرد. حسن جان خواهر تو بغل کن شاید آرام بشه. بغل امام حسن آمد بازهم گریه کرد. حسین جان بنشین خواهر تو بذاریم تو بغلت. نشست حسین، پاهاش رو دراز کرد. ارباب من و شما دو سه سال داره. ارباب دستشُ مانند گهواره کرد. زینب داره گریه میکنه. امام حسن همینطور بچه رو گذاشت تو بغل حسین. صدای گریه به صدای خنده تبدیل شد. اینجا به حسین رسید خنده شروع شد، یه جا از حسین جدا شد گریه شروع شد.

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 02 ـ سرود[[7]](#footnote-7)

هم علی و هم زهرا زینبه مرد روز عاشورا زینبه

هم ساکت یه لحظه گوش کنید ضربانِ قلبم یا زینبه

عاشقی اینجوریه هم سختی هم دوریه

کاری کن بی بی برم کربلا و سوریه

یا زینب شریکه الحسین

من غلامِ اولاد حیدرم خدا می دونه اینه باورم

توی سختی های کشور میشه متوسل به زینب رهبرم

می زنم با گریه دست می خونم تو هر نفس

که مدافعِ حرم تنها عباسه و بس

یا زینب شریکه الحسین

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 03 ـ سرود[[8]](#footnote-8)

تو آسمون   دونه دونه تک تک

ستاره ها    با خنده و چشمک

دارن میخونن باشوروشادی بادا مبارک

خنده به روی لبای حیدره  شب میلاد ثانی مادره

اومده اونکه به حسین دلبره   روز ولادتش روز خواهره

خونه ی دلم پره نوره

بساط عشقم دیگه جوره

غصه زقلبم دوره دوره

یازینب عقیله العرب

صلابتش     شبیه به زهرا

خدا میگه      زینته به مولا

اومده دنیا پیمبر عشق زینب کبری

سفارش پبمبر اکرمه     دیگه وظیفه شد برای همه

که احترامش واجبه مبرمه  جونم فدای دختر فاطمه

بانوی حرم بی بی زینب

سایه ی سرم بی بی زینب

آخر کرم بی بی زینب

یازینب عقیله العرب

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 04 ـ سرود[[9]](#footnote-9)

بازم چراغونیه ، آیینه بندونیه

خونه علی و فاطمه ، امشب و مهمونیه

اومد ، سوره کوثر حضرت کوثر

اومد ، پاره تن بر قلب پیمبر

اومد ، آرامش دل و زینت حیدر

**سیدتی زینب**

اومده نور دوعین ، شفیعه ی عالمین

اومده انیس و مونس ، حضرت ارباب حسین

بارون ، می باره از توی آسمونا

ریسه ،  بندونه تو عالم بالا

عیدی ، میده برما حضرت طاها

**سیدتی زینب**

می خروشن دریاها ، گل می باره از سما

حسین و حسن عیدی می دن ، اومده زینت بابا

زهرا ، به روی دستاش گرفته کوکب

حیدر ، نذری میده از خوشحالی امشب

دنیا ، اومده امشب حضرت زینب

**سیدتی زینب**

کاشکی بشم من فدات ، سر بزارم زیر پات

مث ِ بیضایی و عسکری ، جونمو بدم برات

کاشکی ، یه روزی شامل جود و کرم شم

مثل ، شهدا رو سفید و محترم شم

جزء ، شهدای مدافع حرم شم

**سیدتی زینب**

**\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\***

ترک 05 ـ شور[[10]](#footnote-10)

زهرا کوثر آورده                  برا علی دختر آورده

برا حسن خواهر آورده            برا حسین لشکر آورده

برو بیایی شده تو آسمون و زمین دل علی پر کشیده

سر و صدایی شده تو عرشِ خدا برای قدم نو رسیده

در اومده گلای رازقی همه با دلای شقایقی

خونۀ علی شده نور نور اومده ملکۀ عاشقی

مستم منه دیوونه حسین حسین حسین حسین

دستم مثه پیمونه حسین حسین حسین حسین

هستم دره میخونه حسین حسین حسین حسین

اربابم خندونه حسین حسین حسین حسین

نورِ محشره زینب                حبیبۀ داور زینب

آیینۀ مادر زینب              خود خود حیدر زینب

رسیده اون ماه آسمون که غم همه دلا رو خودش میدونه

تموم عشق خود خود عشق خود خود نور خود خود آسمونه

اومده امید دل همه اومده آیینۀ فاطمه

قربونی اگه بکنن به پاش همۀ عالمُ بازم کمه

امشب شب بارونه حسین حسین حسین حسین

غصه توی زندونه حسین حسین حسین حسین

دل آیینه بندونه حسین حسین حسین حسین

اربابم خندونه حسین حسین حسین حسین

سایه رو سرم داری        همیشه از بس کرم داری

تو عاشقی تو علمداری      توی دل من حرم داری

یه روز میاد که دوباره باز همگی میایم به حرم تو زیارت

خوشا به حال اونایی که کنار حرم بشه روزیشون شهادت

از حرم تو دلا عازمه به حرم علی و فاطمه

نشون حرم تو پرچمه آقا قمر بنی هاشمه

نفسی لکِ یا زینبه حسین حسین حسین حسین

روحی لکِ یا زینب حسین حسین حسین حسین

یا سیده عالم حسین حسین حسین حسین

لبیکِ یا زینب حسین حسین حسین حسین

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 06 ـ شور[[11]](#footnote-11)

دوباره صحن چشای عاشق شده دریایی دریایی دریایی

دوباره قلب و دل مجنونم شده شیدایی شیدایی شیدایی

دوباره امشب شب میلاد و شب رویایی رویایی رویایی

خونۀ آقامون علی بازم منور شد

از قدم دخت علی جهان معطر شد

مژده میدن ملائکه امشب به پیغمبر

که دخترت فاطمه هم صاحب دختر شد

سرا تا پا حیدری یا زینب یا زینب یازینب یا زینب

زهرای دیگری یا زینب یا زینب یازینب یا زینب

قناری امشب ز شوق و شادی غزل می خونه می خونه می خونه

سحاب رحمت رسیده بازم شب بارونه بارونه بارونه

شب میلاد عزیز باباست دلم مجنونه مجنونه مجنونه

اسم تو رو خدا گذاشت، زینت رب هستی

الگوی عفت و شجاعت و ادب هستی

عالمۀ غیر معلمه تویی بانو

فخر جهانیان عقیله العرب هستی

بر دریا گوهر نایابی یا زینب یازینب یا زینب

خواهر حضرت اربابی یا زینب یازینب یا زینب

خدا می دونه حریم پاکت همه دنیامه دنیامه دنیامه

میون صحنت کبوتر باشم همه رویامه رویامه رویامه

دم یازینب مدد یا زینب روی لبهامه لبهامه لبهامه

شریکه الحسینی و دل به تو می بازیم

تحت لواء الزینب ما همه سربازیم

از حرم رقیه تا صحن شما بانو

میام یه بین الحرمین دیگه می سازیم

راه زیارتت وا میشه یا زینب یازینب یا زینب

داعش رو می کنیم از ریشه یا زینب یازینب یا زینب

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 07 ـ شور[[12]](#footnote-12)

نبض قلب من نامرتبه

هرکی عاشقه درتاب و تبه

دنیا اومده اون دلداری که

به امر خدا اسمش زینبه

خاتونه ، دلای شیدایی ، بانوی ، حرم مولایی

حیدری ، حسنی زهرایی ، دلداره ، شاه کربلایی

**حیدر ، زینت دنیاس**

**زینب ، زینت مولاس**

دنیا اومده عشق ازلی

پاره ی تن زهرا و علی

ذکر همه ی دنیا زینبه

با نور نگاش دل شد منجلی

سرمه ی ، چشممه خاک پاش ، می میرم ، عاقبت من براش

پدر و ، مادرمم فداش ، کوربشن ، همه دشمناش

بی بی ، ثانی زهراس

بسکه ، شأن او بالاس

**حیدر ، زینت دنیاس**

**زینب ، زینب مولاس**

مسته مستمو من آخرشم

جام عاشقی رو سر می کشم

آرزومه که نذر مقدمه

بنت فاطمه من قربونی شم

یازینب ، نغمه پروازه ، نامی که ، بهترین آغازه

اعجازه ، بخدا اعجازه ، تنها می ، بدلم میسازه

ذکر ، دلای شیداس

زینب ، خاتون دلهاس

**حیدر ، زینت دنیاس**

**زینب ، زینب مولاس**

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

فصل دوم؛ ایام فاطمیه

قسمت اول؛ برگی از تاریخ

نزدیک ترین حالات زن به خدا

پیامبر گرامی در قالب پرسش هایی تفکر انگیز در مورد زن یا نیمی از پیکر جامعه و توجه دادن به مقام انسانی زن و حساسیت نقش او، از یاران پرسید: زن چیست و جایگاه او کجاست؟

آنان پاسخ دادند: زن انسانی است بسان دیگران، اما یادآور حیا و وقار و عفاف و پاکی است.

پیامبر فرمود : چه زمانی زن بیش از هر زمان دیگر به پروردگارش نزدیک تر است؟

فاطمه سلام الله علیها در پاسخ آن حضرت گفت: آن لحظاتی که یک بانوی آگاه و اندیشمند و پروا پیشه در خانه خویش به تدبیر امور جامعه کوچک خانه و تربیت و آموزش فرزندان خویش می پردازد، از هر زمان و انجام هر کار دیگری به خدا نزدیک تر است.

پیامبر با شنیدن پاسخ دقیق و ظریف دخت فرزانه اش که از میان نقش های چندگانه یک زن، به نقش مادر و تدبیر امور فرزندانش ـ که مقدمه و مرحله ای از تدبیر شایسته و انسانی امور و شئون یک جامعه مترقی و آزاد منش و پویاست ـ بیشتر بها می داد، فرمود: « إنَّ فاطِمَةَ بِضعَةُ مِنِّی[[13]](#footnote-13).» راستی که فاطمه پاره ای از سازمان وجود من است[[14]](#footnote-14).

سادگی و صفا در ازدواج

پیامبر نور هرچه در پذیرش خواستگاران سر شناس و نامدار دخت فرزانه اش سخت گرفت و به هر کدام از آنان بر اساس معیار های آسمانی خویش، به تناسب خرد و سبک کارشان، به گونه ای « نه» گفت و حتی به سوی پاره ای که بر اثر زنگار های جاهلی، دارایی و امکانات گسترده را دلیل شخصیت و ملاک لیاقت می پنداشتند، مشتی سنگ ریزه پاشید، همان پیشوای فرزانه هنگامی که امیر والایی ها به خواستگاری دخترش آمد، ساده و با صفا خود به جای اوـ که چهره اش از شرم گلگون شده بود ـ سخن گفت و از سوی او از فاطمه سلام الله علیها خواستگاری کرد و آنگاه با شور و شادمانی بسیار رضایت ریحانه اش را به علی سلام الله علیه نوید داد.

پس از این مرحله نیز مراسم چندگانه تعیین میزان مهریه، خرید بازار، سبک تهیه جهیزیه، تشریفات مراسم و میهمانی عروسی، ـ که هنوز چند مشکل بزرگ و چند خان رستم بر سر راه خانواده ها در موضوع ازدواج است ـ با رضایت قلبی فاطمه سلام الله علیها به همان سادگی و صفا برگزار شد تا با این گام عملی، ازدواج برترین دختر گیتی با والاترین جوان از نسل آدم، سر آغاز تحول مطلوب و مترقی و انسانی در سرنوشت زن گردد.

سادگی و صفا در خرید جهیزیه

شاید از همه عجیب تر و تفکر انگیز تر در این مورد، سادگی و صفایی است که در خرید عروسی و تهیه وسایل و لوازم زندگی برای دخت بهشت موج می زند؛ چرا که همه آنچه او با آن موقعیت رفیع معنوی و اجتماعی و سیاسی خود و خانواده اش به عنوان جهیزیه با خود می برد، عبارت بود از؛

یک پیراهن

یک روسری بلند

یک سر انداز

یک تخت چوبی

یک پرده پشمی

یک فرش حصیری

یک طشت مسی

یک کاسه بزرگ

ظرفی برای وضو

یک سبوی سبز رنگ

یک بشقاب گلین

یک ظرف مخصوص آب

یک مشک چرمی

یک آسیای دستی

دو عدد تشک از کتان و لیف خرما

چهار عدد بالش

چند کوزه سفالین

دو دستبند نقره ای

و دیگر هیچ. آری، این وسایل و لوازم آغاز زندگی مشترک و بهاران شور و جوانی ریحانه پیامبر یا والاترین دختر گیتی است؛ و به گونه ای که محدثان و مورخان آورده اند، هنگامه شهادت نیز نه تنها چیزی بر آنها نیفزود، که پاره ای را نیز در راه خدا انفاق کرد؛ در حالی که او از سوی مادر، دختر ثروتمندترین بانوی حجاز بود و پدرش در شرایط و موقعیت پر شکوهی بود که تنها یا یک سخن یا یک اشاره، برایش آسان بود که برای دخترش گران قیمت ترین وسایل زندگی و پرشکوه ترین امکانات را فراهم آورد، اما در آن صورت دیگر خانه گلین و با صفا و زندگی پر معنویت و با روح فاطمه سلام الله علیها، کعبه دلها نبود و نمی توانست نمونه و سر مشق ساده زیستی و صفا برای همگان باشد.

حقوق و اخلاق در کانون خانه و خانواده

در مورد زنان شایسته کردار و چگونگی رفتار آنان در کانون خانه و خانواده و در رابطه با آیین همسرداری از آن حضرت آورده اند که فرمود: « قالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه و آله وسلم: وَيلٌ لِإمرَأَةٍ أَغضَبَت زَوجَها، وَطُوبى لِإِمرَأَةٍ رَضِيَ عَنها زَوجُها[[15]](#footnote-15)» « نفرین بر آن زنی که با پایمال ساختن حقوق و حرمت مرد خانه اش، او را به خشم آورد، و خوشا به حال آن زنی که با رفتاری خداپسندانه و انسانی، به گونه ای زندگی کند که همسرش از او خشنود باشد[[16]](#footnote-16).»

در شیوه شایسته همسرداری

او سمبل و نمونه یک همسر شایسته و یک همتای بایسته و یک شریک زندگی برازنده و یک همراه و همراز آزاده و بزرگ در راه تقرب به خدا و طلب خشنودی او بود و در این را از هیچ مهر و ایثار دریغ نمی ورزید.  
دیگران را بر خود مقدم می داشت و با سختی های زندگی دلیرانه رو به رو می گردید تا گرد و غبار اندوه و رنج زندگی بر دل مصفای همتای زندگی اش امیرمومنان و فرزندان ارجمندش ننشیند.

در جواب امیرمؤمنان ـ که پرسید: فاطمه جان چرا نگفتی چیزی در خانه نیست تا فراهم آورم؟ ـ گفت :

« یا أَبَا الحَسَنِ إِنّی لَأستَحی مِن إِلهی أَن اُکَلَّفَ نَفسَکَ مالاتَقدِرُ عَلَیه.[[17]](#footnote-17)»

« علی جان من از پروردگارم حیا می کنم که چیزی را که تو بر فراهم آوردن آن توان نداری، آن را از تو بخواهم و فراهم آوردن آن را از شما در خواست کنم.[[18]](#footnote-18)»

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

فصل سوم؛ هجوم به خانه وحی

قسمت اول؛ اشعار منتخب

محسن حنیفی

دستم به دامان کسی که بین کوچه  
دستش جدا از دامن مولا نمی شد  
جان علی مرتضی در مشت او بود  
او را زدند و باز مشتش وا نمی شد  
  
او آیه ی تطهیر بود و، دست ناپاک  
دلخوش از اینکه زد به رویش رنگ نیلی  
یک سنگریزه پیش اقیانوس هیچ است  
هر چند قطعاً درد دارد جای سیلی

او را زدند و نبض عالم تند می زد  
نظم جهان با نبض او در ارتباط است  
قنفذ خراج خویش را در کوچه پرداخت  
با ضربه اش دیگر معاف از مالیات است  
  
پیراهن پیغمبرش را بر سر انداخت  
با ناله هایش کوچه ها را زیر و رو کرد  
هر چند بر رویش، خسوفی سرخ دارد  
مهتاب، ابر تیره را بی آبرو کرد  
  
یک مو نشد کم از سر مولای عالم  
مولای ما را او به خانه بازگرداند  
می خواست تا پیش علی باشد همیشه  
اما ورق را تازیانه بازگرداند

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

اصغر چرمی  
تو كه بر عالم و آدم پناهي  
دوباره دخترت را كن نگاهي  
نميداني چه ذوقي كردم امروز  
كه ديدم بهتري و رو براهي  
  
الا اي ياس تنهاي كفن پوش  
چراغ خانه را كردي تو خاموش  
براي اينكه دختر هم نميرد  
گرفتي باز زينب را در آغوش  
  
مپوشان از علي چشم ترت را  
مگير از من نگاه آخرت را  
اجازه مي دهي يكبار ديگر  
به روي شانه بگذارم سرت را ؟  
  
ناكسان حق نبي را خوردند  
قلب خونين مرا آزردند  
تا كه ديدند زمين خوردم من  
جان گرفتند و علي را بردند  
  
در اين امر الهي هيچ شك نيست  
اگر زهرا نباشد، نُه فلك نيست  
چرا قاتل نفهميد اين كه بي بي  
خودش حق است و محتاج فدك نيست  
  
در حسرت قبر مادر جانبازيم  
عمريست كه حيران همان يك رازيم  
با كوري وهابيت و آل سعود  
يك بار دگر بقيع را مي سازيم  
  
اشك غم تو مرام ديرينه ي ما  
رفتار خدايي تو آئينه ي ما  
الگوي رفيع عشق و ايثار تويي  
شد نوكريت مدال بر سينه ي ما

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

محمود ژولیده

مِهر زهرا چیست مِهر مادری

باده ما چیست جامِ کوثری

هرکه را مهر ذَوِی القُربا رسد

روزی اش از شاخه طوبا رسد

زندگی خواهم ولی با مادرم

بندگی خواهم که عبدِ کوثرم

بندگی باید بر آن پر سوخته

زانکه ما را بندگی آموخته

او به ما آزادگی تعلیم داد

در بلا آمادگی تعلیم داد

او ز مِهر مادری گنجینه داشت

پشت در اسراری اندر سینه داشت

مادر و اسراری از دیوار و در

مادر  و  اسراری از داغِ پسر

بانویی در دود و آتش گم شده

مادری راه نجاتش گم شده

غم ، شَرَر بر آشیانه می زند

مادرم را تازیانه می زند

پشت در کوثر به خون آغشته شد

یا رسول الله!  زهرا کشته شد

آسمان اینجا زمینی می شود

صحبت از "فضّه خُذینی" می شود

اولین رزمندۀ جنگ و جهاد

بی ولادت رفت تا صبحِ معاد

اولین  قربانیِ  راهِ   ولی

چارمین فرزندِ زهرا و علی

میزبان دادگاه عدل ، اوست

میزبان صبحگاه عدل ، اوست

چون به محشر ناله ، زهرا می کند

محسنِ شش ماهه غوغا می کند

من که اول کشتۀ مولایی ام

من شفیع امتِ زهرایی ام

با همه جام بلایی که چشید

یک تنه جورِ همه خلقت کشید

گر شود عمر جهان روزی تمام

می شود آنروز ، روزِ انتقام

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

محمود قاسمی

سرو قامت خمیده می بینم  
یا کمانی ز نور می آید؟  
به گمانم سوی اُحد امروز  
زنی از راه دور می آید  
  
زنی از جنس یاس و نیلوفر  
یاس با ساقه شکسته شده  
رنگ رخساره اش خبر میداد  
قلبش از روزگار خسته شده  
  
ناگهان ابر تیره ای آمد  
بوی باران گرفت این صحرا  
آن دمی که گرفت دستان  
دو پسر بچه دست مادر را

مادری ناتوان تر از هر کس  
مادری دل پریش و خسته و زار  
می نشیند کنار قبر عمو  
با دو چشمی شبیه ابر بهار  
  
ناله سر می دهد، پناه پدر  
حمزه شیرگیر شیرافکن  
فاطمه هستم ای عمو برخیز  
آمدم  خسته با حسین و حسن  
  
ای عمو غربت مرا بنگر  
بنگر فاطمه به چه حالیست  
به تو سربسته گویم ای حمزه  
بین این شهر جای تو خالیست  
  
بین آن کوچه ای که یک روزی  
بی حیایی به راه من سد شد  
دست سنگین او چو بالا رفت  
ناگهان حال و روز من بد شد  
  
تو نبودی و دود و آتش بود  
ز دل کودکان امان بردند  
کاری از دست خسته ام نرسید  
که علی را کشان کشان بردند  
  
ای عمو جان بگیر دستم تا  
خسته و سر به زیر گریه کنیم  
خیز تا بر غریبی حیدر  
بنشینیم و سیر گریه کنیم  
  
در بیابان بی کسی آن روز  
تا سما ناله های فاطمه رفت   
دل بی تاب و ناشکیبایم  
از اُحد تا کنار علقمه رفت  
  
یادم آمد که دختری روزی  
سر قبر عمو فغان می داد  
بین گریه کبود جسمش را  
به عمو جان خود نشان می داد  
  
گر نشد آب آبرو داری  
به فدای سرت عمو جانم  
از خجالت کنار این دریا  
آب شد پیکرت عمو جانم ...

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

محسن کاویانی

نخواستم بنویسم که در خطر بوده ست

گلی که زیرلگدهای حمله ور بوده ست

به هر "در"ی که زدم باز ، باز شد روضه

دلم همیشه در این غصه"در"به "در" بوده ست

چه شد که جوهرشعرم به رنگ نیلی شد

و سرخ شد رخش از این که بی خبر بوده ست

قلم رها شد و اول نوشت اینگونه:

گلی که پاره ی جسم پیامبر بوده ست

پس از تمام سپس ها رسید آنجا که

هم او که جان نبی بوده پشت در بوده ست

نوشتم "آتش" و شعرم نسوخت ، این آتش

به لطف واژه ی "زهرا"ست  بی اثر بوده ست

برای کشتن محسن  بهانه ها این بود

همین که فاطمه مادر، علی پدر بوده ست

دری توان علی را  گرفت و پرسیدم

مگر که از در خیبر بزرگتر بوده ست

علی که قدرت یک  دست او میان نبرد

به قدر قدرت و زور چهل نفر بوده ست

چگونه شد که سپر شد برای او زهرا

علی همان که به هر جنگ بی سپر بوده ست

امیرتیغ دوسر طعنه ها فراوان خورد

ز مارها که زبان هایشان دوسر بوده ست

و بیت بیت غزل شد شبیه یک کوچه

دلم گرفت و نوشتم علی اگر بوده ست...

قلم به دست من آمد دوباره ساکت شد

قلم نخواست بگوید که درخطر بوده ست

و نام قاتل او را میان قافیه ها

نشد بیاورد و گفت میخ در بوده ست

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

امیر عظیمی

آه، ای واژه ها بپا خیزید

شده وقت عزا بپا خیزید

مثل افلاک، مثل این عالم

بسرایید از غم و ماتم

ابرها پاره پیرهن شده اند

موج ها باز سینه زن شده اند

بادها گرم نوحه و زاری

شاخه ها دسته ی عزاداری

باغ ها لاله پوش، در گریه

جن و انس و وحوش در گریه

همه مشغول سوگ و زمزمه اند

روضه خوان عزای فاطمه اند

فاطمه کیست، زهره ی زهرا

فاطمه کیست، انسیه، حورا

فاطمه کیست، شهپر احمد

سوره ی قدر و کوثر احمد

فاطمه کیست، جان سادات است

مادر مهربان سادات است

کیست زهرا، یگانه ی عالم

مادر بی نشانه ی عالم

فاطمه، زن، نه، مرد میدان است

ذوالفقار نبرد میدان است

گفت هر چند زخمی و زارم

از علی دست بر نمی دارم

دشمن بی حیای آلُ الله

خصم کفرآشنای آلُ الله

دید با اینکه مرتضا تنهاست

باز در کوچه حامی اش زهراست

دست قنفذ به سمت زهرا رفت

سمت بازو، غلاف بالا رفت

فاطمه نور دیده ی سادات

مادر غم چشیده ی سادات

بس که از آن غلاف دید گزند

بازویش شد شبیه بازوبند

مثل شمعی مذاب شد بی بی

از درون، زود آب شد بی بی

دو سه ماه است حضرت زهرا

روی خود را گرفته از مولا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

غلامرضا سازگار

ﺍﺟــﺮ ﻭ ﭘــــﺎﺩﺍﺵ ﺭﺳـــﺎﻟﺖ، ﺷﻌﻠــﮥ ﺁﺫﺭ ﻧﺒﻮﺩ

ﺍﯾـﻦ ﻫﻤـــﻪ ﺁﺯﺍﺭ، ﺣـــﻖ ﺩﺧــﺖ ﭘﯿﻐﻤﺒـــﺮ ﻧﺒﻮﺩ

ﭼﻬـــﺮﮤ ﺍﻧﺴﯿــﻪ ﺍﻟﺤـــﻮﺭﺍ ﻭ ﺿــﺮﺏ ﺩﺳﺖ ﺩﯾﻮ

ﻓـﺎﻃﻤــﻪ ﺁﺧـــــﺮ ﻣﮕــــﺮ ﻣﺤﺒـﻮﺑـــﮥ ﺩﺍﻭﺭ ﻧﺒﻮﺩ؟

ﻓﺎﻃﻤـﻪ ﻧﻘـﺶ ﺯﻣﯿـﻦ ﮔــﺮﺩﯾﺪ ﻭ ﻣﻮﻻ‌ ﮔﻔﺖ ﺁﻩ!

ﺣﯿـﻒ! ﺣﯿـﻒ! ﺁﻧﺠـﺎ ﺟﻨﺎﺏ ﺣﻤﺰﻩ ﻭ ﺟﻌﻔﺮ ﻧﺒﻮﺩ

ﺩﺳﺖ ﺍﻭ ﺑﺸﮑﺴﺖ ﺍﻣﺎ ﺩﺳﺖ ﻣﻮﻻ‌ ﺭﺍ ﮔﺸﻮﺩ

ﻏﯿـــﺮ ﺍﻭ ﮐــﺲ ﺭﺍ ﺗــﻮﺍﻥ ﯾـــﺎﺭﯼ ﺣﯿـــــﺪﺭ ﻧﺒﻮﺩ

ﺩﺭ ﻣﯿــﺎﻥ ﺁﻥ ﻫﻤـﻪ ﺩﺷﻤـﻦ ﮐــﻪ ﺯﻫﺮﺍ ﺭﺍ ﺯﺩﻧﺪ

ﺳﻨـﮓ‌ﺩﻝ‌ﺗــﺮ ﻫﯿــﭻ‌ﮐﺲ ﺍﺯ ﻗﻨﻔــﺬ ﮐــﺎﻓـﺮ ﻧﺒﻮﺩ

ﻗـــﺎﺗﻞ ﺑﯿــﺪﺍﺩﮔﺮ ﺑﺎ ﭘـﺎ ﺻـﺪﻑ ﺭﺍ ﻣﯽ‌ﺷﮑﺴﺖ

ﺩﺭ ﻣﯿـــﺎﻥ ﺁﻥ ﺻــــﺪﻑ ﺁﺧــــﺮ ﻣﮕـﺮ ﮔﻮﻫﺮ ﻧﺒﻮﺩ

ﺑـــﺮ ﺗﺴــلی ﺩﻝ ﺻـــﺎﺣﺐ‌ﻋــﺰﺍ ﮔُﻞ ﻣـﯽ‌ﺑﺮﻧﺪ

ﮔــﻮﯾﯿﺎ ﺍﯾﻨﺠـــﺎ ﺯ ﻫﯿــﺰﻡ ﺩﺳﺘـﻪ‌ﮔـﻞ ﺑﻬﺘﺮ ﻧﺒﻮﺩ!

مﯿﺜﻢ ﺍﯾﻦ ﻣﺼﺮﺍﻉ ﺭﺍ ﺗﺮﺳﯿﻢ ﮐﻦ ﺑﺮ ﺑﯿﺖ ﻭﺣﯽ

ﺗـــﺎﺯﯾﺎﻧـﻪ ﺍﺣﺘـﺮﺍﻡ ﺳـﻮﺭﮤ ﮐـﻮﺛــﺮ ﻧﺒـﻮﺩ

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

سید پوریا هاشمی

...اگر بناست حسن رد شود ز کوچه ی باریک

چه بهتر اینکه مغیره گذر نداشته باشد

همیشه بین غم و حیرت است حال غریبی

که گاهواره بسازد پسر نداشته باشد

برای پلک ورم کرده روز هم شب تار است

عجیب نیست که زهرا سحر نداشته باشد..

قنوت نافله اش با دو دست نیست میسر

کسی که سوخته و بال و پر نداشته باشد....

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

سید علی نقیب

مردمِ شهر رسیدند ولی با آتش

آمده لشکرِ ابلیس سراپا آتش

داشت از درد تنِ خانه به خود می پیچید

داد زد کوبه ی در  وای خدایا آتش

درِ این خانه و آتش!؟چه خیالی دارند؟

جمع کردند درِ خانه ی دریا آتش

در خودش شعله زد و سوخت و خاکستر شد

با خودش گفت چرا خانهء زهرا آتش!؟ . .

باز تکرارِ همین قصه کمی آنسوتر

کربلا،روز دهم،خیمه و غوغا آتش

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

قسمت دوم؛ گلچین مجالس مداحان

ترک 01 ـ مدح[[19]](#footnote-19)

گل واژۀ صحیفۀ نور است فاطمه

سر سبز تر ز شاخۀ طور است فاطمه

با آنکه در حجاب تقدس نهفته است

تفسیر آیه آیۀ نور است فاطمه

پیچیده از حریر حیا حُرمتش ببین

حتی نهان ز دیدۀ کور است فاطمه

بخشد لباس خویش به سائل شب زفاف

از مشی هر عروس به دور است فاطمه[[20]](#footnote-20)

وقتی که در حضور خدا سجده می برد

خود معنی کمال حضور است فاطمه

بر شیعۀ علی چه غم است از پُل صراط

آنجا که خود جواز عبور است فاطمه[[21]](#footnote-21)

با گریه اش که پردۀ تزویر می درد

رسوا کنندۀ زر و زور است فاطمه

در روز تلخ حادثه در یاری از علی

یکپارچه حماسه و شور است فاطمه

سر پیش دشمنان علی خم نمی کنم

بر سینه اش مدال غرور است فاطمه

آهسته کن عبور ز پهلویش ای نسیم

بشکسته هم چو جام بلور است فاطمه

یا ابن الحسن ز پردۀ غیبت درآ که سخت

در انتظار روز ظهور است فاطمه

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 02 ـ روضه[[22]](#footnote-22)

فاطمیه چیست؟ راه فاطمه است شرح و تفسیر نگاه فاطمه است

فاطمیه پرچم زیبای دین این سرآغازی است بر احیای دین

فاطمیه پیشتاز کربلا است جان زهرا پیشواز هر بلا است

فاطمیه حافظِ روز غدیر فاطمه الگوی بیعت با امیر

فاطمیه از علی دَم می زند ازغم و درد ولی دَم می زند

ازهمان دَم که علی مظلوم شد فاطمیه بین ما مرسوم شد

سالها مولا به جز زاری نکرد هیچکس جز او عزاداری نکرد

بامدادان یاد صبر فاطمه شامگاهان نزد قبر فاطمه

بود ده ها سال گریه کار او قلب غمبارحسن غمخوار او

یاور او گریه های زینبین وای از حال پریشان حسین

ازمصیبتهای آن دیوار و در تا همین امروز مهدی خون جگر

کاش عالم فاطمیه بود و بس کاش دنیا زینبیه بود و بس

مشکل ما مشکل ایام نیست درد ما جز غربت اسلام نیست

غم شروع ازکوچۀ باریک شد روز ما مانند شب تاریک شد

هست درد ما به یک مصرع نهان هفته ای تاریک ازعمرجهان

راه دین با بغض وکین افتاده است ماه درکوچه زمین افتاده است

روزهایی که بهانه شد فدک دست بیگانه به زهرا زد کتک

گفت مولا شعله طوفان کرد و رفت بیت ما را بیت الاحزان کردورفت

فاطمه بَکّاء عالم بوده است گریه اش برتر ز آدم بوده است

عده ای ازگریه اش شاکی شدند باعث آن چادر خاکی شدند

عده ای گشتند با هم، هم قَسم تا بسوزانند تنها مونسم

آنکه ازقرآن لقب ابتر گرفت ضربه اش یک آیه ازکوثر گرفت

زیر در افتاد زهرای جوان نیمه جان خونین شکسته استخوان

ناله اش پیچید زهرا یک نفس آه یافضه به فریادم برس

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 03 ـ روضه[[23]](#footnote-23)  
دریا خروش کرد تلاطم شروع شد

دوران جاهلیت مردم شروع شد

وقتش رسیده بود، تهاجم شروع شد

انگار کار آتش و هیزم شروع شد

در پشت در زبانۀ آتش که پا گرفت

دودش بلند شد همه جا را فرا گرفت

در بسته بود، درشکنی ایستاده بود

در جنگ نور اهرمنی ایستاده بود

در بین خانه ممتحنی ایستاده بود

نامرد رو بروی زنی ایستاده بود

فریاد می کشید ولایت گرفتنی ست

با زور هم اگر شده بیعت گرفتنی ست

فضه اگر نبود به دادش که می رسید؟

چادر بروی پیکر زهرا که می کشید؟

در بین شعله بانوی این خانه را که دید

محکم بصورتش زد و به سمت در دوید

این پاسخ سفارش عمر رسول بود

مولا بفکر حفظ حجاب بتول بود

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 04ـ روضه[[24]](#footnote-24)

چه کنم با غمت نمی دانم من پریشان تر از پریشانم

اَبریم بی قرار بارانم پشت در با تو روضه می خوانم

بین یک شهر تا تبانی شد

سرو من قامتش کمانی شد

هرکسی شعله بر پرت زد و رفت

خنده بر اشک شوهرت زد و رفت

دیدی آخر که رنگ و بویت سوخت بین فریاد ها گلویت سوخت

شعله بالا گرفت، رویت سوخت معجرت سوخت، بعد مویت سوخت

چل نفر آمدند واویلا

مادرم را زدند واویلا

یک طرف می برند حیدر را دست بسته امیر خیبر را

این طرف می زنند مادر را مادری پیش چشم دختر را

می برد ارث از این بلا زینب

می رود بین شعله ها زینب

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 05ـ روضه[[25]](#footnote-25)

داشت با خاطرۀ رخصت بابا می رفت

او که می رفت غم از سینۀ گل ها می رفت

تا بریزد به زمین سقف سقیفه آنروز

یک تنه رو به سوی مردم حاشا می رفت

زود برخاست، ببینند علی تنها نیست

مادر طایفه با هیبت مولا می رفت

تا بدانیم همه پای علی ماندن را

تا ببینیم همه قبله نما را می رفت

چل نفر پشت در خانه در آن سو جمع اند

یک نفر پشت در این سو تک و تنها می رفت

صحبت هیزم و پژمردن و سوزاندن بود

دید جمع اند در این معرکه اما می رفت

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 06 ـ روضه[[26]](#footnote-26)

فریاد داشت در دلش.... اما سکوت کرد  
شد ذره ذره آب، علی... تا سکوت کرد  
چون روز، روشن است علی حق محض بود  
در پیش حق او همه دنیا سکوت کرد  
دستش اگر چه بسته ولی دست بسته نیست  
تنها به امر عالم بالا سکوت کرد

وقتی صدای فضه خُذینی بلند شد[[27]](#footnote-27)  
صد بار مُرد و زنده شد، اما سکوت کرد

مردی کنار همسرش از شرم گریه کرد  
مردی غریب و خسته و تنها، سکوت کرد

با قاتلین فاطمه هر روز روبروست  
خون شد دلش اگر چه در آنجا، سکوت کرد

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 07 ـ روضه[[28]](#footnote-28)

مباد کوبۀ در را کسی به در بزند  
چنان که نعرۀ آن شعله بر جگر بزند  
در انتظار نشسته ست پشت در هیزم  
که با اشاره ای آتش به خشک و تر بزند  
به غیر خانۀ بانو کجاست در این شهر  
که جبرئیل به آن لحظه لحظه سر بزند  
به قصد ضربه به او، تازیانه بالا رفت  
فرشته ها همه گفتند وای اگر بزند

خدا کند که نبینند کودکان علی  
مقابل همگان دست بر کمر بزند  
اگرچه بال و پرش را شکسته اند ولی  
شده مجاب که در عرش بال و پر بزند

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 08ـ روضه ناب[[29]](#footnote-29)

بزرگ تر ها می دونن، اگر دختری وضع حمل کنه باید یک هفته استراحت کنه، حالا با این وضع اگر بچه از بین رفته باشه دیگه نمی تونی از جا بلند شی. تا چشمشُ باز کرد گفت اسماء علی رُ بردن؟ سرشُ پایین انداخت. آره خانوم جان دستاشُ بستن دارن می برن. از جا بلند شد یه یا علی گفت، یه دست به پهلو گرفت، یه دست به سینه زخمی.

دنبال حیدر می دوید از سینه اش خون می چکید

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 09 ـ روضه ناب[[30]](#footnote-30)

امام صادق می فرماید: اگر دنبال علت شهادت مادر ما می گردید.. وقتی اومد کمربند مولا رُ گرفت، چهل مرد عرب داشتن علی رُ می کشوندن، اشاره ی یه دست بی بی بود، همه رو زمین ریختن. دید داره آبروش میره، گفت اینطوری ایستادی داری زهرا رُ نگاه می کنی. گفت چیکار کنم؟ گفت دستشُ کوتاه کن.

گردیده بود همدست قنفذ با مغیره

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 10 ـ روضه ناب ـ امام زمان[[31]](#footnote-31)

وَ یَضِجَّ الضّاجُّونَ ( کجان اونایی که ضجه می زنن) وَ یَعِجَّ الْعاجُّونَ ( کجان اونایی که از وجودشون، از جگرشون ناله می زنن) میگن أَيْنَ الطَّالِبُ بِدَمِ الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلاءَ. بین در و دیوار مادرتونم صدا زد پسرم.

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 11 ـ روضه[[32]](#footnote-32)

این عبارت بعد پیغمبر چند جا آمده. مادر سادات از هوش رفت و افتاد روی زمین. وَ شَهِقَت وَ غُشیَت عَلی الاَرض. یه بار دلش برای پیغمبر تنگ شده بود، گفت علی جان پیراهن بابام رسول خدا که امانت پیشت هست میاری من ببینم. پیراهنُ دادن به بی بی. روایت میگه بی بی دوعالم پیراهن بابا رُ بغل کرد، بو کرد از حال رفت.

یه بار بلال اذان گفت، تا به اسم پیغمبر رسید همه داد زدن بلال دیگه بسه فاطمه از هوش رفت.

شیخ مفید در ارشاد نقل کرده میگه یه بار هم بین در و دیوار وقتی نانجیب همه کینه اش رُ از علی جمع کرد... وَ رَکَلَ‌ الْبَابَ‌ بِرِجْلِهِ، فَسَقَطتُ لِوَجهِی.( چنان لگد زد که فاطمه فرمود با صورت به زمین خوردم و از حال رفت) اینکه بی بی پدرُ صدا زد بخاطر اینکه وقتی یه دختر یه خطری به سمتش بیاد اول باباشُ صدا میزنه. سوالم اینه خانوم بابا تو صدا زدی قبوله؟

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 12 ـ روضه ناب[[33]](#footnote-33)

زنی که باردار باشه حادثه ببینه زنای فامیل برن دیدنش اول یه سوال می کنن، فضه هم وقتی سر زهرا رُ به دامن گرفت گفت خانوم بچه چطوره؟ مادر ما قسم خورد، وَالله قُتِلَ ما فی أَحشایی؛ محسنم رُ کشتن. مادر ما محسن از دست داد، محسنی که به دنیا نیامده رفت، محسنش رُ ندید، شیر بهش نداد، خنده اش رُ ندید، لبهاشُ ندید، گلوش رُ ندید اما وای از دل رباب، چند ماه علی تو بغلش بود.

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 13 ـ مدح و زمزمه[[34]](#footnote-34)

با دیدۀ دریایی ام با سینۀ سینایی ام

با نالۀ تنهایی ام با سوز عاشورایی ام

با زشتی و زیبایی ام با پیری و برنایی ام

با این دل صحرایی ام با این سر سودایی ام

با هستی و دارایی ام با پستی و بالایی ام

زهرایی ام زهرایی ام

سر تا به پایم زمزمه ذکرم به لب بی واهمه

یا فاطمه یا فاطمه یا فاطمه یا فاطمه

تو کیستی تو کوثری بر چرخ عصمت محوری

هم کبریا را محضری هم انبیاء را رهبری

ختم رسل را دختری دین خدا را یاوری

شیر خدا را همسری خون خدا را مادری

در خُلق و خو پیغمبری در عزم و همت حیدری

ناموس حی داوری زهرای زینب پروری

قرآن دمادم بر لبت ایمان چراغ مکتبت

حوراء کنیز زینبت حق عاشق ذکر شبت

یا فاطمه یا فاطمه یا فاطمه یا فاطمه

برچار بانوی بهشت اول تویی، آخر تویی

فلک نجات خَلق را سکان تویی، لنگر تویی

بر رحمتٌ لِلعالمین دختر تویی، مادر تویی

بر شیر حق یعنی علی همسر تویی، یاور تویی

رضوان تویی، جنت تویی میزان تویی، محشر تویی

قرآن تویی، کوثر تویی احمد تویی، حیدر تویی

خیل ملائک در صفت گردون غبار « رفرفت [[35]](#footnote-35)»

هم روزی ما در کفت هم نام ما در مصحفت

یا فاطمه یا فاطمه یا فاطمه یا فاطمه

ای شیر حق حیران تو تو کیستی تو کیستی

ای چرخ در فرمان تو تو کیستی تو کیستی

ای انببیاء قربان تو تو کیستی تو کیستی

ای جان احمد جان تو تو کیستی تو کیستی

ای عقل سرگردان تو تو کیستی تو کیستی

ای قدر و کوثر شأن تو تو کیستی تو کیستی

آن کس که گوید مدح تو من نیستم من نیستم

ای برتر از درک همه من کیستم من کیستم

یا فاطمه یا فاطمه یا فاطمه یا فاطمه

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 14 ـ زمزمه مناجات امام زمان (عج الله) ـ فاطمیه

وای که بی قرارم   وای به حال زارم

وای که از تو دورم وای به روزگارم

وای صاحب عزایی تو آقای مایی تو آخه کجایی تو

وای از این مصیبت وای از این همه درد

وای عزیز زهرا وای بیا و برگرد

وای ببین عزادارم   گریه شده کارم جز تو کی و دارم

وای دلم گرفته وای برای مادر

وای رسیده فصل وای عزای مادر

وای گریونتم مادر مدیونتم مادر مجنونتم مادر

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 15ـ زمزمه[[36]](#footnote-36)

امان از شعله وای مادر  امان از دیوار وای از در  
گرفته آتش جان حیدر، مدینه  
چها کردی با جان زهرا امان از خنده از تماشا  
از آن مسمارِ بی مدارا، مدینه  
می خندند  
به اشک من و داغ و روی زردم  
همانها که هر شب دعاشان کردم  
پُر از آه و دردم، پُر از آه و دردم  
به دست بسته دیدم ابوتراب به پیش چشمم شد از خجالت آب  
گره به کارش افتاده با طناب  
مولاحیدر... زهرا فدای تو  
  
من و اشکِ غربت من چه کردی با قامت من  
چه کردی با صورت من، مدینه

غم حیدر کی گذارد؟ که چشمانم خون نبارد  
که یاری جز من ندارد، مدینه  
افتاده  
چرا تازیانه به دست و پایم  
فدای علی هستی و دنیایم  
علی کن دعایم ،علی کن دعایم  
بگو بدانند زهرا فدای توست همه وجودم در زیر پای توست  
عبادت حق تنها ولای توست

مولاحیدر... زهرا فدای تو

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 16 ـ زمزمه[[37]](#footnote-37)

ای وای ، این در خونه ی امامه ، پس چرا پشتش ازدحامه، اینجا چرا پر از غلامه، ای وای  
ای وای، برای چی هیزم میارن، به پشت این خونه میذارن، به هیچ کسی رحمی ندارن،ای وای  
کفتارای مدینه به فکر یک شکارن  
مشعلاشون تو دست تا پای در بذارن  
واویلا وامصیبت   
  
ای وای، تا شعله ی آتیش به پا شد، ضرب لگد مشکل گشا شد، آخر در این خونه واشد، ای وای  
ای وای، ریختن تو خونه دادِ بیداد، هجوم آوردن غرق فریاد، در روی جسم مادر افتاد، ای وای  
فقط این و بگم که اوج غم و بلا بود  
یادگار پیمبر به زیر دست و پا بود  
واویلا وامصیبت

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 17 ـ زمینه[[38]](#footnote-38)

بابا غریبه ، مادر رو خاکه  صدام گرفته، دلم هلاکه

چشمای بابا خونه  اشکاش مثل بارونه

دستاش میون بنده  لباش داره می خونه

زهرا منُ رها کن  اشک منُ نگا کن چشمات بارون اشکه

زهرا منُ دعا کن

افتاده بین، در شکسته  کبوتری با، پر شکسته

با دستی که بی جونه پاهایی که لرزونه

می خواد خودش بابا رو  به خونه برگردونه

دشمن با تازیونه  بالای سرشونه بابا میگه با گریه

زهرا برو به خونه

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 18ـ زمینه [[39]](#footnote-39)

قصه، قصۀ آتیش نیست قصه، قصۀ هیزم نیست

قصه، قصۀ نامردی مردم نیست

قصه اینه

تا در افتاد من افتادم مادر افتاد من افتادم

با سر افتاد من افتادم افتاد و افتادم

قصه، قصۀ بازو نیست قصه، قصۀ پهلو نیست

قصه، قصۀ زخم کنج ابرو نیست

قصه اینه

فضه بردن بابامُ نه بابامُ مولامُ

کاش می بستم چشمامُ کی میره از یادم

قصه، قصۀ دریا نیست قصه، قصۀ غم ها نیست

قصه، غصۀ تنهایی دنیا نیست

قصه اینه

روز آخر دلم خونه مثل حیدر دلم خونه

بعد مادر دلم خونه  دلخون دلخونم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 19 ـ زمینه [[40]](#footnote-40)

امون از این زمونه امون از دست مردم

امون از هرم آتیش امون از دست هیزم

فاطمه بین آتیشه، فریاد دیگه از جا پا نمیشه، ای داد

آه فکری به حال مضطرم کن آه فضه کمک مادرم کن

بعد آتیش و هیزم حالا ریسمان آوردن

جون من پاشُ مادر پاشُ بابا رُ بردن

تازه پشت در شکسته، پهلوش توی کوچه هم شکستن، بازوش

یکاری کردن که رفته، از هوش

آه دیگه کی موهامُ ببافه وای دستش همه چی از غلافه

رفته مسجد میدونم که بی بابا نمیاد

نفسش مثل دستش دیگه بالا نمیاد

حال مادر خوب نمیشه، انگار چی سر زهرا آوردی، دیوار

بگو به سینه ش چه کردی، مسمار

پا توی خونۀ ما گذاشتن وای اینجا برادرم رُ کشتن

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 20 ـ زمینه[[41]](#footnote-41)

به گریه افتاده حسینم تو کوچه  
بمیرم ترسیده، ای وای  
گرفته دستاشُ حسن روی چشماش  
چها که او دیده، ای وای  
تویی همه آرامشم، دارم نگرانت مي‌شم  
ازت خجالت می‌کشم، زهرا  
شده شب تنها شدن، همه مدینه اومدن  
دل منُ آتیش زدن، زهرا  
من و بار غم غم یک عالم تو و قد خم  
امان از غربت

گرفتی دستت رو به دیوار وای از من  
نیومد کاری از دستم  
گرفته دستم رو طنابِ بی‌رحمی  
من از تو شرمنده هستم  
اگه علی تنها نبود ،خونه نمی‌شد غرق دود  
رُخ تو نمی شد کبود، ای وای  
کوچه پُره نامحرمه، میگه با ناله فاطمه  
علی غریب عالمه، ای وای  
خدا می دونه  چشام بارونه دلم پر خونه  
امان از غربت

شکستم تا دیدم نشستی رو خاکا  
شکستم چون پهلوت زهرا  
غلافِ شمشیرا چه داغی، چه زخمی  
گذاشته رو بازوت زهرا  
تو و آتیش و التهاب ، تو و غمای بی حساب  
علی شده خونه خراب ، ای وای   
تو و یه شهر بی وفا ، تو و صدای خنده ها  
شده پریشون مرتضی، ای وای   
امان از آزار امان از دیوار  امان از مسمار  
امان از غربت

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 21 ـ زمینه[[42]](#footnote-42)

آسمون پریشون بود زمین حیرون بود

اونکه خیبرُ زیر و رو می کرد همین پهلوون بود

یادم نمیره خود خودشه هرم نفساش مثه آتیشه

جا داره زمین زیر و رو بشه داره طنابُ اون می کشه

باور نکردنیه این همون علیه

نکشید مسلمونه خدا می دونه

اینکه با طناب می بریدش خیلی پهلوونه

یادم نمیره اون زمونشُ اون هیبتشُ، اون توونشُ

بسته نزنید نوجوونشُ زمین زدید آسمونشُ

باور نکردنیه این همون علیه

یهودی مسلمون شد چشاش گریون شد

اما شهر شام تو یهودیا نیزه پُر ز خون شد

قافله داره میره ویروونه بزم حرامی دیگه بمونه

اما یه مادر که پریشونه رو به روی نیزه می خونه

باور نکردنیه این سر پسرمه

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 22 ـ نوحه[[43]](#footnote-43)

اول فداییِ راهِ ولایت زهرا از دین حق کرده حمایت

سورۀ کوثر حامیِ حیدر

یا صاحب الزمان آجرک الله

زهرا از روزگار شد زار و خسته بین دیوار و در پهلوش شکسته

او نیمه جان است قامت کمان است

یا صاحب الزمان آجرک الله

عالم حیران شده از ایثار زهرا طفلِ شش ماهه داد در راه مولا

تنهای تنها شد یار آقا

یا صاحب الزمان آجرک الله

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 23 ـ نوحه/ واحد[[44]](#footnote-44)

سلام ما به چادر خاکی تو   
سلام ما به عصمت و پاکی تو  
وای وای  
تو حجت الله علی الحجج شدی  
سرّ شب قدر و تمام حج شدی  
مادرم بی حرم مادر

حوریه ی بهشتی و شعله کجا؟   
به پشت در هجوم تازیانه ها  
وای وای  
گرفته شد به سینه اش راه نفس  
ببین که بال و پر زند بین قفس   
مادرم بی حرم مادر

نوشته اند علت قتل یک پسر   
که بوده از شراره های میخ در  
وای وای  
چه شد که فاطمه فتاده در عذاب  
عبای مرتضی شده بر او حجاب   
مادرم بی حرم مادر

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 24 ـ واحدسبک[[45]](#footnote-45)

فاطمیه اومده، انگار محرم اومده

مولا عزا گرفته، و ماه غم اومده

ما اشک غم تو این شبا داریم ما داغ کوچه تو دلا داریم

ما بچه شیعه ها عزاداریم

مادر عشق آدمه، مادر پناهه آدمه

اینجا تو می تونی بگی، مادر به فاطمه

وای قلب زینبین پریشونه وای چشمای حسن پر از خونه

وای درد حیدر و کی میدونه

ما بچه شیعه ها عزا داریم

در خونه علی، آتیش زبونه میکشه

از بین کوچه رد خون، تا خونه میکشه

آه از خشکیدن گل پرپر آه از تلاطم دل حیدر

آه از شکستن دل مادر

ما بچه شیعه ها عزاداریم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 25 ـ واحد سبک[[46]](#footnote-46)

نسوزونید خونمونُ مادرم پشت دره نسوزونید خونمونُ محسنش در خطره

الانه در بشکنه کیه لگد می زنه

من و چشای ترم کمک می خواد مادرم

مادرم میری پیش بابا نوحه ها داری روی لب ها

کشته شد یک سوم سادات

وا اُماه وا اُماه مادر مادر مادر وا اُماه

نسوزونید خونمونُ ما غریبیم بخدا نسوزونید خونمونُ فاطمه ست صاحب عزا

هجوم مردم چرا آتش و هیزم چرا

چی اومده بر سرم کمک می خواد مادرم

خونمون ای وای بی هوا سوخت چادر مادر ای خدا سوخت

مثل گهواره دل ما سوخت

وا اُماه وا اُماه مادر مادر مادر وا اُماه

خونمونُ که سوزوندید بی حیا دیگه نخند خونمونُ که سوزوندید دست بابامُ نبند

این همه تکبیر چرا غلاف شمشیر چرا

شکسته بال و پرم کمک می خواد مادرم

این روزا حیدر بی پناهه کارمون تنها اشک و آهه

روزای تنهایی تو راهه

وا اُماه وا اُماه مادر مادر مادر وا اُماه

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 26ـ واحد سنگین[[47]](#footnote-47)

امشب ای‌کاش  
غوغا نمی‌شد و، در وا نمی‌شد و  
آتش دخیل چادرِ زهرا نمی‌شد و   
عمر حیدر، پایان نمی‌گیرد چرا دنیا بر من، آسان نمی‌گیرد چرا  
از اشک من، طوفان نمی‌گیرد چرا  
افتادنت به روی خاک، ببین چه کرده باعلی  
به روی پای خود بایست، بگو دوباره یاعلی  
آه، از غریبی

بین کوچه  
یک لحظه دست او، از من رها نشد  
یک لحظه حتی از سرش، چادر جدا نشد  
آه ای هیزم، آتش کجا و آفتاب آتش مانده، در حیرت از بانوی آب  
آمد اینک، ماه علی چه با حجاب  
خوشا به من که فاطمه، پناه و یاور من است  
زمانه با دلش چه کرد، که او به فکر رفتن است  
آه از غریبی  
  
باید هر زن   
باشد چو فاطمه، حاشا جز این شود

زن می‌تواند با عفاف مرد آفرین شود  
دارد هرکس از مادرش یک یادگار از زهرا ماند، چادر نمازی وصله دار  
آن چادر که، بُرد از دل زینب قرار  
به غیرت علی قسم، که فخر زن حجاب اوست  
به جای دیده‌های شوم، نظارۀ خدا به اوست  
آه از غریبی خدانگهدار

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 27 ـ واحد سبک[[48]](#footnote-48)

دوباره غصه های یه لاله به خون کشیده بغض صدا رو

دوباره دستای شوم پاییز شکسته شاخه های بهارو

دوباره پنجۀ بغض تلخی گلوی ناله هارُ فشرده

دوباره دست تقدیر عالم یه خونه رُ به ماتم سپرده

دوباره صدای مادره ، صدای دعای مادره

دعای شبای مادره ، شبای عزای مادره

دوباره شاخۀ گل می ناله هجوم گلچین نا سپاسُ

دوباره رد پای کبودی بنفشه کرده رنگ یه یاسُ

هوای چشما بارون و ابره عجب غم و عجب ماتمیه

شروع لحظۀ اشک حیدر شروع گریۀ فاطمیه

غمامون برای مادره ، برای غمای مادره

غمای شبای مادره، شبای عزای مادره

اگه بخوام بگم حرف دل رو نگفته های اشکام زیاده

حکایت یه مادر، یه کوچه همون حکایت برگ و باده

حکایت یه خونه پُر از غم یه خونه توی شهر پُر از درد

شکسته باز غرور یه مردی با خنده های تلخ یه نامرد

خدایا به جون مادرم ، خدایا به خون مادرم

خدایا بمونه مادرم ، خدایا جوونه مادرم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 28ـ واحدسبک[[49]](#footnote-49)

سلام ای عشق بی نهایت سلام ای حامی ولایت

تمام عالم خاک پایت، یا زهرا یا زهرا

برای شیعه مادری تو برای حیدر سنگری تو

زنی اما نام آوری تو، یا زهرا یازهرا

ای مادر

فدای تو ای سینه چاک حیدر

شدی زیر بار لگدها پرپر فتادی به بستر

شهیدۀ حق یاس مدینه ای نفس گرفته از زخم سینه ای

حبیبۀ حق یا فاطمه مدد

قرار قلب مصطفی ای مسیحای شیر خدایی

تو بانوی هر دو سرایی، یا زهرا یا زهرا

در عالم صاحب اقتداری برای حیدر ذوالفقاری

به والله همتایی نداری، یا زهرا یا زهرا

یا زهرا

تو که مادر سینه زن ها هستی

به صحرای محشر پی ما هستی توایی نور هستی

تو مادرانه داری هوای ما بیا دعا کن امشب برای ما

نما تو امضاء کرب و بلای من

حبیبۀ حق یا فاطمه مدد

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 29 ـ واحد سبک[[50]](#footnote-50)

من قرار سینۀ خیر النسایم فاطمیه آمده صاحب عزایم

موسم بی مادری من رسیده همنشین غصه و رنج و بلایم

هم چو شاه بی کفن هم نوایم با حسن

ناله دارم وای من فاطمه فاطمه

غرق در تاب و تبم همنوا با زینبم

ذکر هر روز و شبم فاطمه فاطمه

در مدینه سهم ما خون جگر شد عمر ما در ماتم و محنت به سر شد

آتش کینه ز حیدر شعله ور شد قتلگاه مادرم در پشت در شد

سوزد از پا تا سرم یاد آن میخ درم

مادرم وای مادرم فاطمه فاطمه

غرق در تاب و تبم همنوا با زینبم

ذکر هر روز و شبم فاطمه فاطمه

قلب زهرا، قلب حیدر را شکستند حرمت آل پیمبر را شکستند

بهر قتل یک نفر لشکر رسیده وحشیانه آمده در را شکستند

در میان شعله ها یا به زیر دست و پا

ناله زد مهدی بیا فاطمه فاطمه

غرق در تاب و تبم همنوا با زینبم

ذکر هر روز و شبم فاطمه فاطمه

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 30 ـ شور/ زمینه[[51]](#footnote-51)

مادر خوبم چشاتو واکن          چشای تو آرامش منه[[52]](#footnote-52)  
نبودنت آتیشم می زنه بمون کنارم  
گوشه ی بستر افتادی مادر     پاشو تا نیفتادم از نفس  
پاشو خونه داره میشه قفس دار و ندارم  
گرمای دست تو گرمی دستامونه  
وای از اون روزی که تو نباشی تو خونه  
صدات بی جونه چشات گریونه دلم می دونه  
بارتو می بندی دل ز دنیا کندی  
وای

قربون چشمات که نیمه بازه         بارون چشمات مثل رود شده  
صورت تو خیلی کبود شده قربون چشمات  
گریه نکن که صدات می گیره       با این که تو تب داری می سوزی  
برای حسین پیرن می دوزی می لرزه دستات  
می میرم وقتی با گریه نگام می کنی  
با بغض تو گلو وقتی صدام می کنی  
شکسته پهلوت می لرزه بازوت بابام تابوت و  
وای داره می سازه غرق سوز و سازه

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

فصل چهارم؛ کوچه بنی هاشم

قسمت اول؛ اشعار منتخب

محسن حنیفی

در کوچه ای شد راه بندان گریه کردم

با روضه زهرا فراوان گریه کردم

تصویر جنگ سنگ و شیشه دردناک است

میزد به پشت شیشه باران، گریه کردم

من با لهوف روضه هایش خو گرفتم

با خط به خط بیت الاحزان گریه کردم

در اوج گریه روضه را انکار کردم

آتش برایش شد گلستان، گریه کردم

دیدم که زیر روسریش گریه می کرد

من نیز چندین بار پنهان گریه کردم

وقتی صدای گریه ام میرفت بالا

با آستین در بین دندان گریه کردم

شد روضه ی غسلش تمام و مثل زخمش

من بعد از آن روضه کماکان گریه کردم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

مهدی رحیمی

باد مانده به علی سر بزند یا نزند

چه کند؟ حلقه بر این در بزند یا نزند

تانریزد در این خانه مردد شده دل

طرف بیت علی پر بزند یا نزند

میخ از باب توسل  وسط در مانده

دست بر پهلوی مادر بزند یا نزند

حسن از کوچه چهل سال به خود می گوید

حرف ها را به برادر بزند یا نزند

زهر تلخ است ولی با دل و جان می نوشی

جعده در ظرف تو شکّر بزند یا نزند

مانده تقدیر که آیا بشود یا نشود

از سر تشت حسن پا بشود یا نشود

آنکه باید همه ی فاجعه را می داند

سر این زخم اگر وا بشود یا نشود

کوچه ها علت پیری تو را می دانند

بر سر تشت قدت تا بشود یا نشود

همه ی دغدغه ی شاعرت آخر این است

شعر با دست تو امضا بشود یا نشود

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

محسن حنیفی

تو زهره ای و به پایت ستاره افتاده است  
به سجده پای تو مریم، و ساره افتاده است  
هنوز داغ تو گرمی جان خورشید است  
به جان گریه کنانت شراره افتاده است  
برای روضه ی کوچه کنایه هم کافی است  
اگر فقط بشود این اشاره...افتاده است  
فلانی آمد و در کوچه راه را سد کرد  
قباله پاره شده یک کناره افتاده است  
و زیر پای کسی چادرت لگد می خورد  
و راستی چه شده گوشواره افتاده است  
میان کوچه اگر یک قباله پاره شده  
به کربلا بدنی پاره پاره افتاده است

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

حسین آذری

پای غمی بزرگ دلم را نشانده ام

دل را به صد امید بر این در کشانده ام

ازدست غصه های تو شعرم شروع شد

عمریست از تو و درو دیوار خوانده ام

عمیرست با نگاه شما روضه خوان شدم

عمریست در مصیبت یک کوچه مانده ام

سخت است کوچه گفتن و کاری بزرگ بود

این شعر را همینکه به اینجارسانده ام

**آن کوچه ای که دست شمارا حسن گرفت**

**بی اختیار تاب و توان هم ز من گرفت**

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

امیر عظیمی

سلام سوره ی کوثر، سلام "أَعطَینا"

درود، مادر سادات، فاطمه، زهرا

صفیّه، امّ ابیها، جلیله، راضیّه

حدیثه، طاهره، قدسیّه، انسیه، حورا

تویی که عرش سرش را به پات می ساید

تو زهره ای، که ضیائت گرفته دنیا را

برای فهم مقامت، عقول پا در گِل

برای درک خیالت، خیال نابینا

تویی که دختر وحی و عروس قرآنی

گواه، سوره ی رحمان و سوره ی طاها

برای همسری تو، فلک علی پرور

نبود غیر ولایت برای تو همتا

تویی که فخر ائمه شده است مادریت

تو مادر پدرت هم شدی، ولی بخدا

تو مادر همه ی بچّه شیعه ها هستی

فدای مادری تو، تمام مادرها

فدای نام حسینت، تمامی عالم

فدای نام عزیز حسن، همه دنیا

همیشه نام حسن را که می برم، مادر!

بیاد کوچه می افتم، بیاد کوچه، چرا؟

چرا که صورتتان در عبور از این کوچه

به ضرب سیلی دشمن کبود شد، زهرا

هنوز خاکی خاکی است چادرت بی بی

هنوز مانده در آن کوچه گوشوار شما

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

قسمت دوم؛ گلچین مجالس مداحان

ترک 01 ـ مناجات با امام زمان (عج الله)[[53]](#footnote-53)

دلگرمی این روزهای سرد برگرد

ای سرخی گل های خشک و زرد برگرد

آسان نگردد بی تو هر چه سخت، باز آ

درمان ندارد بی تو هر چه درد برگرد

از عاشقی سرشارم و چون اهل کوفه

پشت تو را خالی نخواهم کرد برگرد

می آیی آن روزی که شاید خاک باشم

تا پر کشم بر دامنت چون گرد، برگرد

دنبال تو در کوچه های فاطمیه

حیران شدم چون عابری شب گرد، برگرد

ای دسـِت قهاِر خـدا تـا كه بگـیری

كـفـارۀ سیـلِی آن نـامرد، برگرد

زینب فقط می داند آن بَلواِی كوچه

شب ها چه بر روِز حسن آورد، برگرد

یك حرف می مـاند برایم یابن زهرا

بـرگرد جـاِن مـادرت بـرگرد، بـرگرد

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 02 ـ مدح و مرثیه[[54]](#footnote-54)

صبحگاهان که دختر خورشید  
می نهد سر به دامن دریا  
روی آبیّ و سبز این صفحه   
می نویسد به خطّ زر زهرا  
یاد آن پیر بی‌نظیر، بخیر  
که چنین گفت مدح او با ما  
«بعد احمد که منقطع گردید  
سایۀ وحی از سر دنیا

جبرئیل از سپهر می آمد  
به ملاقات حضرت زهرا»

چه نیازت به نخل و چاه فدک؟  
ای به دست تو کوثر و طوبی

شده آنروز دست دشمن رو

شده آنروز مشت دشمن وا

که نمودی به منطق قرآن

نقشۀ شوم خصم را افشا

چه گناهی بزرگتر از این

که شهود از تو خواستند اعدا

چه گناهی بزرگتر از این

که ببندند افترا به شما

یکی از شاهدان تو حیدر

دو دگر اُمّ أَیمَن و أسما

نص قرآن گواه دیگر تو

پای حکم تو می زند امضا

که دهد ارث بر پسر داوود

که برد ارث از پدر یحیی

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 03 ـ مدح[[55]](#footnote-55)

جنت که خود به نام شبستان فاطمه ست

سجاده ای به گوشه ایوان فاطمه ست

بال فرشتگان خدا غرق حسرت

خاک گلیم حجره طفلان فاطمه ست

فرمود مصطفی که فدایش شود پدر

روحی که هست در تنم از آن فاطمه ست

وقتی که روح فاطمه در جسم احمد است

جان علی و آل علی جان فاطمه ست

تنها نه جلوه گاه رخش مهر و ماه شد

چشمان حیدر آینه گردان فاطمه ست

جایی که جود و بخشش پروردگار هست

بخشش به روز حشر به فرمان فاطمه ست

از جان خود به پای ولایت گذشته و

اسلام وام دار ز ایمان فاطمه ست

فرمانده قیام برای امام اوست

ظالم شکست خوردۀ میدان فاطمه ست

ما سر بلند و سینه ستبر و سر آمدیم

این اقتدار ما ز شهیدان فاطمه ست

با این حساب قبر شهیدان بی پلاک

پایین پای مرقد پنهان فاطمه ست

مشهور شد حسن به کرامت در اهل بیت

خوان حسن نتیجۀ احسان فاطمه ست

عالم تمام بی سر و سامان کربلاست

اما حسین بی سر و سامان فاطمه ست

آن که به او همه شهدا غبطه می خورند

با هر دو دست، دست به دامان فاطمه ست

تیغ کلام و خطبۀ زینب به شهر شام

تفسیر آیه آیۀ قرآن فاطمه ست

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 04 ـ روضه[[56]](#footnote-56)

شب و کابوس، از چَشمِ منِ کم سو نمی افتد[[57]](#footnote-57)

تـبِ من کم شده، امّـا تبِ بانـو نمی افتد

غرورم را شکسته خندۀ نا مَحرمی یا ربّ

چه دردی دارد آن کوچه، که با دارو نمی افتد

جماعت داشت می آمد، دلم لرزید می گفتم

که بیخود راهِ نامردی به ما این سو نمی افتد

کشیدم قَدّ به رویِ پایم و آن لحظه فهمیدم

که حتی ردِّ بادِ سیلی اش، بر گونه می افتد

به رویِ شانه ام دستی و دستی داشت بر دیوار

به خود گفتم خیالت تخت باشد، او نمی افتد

دو ماهی هست کابوس است خوابِ هر شبم، گیرم

تبِ من خوب شد، امّا تبِ بانو نمی افتد

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*  
ترک 05 ـ روضه ناب[[58]](#footnote-58)

 شیخ الائمه امام صادق هفتاد سال نوشتن عمرش بود. خب اگه امام صادق محاسنش سفید باشه، دست به کمرش بگیره، کسی تعجب نمی کنه. می خوام بگم چند نفر زود پیر شدند. چند نفر بر اثر مصیبت که تو عمرشون اتفاق افتاد زود پیر شدند. پیغمبر فرمود این امت پیرم کردند،مَا أُوذِيَ نَبِيٌّ مِثْلَمَا أُوذِيت؛ هیچ پیغمبری مثل من اذیت نشد. پیغمبر زود پیر شد، جهل امت پیرش کرد.

دختر هجده سالشم زود پیر شد. کجا دیدی یه زن هجده ساله دست به کمر بگیره. هجده سال اوج جوونیه. روایت میگه: مَا زَالَتْ بَعْدَ أَبِیهَا مُعَصَّبَةَ الرَّأْسِ؛ بعد پیغمبر هرکس مادر ما رُ دید، می دید یه دستمال به سرش بسته. نَاحِلَةَ الْجِسْمِ(جسم ضعیف)، بَاكِیَةَ الْعَیْنِ( چشمی گریان)، مُنَهَّدَةَ الرُّكنِ؛ پیر شدی فاطمه.

یه آقایی هم سراغ دارم، وقتی از کوچه برگشت. دیگه از اون به بعد امام حسن، یا یه گوشه زانو بغل می کرد، یا دست به دیوار می گرفت.

کربلا هم یه نفر دست به کمر گرفت. رسید کنار علقمه..

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 06 ـ زمزمه[[59]](#footnote-59)

برده ای کوچه امانم منکه بند آمد زبانم

روی خاک افتاده جانم وای از این غم ، وای از این غم

روی زخم او نمک خورد صورتش مُهر فدک خورد

پیش چشم من کتک خورد وای از این غم ، وای از این غم

جای پا و لکه خون، بر چادر خاکی نشسته

یادگاری می برم از کوچه گوشواره شکسته

دیده ام قد کمانش سیلی و خون دهانش

وای من یاس علی دیگر ندارد رنگ و بو ای داد بی داد

کوچه و آن سیلی و سنگینی دست عدو ای داد بی داد

وای از این درد غریبی

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 07 ـ زمزمه[[60]](#footnote-60)

به خود می‌پیچد مادر از درد در این کوچۀ ساکت و سرد  
چه کرده با او دست نامرد، خدایا  
کسی در کوچه یار من نیست کسی تنها تر از حسن نیست  
دگر شوقی در جان و تن نیست، خدایا  
روی خاک  
مزن این همه پیش چشمم پرپر  
بیا ای تو دردت به جانم مادر  
از این کوچه بگذر، از این کوچه بگذر  
چه شد که دستم از تو شده جدا فتاده ای تو روی زمین چرا  
برس به داد تنهاایم خدا  
وای از روی نیلی فاطمه  
  
نبودی بابا من شکستم نیامد کاری هم ز دستم  
ز روی تو شرمنده هستم، علی جان  
نگویم من از آنچه دیدم نگویم از آن چه شنیدم  
از این غم بابا من خمیدم، علی جان  
تا خانه  
به روی زمین هی نشست و برخاست  
چقدر از خدا مرگ خود را می‌خواست  
که خسته ز دنیاست، که خسته ز دنیاست  
پدر کجایی افتاده از نفس شده برایش کوچه چنان قفس  
خودت به داد مادر بیا برس  
افتاد از پا دنیای مرتضی

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 08 ـ واحد سنگین[[61]](#footnote-61)

زهرا زهرا  
تکیه گه علیست، گرچه قدش خم است  
در دست خانه دار او، دستاس عالم است  
نزد زهرا، قلب علی از غم به دور در خانه ماند، اما نه از عالم به دور  
هر لحظه بود، از چشم نامحرم به دور  
خوشا به فاطمه که دل، به این جهان نداده است  
درون خانه ی علی، بهشت او چه ساده است  
گل پیمبر  
  
زهرا زهرا  
همسایه برده است، فیض از دعای او  
گشته زبانزد در جهان، حجب و حیای او  
درد حیدر، تنها فراق فاطمه است جانش لبریز، از اشتیاق فاطمه است  
شرح ناب، نهج البلاغه فاطمه است  
ولی چرا چهل شب است، گرفته رو ز مرتضی؟  
شبیه شام غم شده، چه تیره روز مرتضی  
غریب حیدر  
  
آه از سیلی  
ای بی‌حیا مزن، بر روی مادرم  
دیدی چه آمد ای خدا، در کوچه بر سرم  
این سو یک دست، شد سدّ راه فاطمه آن سو دیوار، تنها پناه فاطمه  
تار و تیره، گشته نگاه فاطمه  
نگاه خیرۀ حسن، به چادر و به مادر است  
کاش آن دو دست بی‌حیا، در بین کوچه می‌شکست  
غریب حیدر

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 09 ـ واحد سنگین[[62]](#footnote-62)

چون جلوه بر عالم کنی محشر شود ای جلوه بدر[[63]](#footnote-63)  
راز وجودت فاطمه پنهان شده در لیله القدر  
راز شب قدری و اما قدر تو عالم ندانست  
تو پشت در بودی و در را می فشرد تا می توانست  
آتش گرفته از در زبانه  
تو بین درب و دیوار خانه  
از پای در شد خونها روانه   
فاطمه شمع شب تار علی     فاطمه تنها طرفدار علی   
  
یکسو تمام امت پیغمبر و یکسو تو بودی  
مظلوم عالم را میان آن هجوم یاری نمودی  
پیش در و همسایه ها شد حرمتت زهرا شکسته  
در کوچه می بردن علی را ناکسان با دست بسته  
دنبال حیدر تو میدویدی  
شال علی را چون می کشیدی  
زد تازیانه دست پلیدی   
فاطمه شمع شب تار علی     فاطمه تنها طرفدار علی

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 10 ـ شورفاطمی[[64]](#footnote-64)

وای دلم گرفته

وای برای مادر وای رسیده فصل

وای عزای مادر

وای گریونتم مادر وای مدیونتم مادر

وای مجنونتم مادر

وای کنار خونه

وای با تازیونه، وای افتاده یاسی

وای که غرق خونه

وای مظلوم بی یاور وای حبیبه حیدر

وای ای بی حرم مادر

وای به روی لبهام

وای شهادتینه وای شهادتینم

وای حسین حسینه

وای من مست و بی تابم وای مست می نابم

وای مجنون اربابم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 11 ـ شور[[65]](#footnote-65)

ابریه هوای چشمام باغمی که ناتمومه

رو دلم مونده یه حرفی عمریه بغض گلومه

مادر ما حرم نداره حتی یه زائرم نداره

آخه چجوری میشه آروم بگیرم

حق بده بی قراری کنم آخه نمیشه کاری کنم

حق بده از این داغِ غربت بمیرم

پس کی میشه که روزگار با دردای دلم بسازه پس کی میشه که پسرت بیاد برات حرم بسازه

همه عاشقا رسیدن همۀ دلای خسته

برا نوکرا دعا کن با همون دست شکسته

تویی که سایۀ سرمی مگه نگفتی مادرمی

حالا که من افتادم دستامُ بگیر

حالا که رو سیاه اومدم می بینی بی پناه اومدم

عمرمُ از دست دادم دستامُ بگیر

محتاج توام همه خواهشم دعای خیر شماست محتاج توام مگه من کیُ دارم به غیر شماست

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

فصل پنجم؛ بستر

قسمت اول؛ اشعار منتخب

محمد بختیاری

هر لحظه خدا بر او سلامی دارد  
هر شام و سحر جلوه ی تامی دارد  
مریم به پرستاری او آمده است  
دلدار علی عجب مقامی دارد  
\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

محسن حنیفی

نیت نمودی خویش را بر یار بسپاری

جان را به جانان با تن تبدار بسپاری

سجاده و چادر نمازت را به زینب با

توصیه ی "الجار ثم الدار" بسپاری

وقتی لباست رازدار زخمهایت نیست

باید به دختر یک به یک اسرار بسپاری

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

محمد مهدی شفیعی

با اینکه هست گریه برایت مفیدتر  
اما شدم ز ماندن تو نا امیدتر  
ای قرص ماه من تو هلالی شدی چرا  
هرشب ز روز قبل شوی ناپدیدتر  
با این رکوع نصفه وکوتاه، میشود  
امکان ماندن تو برایم بعیدتر

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

مجتبی روشن روان

چشم تو کعبه ی همه حاجات حیدر است

گلخنده ات صفای مناجات حیدر است

مادر ، تو گفته ای که فدائی حق شدن

راه رسیدن به ملاقات حیدر است

صبر علی... به پای غمی... چون فراق تو

یک ذره از تمام کمالات حیدر است

از این غریب خسته چه دیدی که هر سحر

چشم کبود و زخمی تو مات حیدر است

در اوج گریه ات به علی خنده می زنی

این خنده هم برای مراعات حیدر است

در عشق ورزی به علی بی بهانه ای

این مایه ی غرور و مباهات حیدر است

هم سینه ات شکسته و هم دست و هم دلت

گویا وجود تو همه خیرات حیدر است

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

مظاهر کثیر نژاد

بانوی خانه! در دل بستر نبینمت  
حالت بد است ،کاش که بدتر نبینمت  
در حال احتضاری و هر لحظه رفتنی  
می ترسم اینکه لحظه ی دیگر نبینمت  
جز موقع نماز به مسجد نمی روم  
از ترس اینکه لحظه ی آخر نبینمت  
محشر به پاست خانه ی حیدر از این به بعد  
حقم نبود تا دم محشر نبینمت  
عجل وفات گفتی و تنها گذاشتیم  
کردی دعا که بی کس و یاور نبینمت

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

محمد حسین مهدی پناه

فدایی تو شدن داشت شور و حال دگر  
مسافرم که نمانده مرا مجال دگر  
هر آنچه بال و پرم بود ریخت در کوچه  
به روی دوش پرستو نمانده بال دگر  
همین مدال کبودی به سینه ام زیباست  
چه حاجت است علی جان! مرا مدال دگر  
همیشه در نظرم جلوه ی تو را دارم  
نپرورم به سرم غیر این، خیال دگر  
گُلت شبیه فدک شد ورق ورق، یعنی  
نمانده است اثر از همان قباله دگر  
چنین مگیر تو زانو بغل که نیست مرا  
به غیر خانه نشینی تو ملال دگر  
و این همه غم و غصه که بر سرم آمد  
خدا کند که نیاید سر سه ساله دگر

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

امیر حسین الفت

چه بلایی است که دارد به سرم می آید  
هر زمان اشک ز چشمان ترم می آید  
و چه آهی است برافروخته از آتش عشق  
که در این بین ز سوز جگرم می آید  
جگرم سوخت، دلم سوخت ز مظلومیتش  
بوی این سوختن از بال و پرم می آید  
تازیانه چه به روز بدنم آورده  
دائماً کرببلا در نظرم می آید  
آن زمانی که ز گودال پر از نیزه و تیغ  
اسب بی صاحب او سوی حرم می آید  
استخوان بدنم زیر لگد خُرد شده  
زیر مرکب چه به روز پسرم می آید

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

رضا یزدانی

چرا باید خروش اشک هایت بی صدا باشد

ببار ای آسمان من که رازم بر ملا باشد

ببار ای آسمان مرتضی هم روز و هم شب را

که تنها گریه تو یار تنهایی ما باشد

چرا از چادرت باید بفهمم حال و روزت را

چرا همراز تو دیگر نباید مرتضی باشد

چرا این قدر رو می گیری از من آفتاب من

نمی خواهی ببینم گوشه چشم تو را؟ باشد

مخوان ای زندگی من دعای مرگ را دیگر

مخواه ای آشنایم غربتم را از خدا باشد؟

تو باید سالهای سال ماه خانه ام باشی

و باید سایه ات روی سر این طفلها باشد

صدای در، نگاه کودکان خیره به سوی توست

ولی ای کاش این بار آشنا باشد

بریز آب روان اسماء ولی آهسته آهسته

به طفلانم بگو تا گریه هاشان بی صدا باشد

ولی در زیر پیراهن عجب داغی خدای من

همین؟ می خواستی آتش بگیرم با وفا؟ باشد

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

حسین صنوبری

به حال ما، در و دیوار خانه می گرید

برای غربت ما آشیانه می گرید

فرشته های خدا و هرآنکه مادر شد

به یاد مادر ما عاشقانه می گرید

نه آشنا، نه رفیقی، ولی در این کوچه

گذشت هر که از این آستانه می گرید

لباس رزم به تن کرده، ذوالفقار به دست

علی نشسته و در بین خانه می گرید

علی؛ دلاور میدان، علی؛ ولیّ خدا

به یاد آتش و دود و زبانه، می گرید

چه رفته بر تو مگر مادرم! بگو با من

که در مصیبت تو هر کرانه می گرید؟

بهار آمده آری ... بهار فاطمه، آه...

نسیم و غنچه و جوی و جوانه می گرید

برای غربت ما آشیانه می گرید

به حال ما، در و دیوار خانه می گرید...

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

عباس احمدی

مادر مگو که حال تو بهتر نمی شود

بی گریه بعد تو شب ما سر نمی شود

دیشب دوباره آن زن همسایه طعنه زد:

این اشک ها برای تو مادر نمی شود

گفتم: طبیب، مادرمان خوب می شود؟

با سر اشاره کرد که دیگر نمی شود

مادر ببین برای خودم خانمی شدم

دیگر غریب، بعد تو حیدر نمی شود

داغ تو بُرد تاب پدر را اگر نه صد-

-لشکر حریف فاتح خیبر نمی شود

بی مرغ عشق خانه مان سرد و ساکت است

کوچه بدون یاس، معطر نمی شود

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

حسین رضایی

گریه های شب و روزم به ثمر نزدیک است

کن حلالم که دگر وصلِ سحر نزدیک است

دیده ای گریه ی طوفانیِ زهرایت را

یاعلی رخصتِ دیدارِ پدر نزدیک است

این سه ماهه غم تنهایی تو پیرم کرد

عمرِ گُل کوته و گویی که سفر نزدیک است

می روم با دلی آکنده زغمهای حسن

قصّه ی طشتِ پُر از خونِ جگر نزدیک است

دَمِ گودال ، حسینم به زمین می افتد

ماجرای گلو و نیزه و سر نزدیک است

وای از داغ رباب و لب عطشانِ علی

به گلویش هدفِ ،تیرِ سه پر نزدیک است

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

حسن کردی

مثل شمع سحری آب شدی از گریه

از خودت بی خبری آب شدی از گریه

بسترت خیس شد از اشک بیا گریه مکن

ناله ها از نفس انداخت تو را گریه مکن

دل من از نفسِ سوخته ات آگاه است

مثل اینکه شبِ بی مادریم در راه است

لحظه ها سخت تر از سخت به تو میگذرند

زخم ها گرچه که مخفی ست ولی جلوه گرند

زهرۀ خانۀ حیدر چه شده خاموشی

ساکتی مادر من یا نکند بیهوشی؟

طرحی از قامت چون کوه تو باقی مانده

سایه ای از تن مجروح تو باقی مانده

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

مهدی علی قاسمی

نفس نفس زدنت شد هجا هجا بانو

بهارِ من به خزان میروی چرا بانو؟

نگاهِ لطف خودت را ز من دریغ مکن

که گشته بعد پیمبر به من جفا بانو

بیا بخند و مرا از خجالت آب نکن

ز حال تو شده روز و شبم عزا بانو

بگو چرا دو سه ماه است در کنارِ علی

نمی شود ز سرت روسری جدا بانو؟

دگر کسی به مدینه مرا محل ندهد

کسی به من نکند جز تو اعتنا بانو

حسن به گوشه ی خانه بغل زده زانو

بگو چه دیده مگر بین کوچه ها بانو

مگر چه دیده که هرشب بلرزد و با بغض

تمام گریه ی او گشته بی صدا بانو

هزار بار بمیرم نبینم آن روزی

که روی چادر تو مانده ردّ پا بانو

از آن زمان که کشیدند بین کوچه مرا

دعا کنم که نبینم مغیره را بانو

هنوز مانده به گوشم نوای پشت درت

که کشت فضّه خذینی ِ تو مرا بانو

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

هادی ملک پور

این روز ها شب و سحرت طول می کشد

حتی دقیقه در نظرت طول می کشد

تا دست ها به هم برسد لحظه قنوت

در پیش چشم های ترت طول می کشد

از کنج خانه تا دم در غصه می خورم

از بس که راه مختصرت طول می کشد

اینگونه پیش گر برود ای کبوترم

درمان زخم های پرت طول می کشد

با هر قدم که تکیه به دیوار می دهی

از بین کوچه ها گذرت طول می کشد

بگذر از این محله که در وقت حادثه

تا مجتبی شود سپرت طول می کشد

تنگ غروب می رسی و درک می کنم

درد دل تو با پدرت طول می کشد

گیرم به گریه دخترت آرام می شود

آرام کردن پسرت طول می کشد

گفتی مجال شرح دل شرحه شرحه نیست

افسوس  .... قصه جگرت طول می کشد

تو می روی و تازه شروع غم من است

گفتم به بچه ها سفرت طول می کشد

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

اسماعیل شبرنگ

بگیر فاطمه دست دعا برای خودت

بخوان دعای شفا نذر زخم های خودت

نفس کشیدنت این روزها که آسان نیست

وَ بی صدا شده پژواک های های خودت

چه آمده به سرت بین کوچه زهرا جان

که مرگ می طلبی هرشب از خدای خودت

شکوه قبله ی من رو به قبله ای تو چرا؟؟

گمان کنم که رسیدی به انتهای خودت

میان خواهش عجّل وفاتی هرشب

بیا و مرگ علی را بخواه...جای خودت

مدینه بعد تو جای علی نخواهد بود

مرا به غصه نشاندی تو با عزای خودت

مرو که خانه ی عمرم خراب می گردد

سلام های علی بی جواب می گردد

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

سید محمد حسینی پور

"مشنو ای دوست که غیر از تو مرا یاری هست

یا شب و روز بجز فکر توأم کاری هست"

جند ماهی است که دلخوش به همین یک حرفم

من اگر رفتنی ام، حیدر کراری هست

تنم افتاد روی خاک ولی پرچم تو

رفت بالا که بدانند علمداری هست

سر تو باد سلامت، یل خیبر شکنم

این عجب نیست که عشاق تو را داری هست

اولین کشته عشق تو خود من هستم

هر زمانی پس از این، میثم تماری هست

مخور اینقدر غم سینه و بازوی مرا

اصلاً انگار نه انگار که بیماری هست

غم مخور گر که سلامت ندهند این مردم

اهرمن را چه کسی گفته که مقداری هست؟

ناز بفروش به من، می خرمش با جانم

تا همه شهر بفهمند خریداری هست

"گر بگویند مرا با تو سر و کاری نیست

در و دیوار گواهی بدهد کاری هست..."

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

محمود ژولیده

مادر به نونهالی من رحم کن مرو

جان حسین جان حسن رحم کن مرو

ماخود به خود به آتشِ غم مبتلا شدیم

بر اهلِ خانه شعله مزن رحم کن مرو

دنیا به تو اگر چه وفایی نداشته

ای با وفا به گریۀ من رحم کن مرو

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

سید هاشم وفایی

برخیز و باز پیش نگاهم قدم بزن

غم را ز لوح سبز نگاهت قلم بزن

یک یا علی بگو و دوباره بلند شو

دستی بگیر برسر زانو ، قدم بزن

بال و پرت شکسته ولی بهر دلخوشی

بالی به پیش دیدۀ اهل حرم بزن

ای گل بخند تا که بهاری شود دلم

حال و هوای ابری غم را بهم بزن

بامن مگو که فرصت عمرت تمام شد

پیشم بمان و حرف ز رفتن تو کم بزن

برخیز و باز مثل همیشه گه نماز

بر روی عرش با نفس خود علم بزن

با خطبه های شعله ور خود هنوز هم

آتش به خرمن دل اهل ستم بزن

مادر دل «وفائی» غمدیده تنگ توست

جان علی مدینۀ ما را رقم بزن

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

غلامرضا سازگار

هر گه که یاد آرم زین آستانه مادر

گردد زدیده چون سیل اشکم روانه مادر

یاد آرم از صدای یا فِضّةُ خُذینِی

تا می کنم نظاره بر درب خانه مادر

بالله علیست مظلوم از روی توست معلوم

کز غربتش به صورت داری نشانه مادر

هنگام سوگواری در حین اشکبازی

دلجوئیت نمودند با تازیانه مادر

من حال جوجه ای را دارم که چند صیاد

کشتند مادرش را در آشیانه مادر

گوئی زدرد و محنت دستت نداشت قدرت

موی مرا نکردی امروز شانه مادر

لب بسته ای ز یارب جای تو این دل شب

ریزد زچشم زینب اشک شبانه مادر

این خانه را که جبریل بوسیده در به تجلیل

آتش بر آسمان رفت از آستانه مادر

از گلشنت بماند تا لاله ای به دستم

ای کاش غنچه ی تو می زد جوانه مادر

تا روز حشر شاهد بر بیگناهی توست

خونی که ریخت قاتل ز آن نازدانه مادر

یاد غم تو عالم دارد هماره ماتم

از مرغ طبع (میثم) خیزد ترانه مادر

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

قسمت دوم؛ گلچین مجالس مداحان

ترک 01 ـ روضه[[66]](#footnote-66)

رو از علی گرفت و خودش را حجاب کرد  
شهر مدینه بر سر حیدر خراب کرد  
حرفی نزد به حیدر و در خواب ناز رفت  
از اینکه فاشِ راز کند، اجتناب کرد  
حرفی نزد، ولی چقَدَر درد می‌کشد  
چشم خدایْ بینِ علی را پـرآب کرد  
وقتی‌که دید فاطمه‌اش درد می‌کشد  
سوی حسن روان شد و او را خطاب کرد  
حرفی بزن حسن که دلم پاره پاره شد  
اینجا حسن چگونه علی را کباب کرد  
دشمن میان کوچه سرِ راهِ ما گرفت  
اول برای کشتن زهرا شتاب کرد  
گفتم مرا بزن، به رخ مادرم مزن  
سیلی به دست، فاطمه را انتخاب کرد  
دستم نمی‌رسید که او را سپر شوم  
قلـب مرا دوباره پر از التهاب کرد

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 02 ـ روضه ناب[[67]](#footnote-67)

معمولا نور از آسمان به زمین می تابه. این چه نوریه که شب ها از خانه ی فاطمه به آسمان می تابه. پیغمبر فرمود نور، نور صورت فاطمه ست. وقتی دخترم فاطمه ی زهرا تو محراب نماز می ایسته نور صورت فاطمه عرشُ روشن میکنه. یا رسول الله صورت فاطمه عرشُ روشن می کرد، الهی همه عالم بمیره برای اون صورتی که چند روزه از علی گرفته شده.

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 03 ـ زمزمه[[68]](#footnote-68)

ای نور قلب عاشقم، شمع این خانه تویی

زهرا زهرا مرو مرو، لطف كاشانه تویی

ای مرغ پر شكستۀ، افتاده كنج قفس

از فرط غصه فاطمه، درسینه مانده نفس

ممنونم اگر نروی، می میرم اگر بروی

زهرا مرو مرو زهرا

ای نخل بریده ثمر، ای مادر كشته پسر

بشین خونه رُ آب و جارو نکن بذار زخم پهلوت بهتر بشه

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 04 ـ زمزمه[[69]](#footnote-69)

می شویم امشب، با اشک دیده هم جای میخ در، هم تازیانه

کردی وصیت، ساعات آخر غسلت دهم یا فاطمه، اما شبانه

حالا می فهمم علت وصیتت رو

خواستی نبینم روز روشن صورتت رو

کشته منُ بازوی تو خونابۀ پهلوی تو

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 05ـ زمزمه[[70]](#footnote-70)

در و ببند پسر عمو، بیا کنار من بشین

من تو رو سیر نگاه کنم، که تنها میشی بعد از این

بیا با هم گریه کنیم، برا غمِ فردای تو

تو برای دردای من، من برای دردای تو

بیا با هم گریه کنیم، محرم گریه های من

من برا تو گریه کنم، تو گریه کن برای من

تو گریه کن برای این، زخمی که درمون نداره

اشکاتُ من پاک می کنم، با دستی که جون نداره

فاطمه اتُ می بخشی که، خنده رو لبها نداره

می خوام جلو پاهات پاشم، پاهام دیگه نا نداره

بیا با هم گریه کنیم، تو برا من، من برا تو

خدا نکرده نبینه، فردا کسی گریه ها تو

بیا با هم گریه کنیم، قربون گریه کردنت

دارم می میرم برای زانو بغل گرفتنت

بیا با هم گریه کنیم، حالا که امشب با منی

شبا سر مزار من، نمی تونی داد بزنی

بیا باهم گریه کنیم فدای تو ابالحسن

راستی دادم به زینبم سه تا کفن یه پیرُهن

حالا بیا گریه کنیم برای حال زینبین

گریه کنیم برا حسن گریه کنیم برا حسین

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 06 ـ زمزمه[[71]](#footnote-71)

تا وقتی که کنار من بمونی آرومم، فاطمه خانومم

نگو میخوای بری تو که میدونی مظلومم، فاطمه خانومم

جارو گرفتی دستت یه دست به روی پهلو

مگه علی میتونه برات بسازه تابوت

کنار هم بمونیم قرارمون چی بوده

تازه باید بفهمم که صورتت کبوده

دمای آخره نگا به روز و حالم کن، علی حلالم کن

پسر عمو قبر منُ مخفی از عالَم کن، علی حلالم کن

ببخش اگه نشد که حق تو رُ بگیرم

نمی تونم سه ماهه شونه به دست بگیرم

وصیتامُ گوش کن یادت باشه همیشه

نیمه شبا حسینم همیشه تشنه میشه

بچه ها رُ از امشب دیگه به تو سپردم

کفن یدونه کم بود هزار دفعه شمردم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 07 ـ زمینه[[72]](#footnote-72)

پره تب و تابه دل بیقرارم

اگه تو بری زهرا جان کسی و ندارم

گل چادر گلدارت      تب دستای تب دارت

آتیشم زده

نفست که خراب میشه    مثه شمعی که آب میشه

حال من بده

نه تو حرف میزنی نه حسین نه حسن         چی شد اون خنده هات آخه یه حرفی بزن

تو که پریشونی دلخوشی کدومه

برای علی بعد از تو همه چی تمومه

شبا ساکت و بیداری       ولی معلومه درد داری

بین هر نفس

پُره اشک سکوت تو     پُره گریه قنوت تو

کنج این قفس

بیا امشب بذار خودتُ جای من     چه کنم فاطمه پاشُ یه حرفی بزن

بار غمت افتاد روی دوش زینب

داری میگی اون اسرارُ توی گوش زینب

شب آخره و حالا       بی امون میشه گریه ات با

دیدن حسین

با این اشکای خاموشت      میگیری توی آغوشت

پیرهن حسین

نفسات میگه این دم آخر حسین         شده ورد لبت غریب مادر حسین

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 08 ـ زمینه[[73]](#footnote-73)

صدای غربت منُ ، تموم دنیا شنیدن

تا حالا تو این مدینه، مردم منُ، بدون زهرا ندیدن

دووم بیار، سر تو رو پاهام بذار تا خود صبح فقط ببار، ولی نرو خانومم

توی چشام، ببین چقدر تو رُ می خوام هر جا بری منم میام، پیش تو من آرومم

ابر سیاهُ پس بزن نفس من نفس بزن

مرو مرو عشق علی

هی رنگ و روت عوض میشه، داری توی تب می سوزی

ولی نمیدونم چرا، با این حالت، نشستی پیرهن می دوزی

پریشونی، با این چشای بارونی روضۀ گودال می خونی، زینب تو شد مضطر

آه کربلا، سر حسین رو نیزه ها تنش به زیر دست و پا، ای وای غریب مادر

فریاد وا محمدا آتیش می گیره خیمه ها

حسین غریب فاطمه

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 09 ـ زمینه[[74]](#footnote-74)

ای یار علی روی بستری

غم داری ولی فکر حیدری

قدر من و تو رو نشناختن تو رو روی زمین انداختن

تو رو که گرفتن از من با غم تو کار منُ ساختن

می لرزی مثه بید مجنون می بینی با چشای گریون

حال منُ پریشون

دیدی عاقبت بی یاور شدم

تنها بودم و تنها تر شدم

می دونی که علی مظلومه علی بی فاطمه محرومه

می دونی که برای حیدر بدون تو همه چی تمومه

ای ماه آسمون خونم ای درد و غم تو به جونم

زود پیر شدی جوونم

می دونم که این روز آخره

ذکر بچه هات مادر مادره

بدون تو خونه زندونه خونه بی تو میشه ویروونه

تو که داری میری و بی تو من می مونم و دلی خونه

حیدر رو بخدا سپردی جونم رو به لبم آوردی

رفتی منُ نبردی

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 10 ـ زمینه [[75]](#footnote-75)

دو سه ماهه توی خونه غم و غصه روزیمونه

تو که حالت رو به راه نیست حال ما هم پریشونه

روی ماهمون گرفته و دل آسمون گرفته و

شده بخت ما سیاهی

دل همسرت شکسته و دست لاغرت شکسته و

بمیرم برات الهی

خورشید آسمون علی اُمید نیمه جون علی بمون تا بمونه علی

چرا داری پیش چشمام می پوشونی رو تو از من

چرا دیشب تو نمازت دعا کردی واسه رفتن

تنها هم کلام من تویی جوابِ سلام من تویی

می بینی صدام می لزره

اشکِ چشم حیدرُ ببین پهلوون خیبرُ ببین

داره زانوهام می لرزه

ای سرو قد کمون علی ای یاور جوون علی بمون تا بمونه علی

مگه بهتر شده حالت که تو کاره خونه کردی

توی حرفاش میگه زینب که موهاشُ شونه کردی

نکنه روزای رفتنه روی دست تو یه پیرهنه

که سپردی دست زینب

تا یه روز بده برادرش روزی که میشه جدا سرش

رو به روش نشسته زینب

بانوی مهربون راهی نشو بدون علی بمون تا بمونه علی

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 11 ـ زمینه[[76]](#footnote-76)

گل یاس و نیلوفرم همه هستی‎ام همسرم  
مادر حسین و حسن یادگار پیغمبرم  
مباد از مرتضایت رو بگیری، تک و تنها به غم‎ها خو بگیری  
بگریی در خودت تنها چو دریا، چو کشتی نیمه شب پهلو بگیری  
وای از آن نالۀ دل سوزان  
وای از آن گریۀ شهِ مردان  
  
آن یلی که خم گشتنش پیش دشمنان کس ندید  
در عزای تو فاطمه بِنِگر که قدش خمید  
بیا ای دل که بی پروا بگرییم،بیا تا در غم زهرا بگرییم  
بیا تا نشنود دشمن صدایش ، بیا با گریۀ مولا بگرییم  
وای از آن غربتِ شبِ دریا  
وای از آن وسعتِ غمِ مولا  
  
ای حجابِ تو آیۀ رحمتِ خدا بر زمین  
چادر تو یعنی همان سایۀ هما بر زمین  
اگر خاکی بر این چادر نشسته، اگر دشمن تو را پهلو شکسته  
مرام تو برای شیعه باقی‎ست، نشد پیمان ما با تو گسسته  
وای از آن خاطرات مجسم  
وای از آن تازیانۀ محکم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 12 ـ زمینه[[77]](#footnote-77)

به جای قلب من خانوم سکوت خونه رُ بشکن

چرا مثه تموم شهر غریبی میکنی با من

گریه کن

برا دوتامون گریه کن برای بچه هامون گریه کن

آروم بگیری گریه کن

می بینم جای سیلی رُ ، پوشوندی با پر شالت

بیا حرفی بزن خانوم، شاید بهتر بشه حالت

وای زهرا

آروم آروم از این خونه بار سفر رُ می بندی

تابوت تو که می بینی میون گریه می خندی

گریه کن

با زخم بازو گریه کن برای درد پهلو گریه کن

آروم بگیری گریه کن

تو میری مرد میدونت، می شینه گوشۀ خونه

نباشی هم زبون من، دیگه حرفی نمی مونه

وای زهرا

برا شهید عاشورا دو سه شبه که می سوزی

داری با دست بی جونت یه پیرنی رُ می دوزی

گریه کن

دوباره بی حال گریه کن برا حسین و گودال گریه کن

آروم بگیری گریه کن

گریه کن

که میشه بی سر گریه کن برا غریب مادر گریه کن

آروم بگیری گریه کن

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 13 ـ زمینه[[78]](#footnote-78)

شب و روزات پر درده زندگی برات عذابه  
داری کم کم میری از دست حالت از بس که خرابه  
تمومی شهر حریف اشکای تو نمیشه  
غم هیچ کسی اندازه غمای تو نمیشه  
کسی غیر درد مونس شبای تو نمیشه  
درد بازوت مگه تموم میشه          خون پهلوت مگه تموم میشه  
کبودی روت مگه تموم میشه  
زهرا جان مگه تموم میشه  
  
دم آخر پیش چشمام داری با گریه می خندی  
کتاب عمرم و داری تو با رفتنت می بندی  
پرستوی من داری میری از کنار حیدر  
بیا و بمون غیر تو کسی نداره حیدر  
کنار تنت به خدا شده مزار حیدر  
ای پرستوم! داری راحت میشی       آره خانوم داری راحت میشی  
تو آروم آروم داری راحت میشی  
زهرا جان داری راحت میشی

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 14ـ واحد سنگین[[79]](#footnote-79)

غم نشسته بر در و دیوار خانه  از سکوت بانوی بیمار خانه  
این جهان داغی از این بدتر ندارد   
بدتر از بیماری مادر ندارد  
ذکر اهل خانه دائم آه و ربنا شد  یا من اسمه دواء و ذکره شفاء شد  
داغمان عیان است، اشکمان نهان است  
ای صدای گریۀ بی تاب کودکان است  ای خدا مادر چرا چون شمع نیمه جان است  
مادرم جوان است، مادرم جوان است

لحظه لحظه خاطرات تلخ غربت کوچه کوچه بغض سنگین آه حسرت  
مادری که مثل گل یکباره پژمرد  
پیش چشم کودکانش تا زمین خورد  
وای اگر طوفان به جان باغ ما بیافتد  غنچۀ یاسی به زیر دست و پا بیافتد  
وای من خدایا ، موسم خزان است  
ای صدای گریۀ بی تاب کودکان است  ای خدا مادر چرا چون شمع نیمه جان است  
مادرم جوان است، مادرم جوان است  
  
  
دود و آتش می زند یک سو زبانه سوی دیگر چرخش یک تازیانه  
این میانه ناله هایی کودکانه   
مادرم گم کرده یا رب راه خانه  
ای خدا باور ندارم آن میان چه دید  مردّی از خون ناگهان بر خاک کوچه دیدم  
آتشی به جان است غصه بی کران است  
ای صدای گریۀ بی تاب کودکان است  ای خدا مادر چرا چون شمع نیمه جان است  
مادرم جوان است، مادرم جوان است

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 15 ـ واحد سبک[[80]](#footnote-80)

از گریه هات  دلم خیلی پریشونه

از گریه هات  دلم مثل دلت خونه

بمیرم  عزیز من  میبینم  چشات تاره

بمیرم  که خون تو هنوزم  رو دیواره

من برای تو گریه میکنم زهرا

تو برای من ناله میزنی اینجا

مثل دلت  دلم  زخمی تقدیره

بی فاطمه  علی تو  غصه میمیره

علی رو  حلالش کن    سه ماهه  که بیماری

سه ماهه توی خونم      میبینم که تب داری

رفتنی شدی تو دلم پر از درده

خونه ی علی بی نگاه تو سرده

از باغ غم گل بی تابی می چینم

از تو چشات  غم آینده می بینم

می بینم توی چشمات  دلای پریشون رو

می بینم نوک نیزه     سرای پر از خون رو

پای روضه هات  گریه میکنم امشب

پای روضه ی  دست بسته ی زینب

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 16 ـ شور [[81]](#footnote-81)

یه مادری تو مدینه نه قبر داره، نه حرم داره، نه نشون داره

ولی به جاش هزار هزار فداییِ جوون داره

با اذن ابا عبدالله با ظهور بقیه الله

وعدۀ ما فاطمیه حرم مادر انشاالله

مادرم مادرم مادر تمومی شهداست

مادرم مادرم مادر همۀ سینه زناست

مادرم مادرم مادر شهید کربلاست

مادر مادر ای وای مادر

دلم میخواست تو این دنیا به تو زهرا بگم مادر

خودت برام دعا کردی شدم من شیعۀ حیدر

بده برات کربلا رو بقیع و مشهد الرضا رو

تو قیامت داری هوای همه امام حسینیا رو

مادرم مادرم جلوۀ محبت خداست

مادرم مادرم یک فرشته از آسموناست

مادرم مادرم مادر شهید کربلاست

مادر مادر ای وای مادر

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 17 ـ شور[[82]](#footnote-82)  
با نگاهت دلم رُ بردی منی که عاشق نگاتم  
یعنی میشه یه روز ببینم رو به رو ایوون طلاتم  
از حرم برام نگید دیوونم میکنه خونۀ اربابم بی خونه ام  
یعنی آقا بازم دعوتم میکنه دعوتم میکنه  
جای جنت تو رو میخوای کربلا کربلا  کربلا  
دلیل بارون چشام  کربلا کربلا کربلا  
می میرم اگه حرم نیام  کربلا کربلا کربلا

من قطره تو هستی دریا کی میگه تشنۀ فراتی  
 همه عالَم به تو دخیل اند  آخه تو کشتی نجاتی

از زندونِ دنیا تو نجاتم بده منه دل مرده رُ تو حیاتم بده  
توفیق دیدن عتباتم بده نجاتم بده

خاک پا های زائرام  کربلا کربلا کربلا  
به تو عمری مبتلام کربلا کربلا کربلا  
می میرم اگه حرم نیام  کربلا کربلا کربلا

یه نگاه کن آقا به من که شبیه اون غلام سیاه شم  
همه آرزومه بازم شب جمعه کربلا باشم

شبهای جمعۀ حرمت محشره ذکر لبِ زهرا غریب مادره  
آسمون پایین پاهای اکبره، حرمت محشره

ثانیه ثانیه دعام کربلا کربلا کربلا  
نمی یوفته از رو لبام  کربل کربلا کربلا  
می میرم اگه حرم نیام  کربلا کربلا کربلا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*فصل ششم؛ شهادت

قسمت اول؛ اشعار منتخب

حسین رحیمیان

چه افتخار بزرگی، گدای فاطمه ایم  
همیشه ملتمسان دعای فاطمه ایم  
چه خوب شد که غلام وفای فاطمه ایم  
مقلدان ره فضه های فاطمه ایم  
تمام عمر نشستیم زیر پرچم او  
همیشه روی لب ماست اسم اعظم او  
  
  
ندیده ایم زنی را ازو خدایی تر  
ندیده ایم ازو شیعه ای ولایی تر  
برای حضرت مولا، ازو فدایی تر  
ز فاطمه احدی نیست مرتضایی تر  
به جرم اینکه شعار علی علی سر داد  
میان شعله ی یک عده بی وفا افتاد  
  
نوشته اند که بد کینه ها زدند او را  
به پیش چشم علی بی هوا زدند او را  
برای کشتن شیر خدا زدند او را  
مغیره های بدون حیا زدند او را  
هزار روضه ناگفته آمده سر او  
سه ماه گریه ی خون بود کار بستر او  
  
از این زمانه بی رحم خسته بود سه ماه  
عزا گرفته ی آن دست بسته بود سه ماه  
برای دیدن مرگش نشسته بود سه ماه  
شنیده ایم که پهلو شکسته بود سه ماه  
شبی نبود که مرگ از خدا طلب نکند  
برای غربت دُلدُل سوار تب نکند

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

علیرضا خاکساری

شکستنت کمرم را شکست فاطمه جان  
علی کنار تو از پا نشست فاطمه جان  
هجوم و هیزم و بی حرمتی بعید نبود  
از آن جماعت آتش پرست فاطمه جان  
رفیق راه عبورم شده است نامردی  
که راه را به تو در کوچه بست فاطمه جان  
نشسته بر رخ تو جای پنج انگشتش  
چه ها ندیدی از آن ضرب دست فاطمه جان  
خوشا به حال علی که محبتش به دلت  
نشسته است ز روز الست فاطمه جان  
بگو چکار کنم با خودت مرا ببری  
مدینه بی تو عذاب آور است فاطمه جان

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

محسن حنیفی

صحبت از دستی که رزق خلق را می داد شد  
هر کجا شد حرف از بانو، به نیکی یاد شد  
گردش تسبیح او افلاک را تدبیر کرد  
از پر سجاده اش روح القدس ایجاد شد  
او که جای خود، گلوبندش اسیر آزاد کرد  
حُر هم از یمن ادب بر نام او آزاد شد   
روضه رضوان، رضای حضرت صدیقه است  
از گل سرخ لباس او، فدک آباد شد  
معنی نازک برای روضه اش آورده ام  
وقت پروازش پرستویی اسیر باد شد  
با پر زخمی دعاگوی شب همسایه بود  
دست او روزی رسان خانه صیاد شد  
این در آتش گرفته نیز حاجت می دهد  
این در آتش گرفته، پنجره فولاد شد  
روضه مظلومه، بعد از رفتنش مکشوفه شد  
تا مصیبت خوان کوچه صورت مقداد شد   
بعد پیغمبر اگرچه با تبسم قهر بود  
لحظه ای با دیدن تابوت، زهرا شاد شد  
اشکهایش گاه می‌گوید حسن، گاهی حسین  
گریه های آخرش موقوفه اولاد شد  
مریم آمد تا شریک گریه ی کوثر شود  
روضه او کاف و هاء و یاء و عین و صاد شد

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

هادی جانفدا

بارانی است حال و هوای تو بیشتر  
من گریه میکنم به عزایِ تو بیشتر  
هر بار که به کوثر و توحید میرسم  
ایمان می آورم به خدایِ تو بیشتر  
بانو! سلام کن به علی، دوست دارد او  
لفظ سلام را به صدایِ تو بیشتر

با اینکه با رسول خدا رفته ای سفر  
دلتنگ میشویم برای تو بیشتر  
ما هر دو از خدا طلب مرگ کرده ایم  
شد مستجاب، دست دعای تو بیشتر  
قبرت کجاست، از همه عالم غریب تر  
چون خالی است، از همه جای تو بیشتر

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

نوید پور مردادی

گرفته رو به این در دستها را  
نبرده جای دیگر دستها را  
گدا فهمیده که جایی از اینجا  
نمیگیرند بهتر دستها را  
کرم میبیند آنجا که بگیرد  
گدا بالاتر از سر دستها را  
ولی اینجا گدای دست در جیب  
برد در کیسه ی زر دستها را  
علی بالاتر از اینهاست، اینجا  
گرفته دست قنبر دستها را  
خود مرحب هم این را خوب فهمید  
خدا داده به حیدر دستها را  
همینجا بود که بالا گرفتند  
یهودی های خیبر دستها را  
چگونه میزند با راست یا چپ؟!  
نمیبینند لشکر دستها را  
غدیر این را همه دیدند داده  
علی دست پیمبر دستها را  
اگرچه روز اول دست دادند  
ولی بستند آخر دستها را  
همینجا بود قنفذ کرد کاری  
که داد از دست مادر دستها را  
شب غسلش رسید اما نمی کرد  
علی انگار باور، دست ها را  
بر آن تن می کشید و دید کوچه  
چه بی حد کرده لاغر دستها را  
درون علقمه برداشت از خاک  
به دست خود برادر دستها را  
که او میخواست به زهرا رساند  
برای روز محشر دست ها را

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

سید جواد میر صفی

من نمیدانم چرا این روزها غم بیشتر

می گذارد روی زخم کهنه مرهم بیشتر

پرچم مشکی عوض کرده ست حال کوچه را

بر در و دیوار جا خوش کرده ماتم بیشتر

سخت می گردد پی راهی که در خود بشکند

در گلوی بغض می گردد صدا بم بیشتر

عشق بی پروا ترست و دیده بارانی ترست

روزی اشک ست حتی از محرم بیشتر

حرف باباها به جای خود ولی این روزها

حرف مادرهاست در خانه مقدم بیشتر

در حصار باغچه باران که میبارد فقط

می نشیند روی برگ یاس شبنم بیشتر

چای را دم می کند مادر، چقدر این روزها

در هوای روضه می چسبد به آدم بیشتر

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

علی اکبر لطیفیان

تا قیامت بنویسم اگر از پروانه

ندهم جز خبرى مختصر از پروانه

زندگى کردن عشاق تماما درس است

میشود یاد گرفت آنقدر از پروانه

آبرو را همه از برکت چیزى دارند

عارفان از سحر، اما سحر از پروانه

عالمى را نفس سوخته اى زنده کند

معجزه هیچ ندیدم مگر از پروانه

سوز معشوق به سوز دل عاشق نرسد

شمع هم سوخته، نه بیشتر از پروانه

آنقدر وصل تو سوزنده تر از هجران است

که نمانده است نه بال و نه پر از پروانه

تا سحر سوختنش را به تماشا بنشین

تو فقط اول شب دل ببر از پروانه

جگر سوخته من خبرش پیچیده

چه بگیرى چه نگیرى خبر از پروانه

تا نفس هست مرا دور سرت میگردم

بیش ازین برنمی آید دگر از پروانه

پروبالى که نمانده ست برایم, اما

آنقدر هست بسازى سپر از پروانه

دل به آتش زدم و سعى خودم را کردم

دست تو باز نشد...درگذر از پروانه

در همان مرحله ى سوختنش می مانم

تا قیامت بنویسم اگر از پروانه

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

غلامرضا سازگار

این اشک نیست گشته روان از دو دیده ام

خون است بهر سرخی رنگ پریده ام

سنگینی اش بهم شکند چرخ پیر را

بار غمی که من به جوانی کشیده ام

حتی اجل نکرد عیادت ز حال من

با آنکه دل ز عمر، ز دنیا بریده ام

از دود و آه من شده گردون سیه ولی

با اشک خود ستاره به کهسار چیده ام

تشییع من دل شب و قبرم نهان ز خلق

از این طریق پردۀ دشمن دریده ام

نشنیده ماند ناله و فریاد و شکوه ام

من کز رسول، ام ابیها شنیده ام

رنجی که از تحمل آن عاجز است کوه

بر جان و تن به حفظ امامم خریده ام

شش ماهه ام شهید شد و پهلویم شکست

ز آن صدمه ای که از در و دیوار دیده ام

تاریخ شاهد است که من در ره علی

اول شهید داده و او شهیده ام

بی دست و پای «میثم» ای خاندان وحی

کز ابتدا ثنای شما بوده ایده ام

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

محسن ناصحی

علی دیده است در زهرا غروب آفتابش را

و زهرا در علی دیده است هرم التهابش را

شهید اول حفظ ولایت ، می شود اما

کسی هرگز نخواهد دید حتی اضطرابش را

کرم ، مبهوت و سرگردان که زهرا چیست ؟ زهرا کیست؟

مگر از راز گردنبند بردارد جوابش را

چه بینا و چه نابینا به نامحرم بگو برگرد

که گل بر خارها هرگز نمی بخشد گلابش را

غمی سنگین تر از داغ جدایی از علی دارد

که از تابوت ، می خواهد نگه دارد حجابش را

فقط محض دل حیدر… وگرنه ضربه سنگین بود

اگر از چهره بر می داشت گاهی هم نقابش را

اجابت را علی در لحظه ی عجل وفاتی دید

چه غمگین می کند راهی شهید انقلابش را

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

مصطفی شاکری

باریده بر سقف قفس خون کبوترها

آتش گرفت این خانه با فتوای ابترها

دستی که آن ساعت رسول الله بالابرد

دستی که می افکند با یک ضربه خیبرها

با ریسمان بستند و  سوی مسجد آوردند

الحق که نامردند... نامردند کافرها

تاریخ می داند همین یک فاطمه کافیست

بهر دفاع راستین از حق حیدرها

هربار پنهان می کند با زحمتی سرشار

آن گونۀ مجروح را از چشم دخترها

جان ملائک بر لب آمد بس که جان فرساست

پیش نگاه کودکان تدفین مادرها

با یاد جسم سرد مادر گریه می کردند

یکریز در آغوش همدیگر برادرها

لب های مولا مملو از افسوس می خواند

امن یجیبی خاطر تسکین مضطرها

این شهر ارواح است و هجده سال خواهد سوخت

با مویه ی دیوار ها، با ناله ی درها

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

مهدی علی قاسمی

پیر گردیدم من از غمهای مادر سوختم

با نگاه مادرم در بین بستر سوختم

سینه چاک مرتضی جز همسرش زهرا نبود

از غریبی علی بعد از پیمبر سوختم

با نگاه بستر خونین مادر مرده ام

از صدای گریه ی زهرای اطهر سوختم

قول دادم با کسی چیزی نگویم از هجوم

بغض کردم گوشه ای با دیده ی تر سوختم

بین کوچه مادرم افتاد بر روی زمین

از صدای خنده ی آن مرد کافر  سوختم

آب گشتم با هزاران زحمت از جا شد بلند

تا که دیدم چادر خاکی کوثر سوختم

روز آخر گفت با زینب صبوری کن اگر

دلبرت را دیده ای گردیده بی سر، سوختم

خواهرم تا که شنید از کربلا رنگش پرید

از هجوم و غارت خلخال و معجر سوختم

عصر عاشورا صدای دختری آید به گوش:

«دامنم آتش گرفته ، وای مادر! سوختم»

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

غلامرضا سازگار

مدینه غرق ماتم بود و دلها خانه غم بود

فضا تاریک و بر رخسار گردون گَرد مات بود

سکوت آفرینش با قیام حشر توأم بود

سراسر مسلمین را قامت از بار الم خم بود

**خلایق با دلی بشکسته می‌گفتند پیوسته**

**محمد در سرای جاودانی رخت بر بسته**

در آن روزی که خون جاری ز چشم هر مسلمان بود

گلوی آفرینش پاره از فریاد و افغان بود

سپهر نیلگون را در درون سینه طوفان بود

علی مشغول غسل آن سفیر پاک یزدان بود

**به نقش دوستی دشمن سرکین آفریدن داشت**

**ز جسم زنده قرآن هوای خون مکیدن داشت**

سقیفه مرکز شورای افرادی ستمگر بود

سقیفه پایگاه خصم سرسخت پیمبر بود

جنایت، حق کشی غارت ستم، در حق حیدر بود

نه بلکه جنگ با قرآن و اسلام و پیمبر بود

**در آنجا با حضور چند تن اوباش شورا شد**

**جنایاتی که در او تا قیامت رفته امضاء شد**

اگر برپا نمی‌گردید این شورای ننگ آور

نمیگردید ره گم کرده‌ای اسلام را رهبر

نمی‌شد غصب حق بن عم و داماد پیغمبر

نمیزد بر سرای فاطمه دست خسی آذر

**یزید و ظلمهایش بود محصول همین شورا**

**که خون‌ها ریخت از آزادگان لعنت بر این شورا**

چه شورایی که باب فتنه از آغاز آن وا شد

چه شورایی که با آن قامت عدل و شرف، تا شد

چه شورایی که با آن رخنه در اسلام پیدا شد

چه شورایی که استحکام آن با خون زهرا شد

**نفاق و فتنه و آشوب و طغیان بود این شورا**

**ستم در حقّ اهل بیت و قرآن بود این شورا**

دو روز اسلام را رخت غم و اندوه شد در بر

یکی در روز شورا و یکی در مرگ پیغمبر

به مرگ مصطفی شد عالم اسلام بی رهبر

به شورا گشت کوته دست خلق از دامن حیدر

**کسیکه قائل قول سلونی بود تنها شد**

**خسی که از اقیلونی سخن میگفت، مولا شد**

سیه ماری که عمری لانه در آغوش قرآن داشت

به قصد پیکر دین در دهان پر زهر دندان داشت

به باطن کفر و در ظاهر هزاران رنگ ایمان داشت

صمد گوی و صنم‌ها در درون سینه پنهان داشت

**پس از مرگ نبی اسلام را پنداشت بی رهبر**

**به مسجد آمد و زد حلقه در محراب پیغمبر**

شده چوپان مردم گرگ خون آشام از یکسو

گشوده چنگ بر نابودی اسلام از یکسو

مسلمانان بسان مردگان آرام از یکسو

امیرالمؤمنین تنها در آن ایّام از یکسو

**به چشم نازبینش بود از رنج و الم خاری**

**نبود او را بغیر از فاطمه یار وفاداری**

همه این رنج‌ها محصول آن شورای ننگین بود

که اصلش جنگ با قرآن و نامش یاری دین بود

علی را جاری از چشم خدا بین اشک خونین بود

عدو مست خلافت بود و کامش سخت شیرین بود

**چنان مست ریاست شد که بر احکام دین پزد**

**شرار افروخت در بیت خدا سیلی به زهرا زد**

هنوز از مرگ پیغمبر فغان خلق بر پا بود

سرشک بی کسی بر چهرة اسلام پیدا بود

که در موج فضا آتش بلند از بیت زهرا بود

امیر مؤمنان هم در سکوت خلق تنها بود

**کجا یک تن تواند غصب کردن حق مولا را**

**سکوت خلق و همراهیّ دشمن، کشت زهرا را**

برون شد ز آستین حق کشی‌ها دست بیدادی

شرر افروخت در بیت ولایت سست بنیادی

که سرزد شعله‌اش از قلب هر انسان آزادی

تو گویی در درون شعله‌هایش بود فریادی

**که آن فریاد از عمق دل دخت پیمبر بود**

**ولی افسوس گوش امّت از بشنیدنش کر بود**

هنوز آن آتش سوزنده در دلها شرر دارد

هنوز از دیده جاری شیعه خوناب جگر دارد

به هر صبح و مسا، فریاد و اشک بیشتر دارد

مگر روزی که فرزندش نقاب از چهره بردارد

**نماید همچو خورشید فلک رخسار دلجو را**

**بگیرد انتقام مادر بشکسته پهلو را**

امام منتظر ای مهدی موعود ادرکنی

ولی الله اعظم حجّت معبود ادرکنی

فروزان روی حق را شاهد و مشهود ادرکنی

الا ای کعبه دل قبلة مقصود ادرکنی

**مپوش از خلق ای پشت حقایق روی زیبا را**

**اجابت کن دعای «میثم» افتاده از پا را**

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

علی انسانی

علی که آینه‌ی روشن خدای تو بود

همیشه آینه‌اش روی حق نمای تو بود

حدیث قدسی «لولاک» معتبر سندی است

که هر چه کرد خدا خلق، از برای تو بود

به خشت خشت سرایت، بهشت بُرد حسد

که توتیای مَلک گَردِ بوریای تو بود

ملک حضور تو را در نماز عاشق شد

ولیک شیفته‌تر از مَلک خدای تو بود

ز پا نشست علی تا تو راه می‌رفتی

که دید دوش حسین و حسن عصای تو بود

نگاه بی‌ رمقت با علی سخن می‌گفت

زبان درد دلت در نگاه‌های تو بود

به خانه‌ی دل او نور داد و دلگرمی

جواب گرم سلامی که با صدای تو بود

ز گریه‌ات همه هستی به گریه می‌افتاد

همین نه شهر مدینه پر از نوای تو برد

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

غلامرضا شکوهی

گهواره نیست کودکی ات را فلک که هست

فرمانبر تو نیست سما تا سمک که هست

وقتی به خواب می روی ای کوثر کثیر

لالایی خدیجه نباشد، ملک که هست

آن روزه ی سه روزه نیازی به نان نداشت

ای زخمی محبت عالم! نمک که هست

وقتی حضور گریه تو را آب می کند

اشک علی نشسته برای کمک که هست

نقش کبود شانه ات از ضربه های در

بر شانه ی شبان سیه نیست حک؟ که هست

مردیم از فراق تو دل با چه خوش کنیم؟

قبری که نیست از تو به جا؟ یا فدک؟ که هست...

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

جواد حیدری

ما زنده به لطف رحمت زهراییم

مأمور برای خدمت زهراییم

روزی که تمام خلق حیران هستند

ما منتظر شفاعت زهراییم

با راز شکسته ی کبوتر چه کنیم

با خاطره ی غریب مادر چه کنیم

دیروز نبودیم فدای تو شویم

امروز بگو بگو که حیدر چه کنیم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

قسمت دوم؛ گلچین مجالس مداحان

ترک 01 ـ روضه[[83]](#footnote-83)

با رفتنت خالی مکن دور و برم را  
پاشیده ‌تر از این مگردان لشکرم را

باور نمی کردم که روزی پیش چشمم

از پا بیاندازد غلافی همسرم را  
هر شب، حسن در خواب می نالد مغیره  
دست از سرش بردار، کُشتی مادرم را

تو بین آتش رفتی و من گُر گرفتم  
حالا بیا و جمع کن خاکسترم را

امروز پیش چشم طفلانم حرم سوخت

فردا بسوزانند با طفلان حرم را

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 02 ـ روضه[[84]](#footnote-84)

نمی دونم چجوری علی بدنُ غسل داد حالا می خواد بند های کفنُ محکم کنه. صدا زد حسن جان، حسین جان بیاید با مادرتون وداع کنید. امام حسن صورتشُ گذاشت کف پای مادر، حسین اومد کنار مادر، بند های کفن از هم باز شد، دست های فاطمه بیرون آمد یعنی عزیزانم بیاید در آغوش من. حسن و حسینُ به سینه چسباند. نمی دونم حسین سمت جراحت سینه بود یا حسن. اما گمان کنم حسین، صورت که گذاشت همین که برداشت زینب تا این صحنه رو دید دوید با گوشه چارقدش خون های صورت حسینُ پاک کرد. گذشت تا کربلا، از بالای تل زینبیه نگاه کرد.

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 03 ـ زمزمه[[85]](#footnote-85)

گریه های مخفیانه غسل و تشییع شبانه

یك مزار بی نشانه آتشم زد، آتشم زد

مانده ام با چشم گریان میكشم آه از دل و جان

رفتی و شام غریبان آتشم زد، آتشم زد

می گذارم وقت غسلِ پیكر تو سر به دیوار

تازه فهمیدم چه كرده وای من با سینه مسمار

تازه دیدم زخم پهلو تازه دیدم خون بازو

مثل من زهرا شكست در این مدینه حرمتت ای داد بی داد

بشكند دستی كه زد سیلی به روی صورتت ای داد بی داد

الوداع ای فاطمه جان كن حلالم فاطمه جان

بر دل من داغ جانكاه مثل گل عمر تو كوتاه

چیده ام رویت لحد آه داد بی داد، داد بی داد

وای من از جان بر لب بعد تو دیگر از امشب

خانه دارم گشته زینب داد بی داد، داد بی داد

مانده ام بالای قبر تو چرا من زنده هستم

از پیمبر با امانت داریم شرمنده هستم

روی زخم دل نمك خورد پیش من زهرا كتك خورد

عالمی حیران شده از صبر من از صبر تو ای داد بی داد

عده ای فردا روند دنبال نبش قبر تو ای داد بی داد

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 04 ـ زمزمه[[86]](#footnote-86)

من میخوام به پات تمنا بیارم اشکمُ برا مداوا بیارم

پیش دست تو خجالت میکشم تو خونه دستمُ بالا بیارم

چه روزای خوبی بود یادش بخیر همه چی گذشت چه زود یادش بخیر

سه ماهه صورت من رُ ندیدی صورتم کبود نبود یادش بخیر

برای غربت آقام بمیرم حق تو نشد من آخر بگیرم

یار خوبی برای تو نبودم حلالم کن که دیگه دارم میرم

بعد واقعه ی در و دیوار امروز بهترین روز بچه ها بود، (مریض سخت روزای آخر حالش خوب میشه) امروز تا زینب بلند شد دید مادر تو بستر نیست، اومد دید مادر داره حیاطُ آب و جارو میکنه.. اول کاری که کرد حسنین رُ صدا زد، داداش بلندشُ مادر خوب شده.

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 05 ـ زمزمه[[87]](#footnote-87)

گمانم دیگر گشته بهتر که در واکرده بهر حیدر  
شده از بستر خسته مادر،خدایا  
زده جارو با دست کم جان زده شانه بر موی طفلان  
ندارد دردش از چه پایان؟، خدایا  
می‌خواهد   
که از جا به پا خیزد اما سخت است  
بمیرم که دیگر مداوا سخت است  
بمیرم برایش،گرفته صدایش  
حسن شکسته از داغ کوچه‌ها بغل گرفته زانوی غصه را  
فقط بگوید مادر چرا چرا؟  
زهرا زهرا آه از فراق تو

شده تسبیح هرشبم آه براین اندوه و زخم جانکاه  
بخوانم حمد و قل هوالله،خدایا  
شکسته دل را خاطرآتش غم پهلو و جای آتش  
مرا کشته عجِّل وفاتش،خدایا  
می‌آید

علی و زمین می‌خورد بین راه  
به روی لبش ذکر إنا لله...  
چه غمگین، چه جانکاه  
بدون حیدر زهرا مرو مرو چنین غریب و تنها مرو مرو  
جهان من از دنیا مرو مرو  
زهرا زهرا آه از فراق تو

حسنین وارد منزل شدند، اسماء مادر ما کجاست؟مَا يُنِيمُ أُمَّنَا فِي هَذِهِ السَّاعَةِ؛ مادر ما این وقت روز نمی خوابه. صدا زد يَا ابْنَيْ رَسُولِ اللَّهِ،لَيْسَتْ أُمُّكُمَا نَائِمَةً؛ مادر نخوابیده. قَدْ فَارَقَتِ الدُّنْيَا؛ آقا زاده ها بی مادر شدید، پشت وپناه تون رفت، سنگربان ولایت رفت، از این به بعد همه به ولی خدا دست درازی می کنند. اومدن کنار پیکر نیمه جان، حسن خودش رو به روی سینه ی مادر انداخت،يَا أُمَّاهْ كَلِّمِينِي؛ با من حرف بزن دارم می میرم، من حسنتم،. میگه یه وقت نگاه کردم ابی عبدالله صورت کف پای مادر گذاشت صدا زد،يَا أُمَّاهْ أَنَا ابْنُكِ الْحُسَيْنُ كَلِّمِينِي؛ من حسینتم،قَبْلَ أَنْ يَتَصَدَّعَ قَلْبِي فَأَمُوتَ؛ اگر باهام حرف نزنی می میرم. بچه ها رو بلند کرد، برید بابا رو صدا کنید. اومدن کنار مسجد،رَفَعَا أَصْوَاتَهُمَا بِالْبُكَاءِ؛ شروع کردن بلند بلند گریه کردن. اصحاب اومدن. آقازاده ها چی شده؟. یه جمله گفتن،مَاتَتْ أُمُّنَا فَاطِمَةُ ؛ مادر از دنیا رفت. فَوَقَعَ عَلِيٌّ عَلَى وَجْهِهِ؛ علی با صورت به زمین افتاد.

اینجا بچه هات نگاه کردن، بابا با صورت رو زمین افتاد. گذشت، عزیز فاطمه از اسب سرنگون گردید، زینب نگاه کرد، عزیز دلش با صورت به زمین افتاد.

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 06 ـ زمینه[[88]](#footnote-88)

رو شونه هاش می بره زهراشُ خاک کنه

دستای زهرا کجاست اشکاشُ پاک کنه

مولای ما پیش اصحاب گریونه تو آسمون امشب مهتاب گریونه

پیش چش زینب ارباب گریونه

دل دریا، دل بابا، دل طوفانی ابرا

چشمشون به چشم ماهه، کنار تربت زهرا

تو آسمون و زمین ناله و زمزمه ست

علی همه ناله هاش فاطمه فاطمه ست

داره میره شمع خاموش حیدر سنگینه این تابوت رو دوش حیدر

با این که بیداره بیهوشه حیدر

بی بهونه، روی گونه، زده شبنم دونه دونه

به دل کوچیک زینب، گل غم زده جوونه

زینب شده مادر هم حسین هم حسن

قراره فردا بشن بی حرم بی کفن

پر می کنه زینب جای زهرا رو  مادر بهش گفته داغ فردا رو

به نیزه می بینه انگار سرها رو

دلم از غم، شده پاره، گل من کفن نداره

چقدر ناله زدم من،  سه ساله زدن نداره

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 07 ـ زمینه[[89]](#footnote-89)

با جای خالی تو، دلم پُر از خون شده خونۀ صبر علی، بعد تو داغون شده

کار غسلت چه سنگینه برای من

خون می باره با داغ تو چشای من

باور ندارم، بی تو بمونم عزیزم باور ندارم، که روی تو خاک می ریزم

بهار خونم، بی تو اسیر پاییزم

بعد تو با هر قدم، سهم دلم غم میشه رفتی و با هر نفس، عمر علی کم میشه

خونه بی تو چه دلگیره شکسته پر

سخته بودن بدون تو منم ببر

پاشُ نیگا کن، با غم تو خون می بارم تو شهر غربت، بدون تو کم میارم

سر غریبی، بروی زانو می ذارم

تو زیر خاکی و من، رو خاک غم می شینم توی چشای زینب، چه غربتی می بینم

چشم زینب پُر از خونه با گریه ها

با نگاهش دلم پَر زد تا کربلا

تو رفتی و من، می مونم و غربت و آه تو رفتی و شد، روزِ سپیدمون سیاه

می بینمت باز، فاطمه توی قتلگاه

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 08 ـ زمینه[[90]](#footnote-90)

خبر رفتنت اومد، تا که شنیدمش مُردم

یه تیکه راه مسجد رُ ، تا خونه هی زمین خوردم

چشما تو وا کن و ببین عذابمُ باشه تو هم دیگه نده جوابمُ

خاکت کنم با چه دلی یا فاطمه أنا علی

پسر عموت شکست پشتش، توی غم تو خانومم

پاشُ یه کاری کن زهرا، می دونی خیلی مظلومم

تنهاییمُ ببین اگه میشه نرو آخه چجوری من کفن کنم تو رو

وقت وداع شده ولی یا فاطمه أنا علی

وصیتا تو می دونم، غم دلم رُ می دونی

دمای آخری خیلی، برا حسین پریشونی

این لحظه ها بیا من و تو روضه خون گریه کنیم باهم برا حسینمون

رو سینه شه چه قاتلی یا فاطمه أنا علی

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 09 ـ زمینه[[91]](#footnote-91)

باید قبول کنم که دیگه میری و نگاه گرم تو ازم می گیری و

ولی بازم میگم که نه قبول نکن با اینکه می دونم داری می میری و

می دونم مسافری، ولی نمی دونم بدون من می خوای کجا بری

چند روزه، که بار این، سفرُ بستی و برای پر زدن تو حاضری

حرف از من چرا زدی، چیزی نمیگذره از اون روزی که خونم اومدی

می خونم نگاه تو، می خوای بری ولی بخاطر علی مرددی

مرو مرو دلم به تو خوشه فراق تو علی رُ می کُشه

یا زهرا مرو مرو مرو

دلم گرفته از زمونه دلخورم دارم روزای خوبمونُ می شمرم

همون روزا که این روزای تلخ و سرد یه لحظه هم نبوده تو تصورم

می دونم دلت پُره، از اون روزی که رفتی توی کوچه غصه می خوره

اینها رُ حسن نگفت، می دونی شاهدم چیه خاکای روی چادره

این چادر نشونیه، تموم خیمه های روضه های آسمونیه

این چادر همونیه، که توی قتلگاه کربلا می بینی خونیه

مرو مرو دلم به تو خوشه فراق تو علی رُ می کُشه

یا زهرا مرو مرو مرو

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 10 ـ زمینه[[92]](#footnote-92)

می دونی چه دلتنگم، می دونی چه دلگیرم

می دونی پُر از دردم، بدون تو می میرم

مرو پس از تو من خونه نشینم مرو تنها ترین مرد زمینم

مرو نفس نمونده توی سینه ام

جونم بر لبه، روزم چون شبه ذکرم بعد تو، امون از دل زینبه

بی تو می مونم تنها، دلمُ بهاری کن

افتاده علی از پا، پاشُ و یه کاری کن

بمون تویی که تنها یارم هستی بمون یه عمریه کنارم هستی

بمون تو شور ذوالفقارم هستی

اشکام کوکبه، ذکرم یا ربه نجوای حسن، امون از دل زینبه

زندگی من بی تو، سوت و کور و خاموشه

زینب چهار ساله ات ، رخت عزا می پوشه

ببین رنگ پریدۀ گلامُ ببین اشکای چشم بچه هامُ

ببین شهید دشت کربلامُ

در تاب و تبه، جونش بر لبه ذکرش زیر لب، امون از دل زینبه

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 11 ـ زمینه[[93]](#footnote-93)

کجاست مادر ما نداریم دیگه طاقت اسماء

نگو خوابه هیچ وقت نمیخوابه این ساعت اسماء

وای می شنوی صدامُ مادر

وای حرف بزن دوباره با سر

مُردم آخر

دیگه چشمت به تابوته هنوز دستات رو پهلوته

اونیکه میکشه ما رُ جراحت های بازوته

وای ای خدا سایۀ رو سرم رفت وای تو جوونی خدا مادرم رفت

دیگه تو مدینه نمی پیچه راز و نیازش

بمیرم بگو که چرا سرخه چادر نمازش

وای یه نفس بکش دوباره

وای ببین از غم توداره

خون میباره

دیگه خونه غم انگیزه پُر از برگای پاییزه

چرا از باغِ زخم تو هنوزم لاله می ریزه

وای رفتی و نور چشم ترم رفت وای ای خدا سایۀ رو سرم رفت

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 12 ـ نوحه [[94]](#footnote-94)

ای ز چشمت جاری اشک دانه دانه روی زانو سر مگیر ای مرد خانه

می روم حاجت بگیرم خنده رو باش ای امیرم

تا که من راحت بمیرم ای علی جان

الوداع مظلوم عالم

جز همین یک نالۀ عجّل وفاتی در مدینه کو دگر راه نجاتی

بازویت را آن که بسته بازوی من را شکسته

جای تو حالا نشسته ای علی جان

الوداع مظلوم عالم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 13 ـ واحد سبک[[95]](#footnote-95)

زینب سرش روی دیوار شد رو سرم خونه آوار

مردم همه خواب خوابن از گریه این خونه بیدار

از داغ تو رو لبم آه دارم

از بی کسی شکوه با چاه دارم

جز گریه تو خونمون نیست کاری

کُشتن تو رو چون منُ دوست داری

با چشمای نیمه بسته بین نمازش نشسته

هی گفتی عجل وفاتی پیش من دل شکسته

باغ دلم خشک و بی برگ میشه

هر دفعه تا صحبت مرگ میشه

جز گریه تو خونمون نیست کاری

کُشتن تو رو چون منُ دوست داری

سنگینه این غم رو سینه ام تنها ترین مدینه ام

رفتی و تنهام گذاشتی حالا که تنها ترین ام

با این که حال من و درک کردی

تو اوج غربت من و ترک کردی

جز گریه تو خونمون نیست کاری

کُشتن تو رو چون منُ دوست داری

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 14 ـ واحد سبک[[96]](#footnote-96)

یا علی روحی لِروحکَ الفدا یا علی نفسی لنِفسکَ الفدا

یا علی هیهات بشم از تو جدا

نبینم که چشمات پر از غم بشه خدایی نکرده قدت خم بشه

نمی ذارم ای رهبر فاطمه یه تاره مویی از سرت کم بشه

به عَین الله به اذن الله

شده ذکر دلم علی ولی الله

یا علی بودم برای تو سپر یا علی گفتم به موج هر خطر

یا علی هستم شهید پشت در

من و هر چه دارم فدای سرت بمیرم برای دل مضطرت

الهی نباشم نبینم علی خجالت کشیدی تو از همسرت

کبوده روم خونه پهلوم

فدایی توام ای اولین مظلوم

یا علی دیگه تمومه کار من یا علی یادت نره قرار من

مثل شمعی باش سر مزار من

من و درد و داغ و غم و غصه ها من و فکر فردای این بچه ها

تموم غم بچه هام یک طرف من و داغ تشنه لب کربلا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 15 ـ واحد سنگین[[97]](#footnote-97)

دیدی آخر  
من ماندنی شدم، در انتظار تو  
باقی عمرم بگذرد، پای مزار تو  
ای جان من، بر روی شانه می‌روی ماه حیدر، داری شبانه می‌روی  
هم آرام و، هم مخفیانه می‌روی  
امان از این امانتی، که روی شانه می‌برم  
امانتی که پیش از این، قدش چنین نبوده خم  
خدا نگهدار  
  
  
دیگر ای کاش  
بوی خدا دهید، ای کوچه های شهر  
شاید که زهرایی شود، حال و هوای شهر  
ای چشم من، بسته بمان رسوا نشو ای چشم من، لبریز غفلت ها نشو  
ای چشم من، بر هرنگاهی وا نشو  
به ناله های فاطمه، به اشک و آه مرتضی  
از این سیاهی و گناه، مرا رها کن ای خدا  
امان از این غم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 16 ـ واحد سنگین[[98]](#footnote-98)

زهرا زهرا  
شوق پریدنه، تو قلب تو ولی  
پلکی بزن نگاهی کن، به غربت علی  
زهرا زهرا، یا بنتَ خیرِ الانبیاء کلِّمینی، بنتُ النبیِ المصطفی  
بی جوابه، این ناله‌های من چرا؟  
أنا ابنُ عَمِّکِ علی، چشماتو باز کن که بازم  
گریه کنم از غربتت، گریه کنی از غربتم  
بمان کنارم

زهرا زهرا  
امشب چه غصه ای، تو دل زینبه  
گمونم خونده از نگات، که آخرین شبه  
یا می‌میرم، از نفسای آخرت یا می‌کشه، منُ نگاه دخترت  
ببین چطور، پر می‌زنه دور و برت  
ببین که با بغض و سکوت، نگاه زینب چی میگه  
کاشکی می‌شد که پیشمون، می موندی یک کم دیگه  
هستی حیدر

مادر مادر  
چادر نمازمُ، سر می‌کنم برات  
شاید دوباره ببینم، لبخندُ رو لبات  
یادش به خیر، وقتی چادر کردی سرم گفتی چقد، چادر میاد به دخترم  
لبخندت رو، از خاطرم نمی‌برم  
گفتی حجاب حکم خداست، هنوز تو گوشمه صدات  
وقتی که یادم می‌دادی، آیۀ قل لِلمؤمنات  
مادر خوبم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 17 ـ شور[[99]](#footnote-99)

قرار علی ،کجا داری میری بگو بهار علی

یه امشبم بیا بمون کنار علی بدون تو سیاهه روزگار علی

بمیرم برات، این شبه آخری چقدر می لرزه صدات

می خوای بری می فهمم اینُ من از نگات یه فکری کن به حال گریه های بچه هات

دوای حسن، بیا دعا کن امشبُ برای حسن

به دل آتیش می زنه گریه های حسن فقط نزن نزن شده نوای حسن

عزیز دلم، تو بودی و چهل تا آدم بی حیا

با تازیانه می زدند تو رُ بی هوا کُشتی منُ وقتی که گفتی فضه بیا

پناه حسین، ببین چقدر زیاده سوز و آه حسین

دوباره غرق خون شده نگاه حسین قرار بعدیمون تو قتلگاه حسین

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 18 ـ شور[[100]](#footnote-100)

صدیقه، ریحانه، اُم أبیها جانم به همسر مولا

نه فقط مادر سادات، مادر عالم زهرا

عمریه که اینه باورم مادر حسینِ مادرم

میگن تموم نوحه خونا به قول آذری زبونا

جان ننه، جانان ننه، جانیم سنه قوربان ننه

دنیا بی زهرا که دنیا نمیشه حاجتم اینه همیشه

حرمش توی مدینه، با امام حسن یکی شه

روز محشرم با فاطمه ست ذکر دائمم یا فاطمه ست

میگن تموم آسمونا بقول آذری زبونا

جان ننه، جانان ننه، جانیم سنه قوربان ننه

بی بی جان اشکِ چشمامُ نگا کن این عاشق رُ یه دعا کن

یه بارم شده بیا و، پسرم منُ صدا کن

آرزومه تا خدا برم از مدینه کربلا برم

میگن تموم نوحه خونا بقول آذری زبونا

یل یاتار، طوفان یاتار، یتماز حسینین پرچمی

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

فصل هفتم؛ شام غریبان

قسمت اول؛ اشعار منتخب

جواد محمد زمانی

پُر می‌كند خاك از حضورش ساغرش را

سرشار از گُل می‌كند پا تا سرش را

آن روز حتی آفتاب روشنی‌بخش

حس می‌كند دستان سایه‌گسترش را

دیگر نیازی نیست جبریل غزل‌ها

پنهان كند در بال، پرواز پرش را

حظ می‌برد جان لحظه‌لحظه از حضورش

حس می‌كند دل لحظه‌لحظه محضرش را

می‌آید و می‌آورد از سمت یثرب

همراه خود عطر دعای مادرش را

آن مادری كه مثل چشمه مثل رود است

از دامن خورشید ما تُهمت زدوده‌ست

یعنی كه گفتند ابتر است اما چنین نیست

انگشتر پیغمبر ما بی‌نگین نیست!

اكنون خدا را شكر بی كوثر نماندیم

این انقلاب ماست ما ابتر نماندیم

امروز در بیروت نسل تازه داریم

در غزه از روح حماس آوازه داریم

بانو! جوانانت خط شب را شكستند

با راه فرزندت خمینی عهد بستند

لب تر كنی در معركه جان می‌سپارند

ای هاجر! اسماعیل‌هایت بی‌قرارند

ای نور تو شمع دل‌افروز پیمبر

مزد عبادات چهل روز پیمبر

با آن جلالت پای پر آماس؟ آری

دستان پینه‌بسته و دستاس؟ آری

بانو چقدر این سادگی را دوست داری

پیش از سفر آمادگی را دوست داری

بس كن! چقدر از حسرت دیدار گفتن؟!

وقت دعا «الجّار ثم الدّار» گفتن؟!

رفتی و عمر عشق را كوتاه كردی

رفتی علی را همنشین چاه كردی

امشب بیا و مرتضی را یاوری كن

زینب پریشان است زهرا مادری كن

آخر جگر از ماتم تو لخت‌لخت است

آه ای شهیده غسل بازوی تو سخت است

صبرم ز كف رفت از غم بازو! بمیرم

من ماندم و خونابه‌ی پهلو! بمیرم

امشب علی اندوه و رنجش قدر كوه است

از بس كه تشییع جنازه باشكوه است!

جسم تو را شب می‌برم بیرون ز خانه

یعنی به دور از چشم مردم، مخفیانه

سلمان! اباذر! آتش از دل‌ها بگیرید

امشب سرِ تابوتِ زهرا را بگیرید

سخت است صحبت از قضایا با محمد

این مرتضی و این امانت یا محمد

امشب علی دُختِ شما را بازگرداند

آری امانت بود زهرا، بازگرداند

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

سعید حدادیان

به مسلخ می برند این تیره روزان ، روشنایی را

سلاح خویش می سازند این زهد ریایی را

خدا تنها در این عالم به دست یک نفر داده ست

زکار حضرت مشکل گشا، مشگل گشایی را

شگفتا ساقی دل خون به کوثر می شود مدیون

که از طوفان نهر عشق، دارد این رهایی را

زهی بانوی بی همتای آتش سوز دریا دل

که دارد خاکسار خویش ، مرغان هوایی را

گل ((خیر العمل)) چیده ست ((حورالعین)) ز چشمانت

که از ((خیر البشر)) بو برده ای ((خیر النسایی)) را

خدا را شعله ها از عشق تو در جان قرآن است

که دائم گرم می دارد چراغ ((هل اتی)) یی را

چراغ روشن هفت آسمان کرده ست نور تو

به دست مصحف خاتم ، نگین ((انما)) یی را

شب تشییع تو فریادها در حنجره می سوخت

به گوش مردم عالم رساندی بی صدایی را

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

رحمان نوازنی

چشم مهتاب گریه می کرد و

نیمه شب آب گریه می کرد و

در طواف شکسته پهلویی

مثل گرداب گریه می کرد و

گریه ها گر چه بی صدا بودند

دل بی تاب گریه می کرد و

مادری پا به پای طفلانش

باز در خواب گریه می کرد و ...

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

موسی علیمرادی

شام غریبی و تک و تنها شدن رسید

هفت آسمان به سینه مولا محن رسید

میگفت قطره قطره اشکش چرا چرا

رفتن رسید بر تو و ماندن به من رسید

با گریه کار غسل شبانه شروع شد

با گریه آستین همه بر دهن رسید

آرام و بی صدا چقدر لطمه میزدند

تا روی سنگ غسل غریبی بدن رسید

مانند باغ لاله شده سنگ غسل او

از بس که لاله لاله گل از پیرهن رسید

اسفند روی آتش غم بود دختری

تا جامه بهشتی مادر کفن رسید

هنگام پر کشیدن تابوت فاطمه

تشییع جسم پرپر هر چار تن رسید

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

مهدی رحیمی

شب بود و می رفتند مادر را بشویند

با اشک ها جان پیمبر را بشویند

تطهیر می شد آب در واقع چراکه

با آب بی معنی ست کوثر رابشویند

باران ضرر دارد برای یاس سالم

اینها چگونه یاس پر پر را بشویند؟؟؟

گیرم که شستند و به خاکش هم سپردند

فردا چگونه پهلوی در را بشویند؟

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

عباس احمدی

گرچه در این شام غم، ماه عزا کامل است

در دل تاریک شب، غسل و کفن مشکل است

سیلی طوفان به باغ، هست مصیبت ولی

اوج غم باغبان سوختن حاصل است

رود به هر جا روَد عاشق دریا شود

موج به هرجا زنَد، دلخوشی اش ساحل است

وای که دارد اجل حلقه به در می زند

در خم دیوار و در، پهلوی او حائل است

او گه گلوبند اوست، موجب عتقُ العبید

اوست که افطار او شام شب سائل است

آه که در کربلا حادثه تکرار شد

دید سری روی نی در جلوی محمل است

تیر و سنان می زند بوسه به چشمان او

دست عمود حدید بر رخ او مایل است

گفت که دستان من پیشکش کوچکی است

جان به فدای حسین تحفه ناقابل است

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

امیر یوسفی مقدم

وقتش شده غسلت دهم زهرا چگونه

گفتی که در شب، یکه و تنها، چگونه

با کودکانت گفته ام آرام گریند

با دیدن پهلوی تو اما چگونه

هرچند با من از غم کوچه نگفتی

پیداست از این صورتت کآنجا چگونه..

یا مصطفی! او را امانت داده بودی

حالا ببین پس میدهم او را چگونه

یا مصطفی! من پای عهدم صبر کردم

اما کنون در ماتم زهرا چگونه...

زهرا! حسن. زهرا! حسینت را نظر کن

رحمی نما! دل می کنی از ما چگونه

رفتی ولی یار غریبی های حیدر

زنده بماند حیدرت حالا چگونه

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

حسن لطفی

نسیم آرامتر خوابیده بانو

مزن پروانه پر خوابیده بانو

دگر رخصت نیازی نیست جبریل

مزن دیگر به در خوابیده بانو

دو چشمت را به دست بسته بستم

تو را با هق هقی پیوسته بستم

مبادا پهلویت خونین شود باز

خودم بندِ كفن آهسته بستم

ندارم چاره با آهم بسازم

فقط با درد جانكاهم بسازم

ز چوبی كه نشد گهواره باشد

دو تا تابوت می خواهم بسازم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

حسن لطفی

اسماء بریز آب که قلبم مذاب شد

این مرد از خجالت این چهره آب شد

اسماء بریز آب که آتش گرفته ام

دیدی چگونه خانه من هم خراب شد

دریاب حال کودکانِ خودت را ببینشان

با گریه آستین سر دندان گرفته اند

حالا كه وقت بردن تابوت مادر است

از من نشان خانه ی سلمان گرفته اند

حالا عزای کندن قبر گرفته ام

حالا برای بردن تابوت مانده ام

این جای تیغ کیست که بر بازوی تواست

این نقش دست کیست که مبهوت مانده ام

آه ای غرور من پس از این وقت تسلیت

لبخندها به دیدن یار و تو می رسند

برخیز ذوالفقار نبرد مرا ببند

فردا برای نبش مزار تو می رسند

باید که چند قبر برایت درست کرد

باید مرا به جای تو در قبر جا دهند

دست پدر رسید تو را گیرد از علی

شاید که زخم آتش در را شفا دهند

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

غلامرضا سازگار

گل من چون تو را در گل بپوشم

ز هجران تو خــــــون دل بنوشم

در ایـــــــام جوانی قسمتم شد ...

که تــــابوت تو را گیرم به دوشم

دعایی زیر لب دارم شبانه ...

تو آمین گوی ای ماه یگانه

الهی هیچ مظلومی نبیند ...

عزیزش را به زیر تـــــازیانه

بیا با هم نمــــاز شب بخوانیم ...

دعای دل به تاب و تب بخوانیم ...

کتاب قصّه ی غم های خود را ...

نهــان از دیده ی زینب بخوانیم

به خاک افتاده جسم اطهرش بود ...

به روی دامـــــــن فضّه سرش بود ...

میـــــــان آن همه رنج و غم و درد ...

به فکر غصّه هـــای شوهرش بود

غمت برده ز دل تاب و توانم

تو رفتی من چرا بـاید بمانم

گلویم آنچنـان از گریه بسته ...

که نتوان بهر تو قرآن بخوانم

چرا بــال و پر مـا را شکستی

نهــــال بی بر مـا را شکستی

الهـی بشکند قنفذ دو دستت

که دست مادر ما را شکستی ...

نگاه نــــــور عینت آتشــــــم زد

تمــــــاشای حسینت آتشم زد

تنت را در کفن پیچیدم آن شب

سکــــوت زینبینت آتشــــــم زد

فلک دیدی چه خاکی بر سرم کرد

به طفلی رخت مــــاتم در برم کرد

الهـــــــــــی بشکند دست مغیره ...

که در این آستــــان بی مادرم کرد

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

قسمت دوم؛ گلچین مجالس مداحان

ترک 01 ـ روضه[[101]](#footnote-101)

دارد نشانه از حرم بی نشانه ات

تشییع مخفیانه و دفن شبانه ات

باب تو باب وحی در رحمت خداست

چون شد که قتلگاه تو شد آستانه ات

نه در اُحد ، نه در دل صحرا ، نه در بقیع

حتی تو حق گریه نـداری به خانه ات

از خیمه هـای سوختـه ی کربـلا گذشت

آن آتشی که سبز شد از آشیانه ات

در پیش چشم فاتح بدر و اُحد زدند

گه بـا غلاف تیغ، گهی تازیانه ات

حق داشتی خمیده شوی چون هلال ماه

ای کوه غصه های علی روی شانه ات

صد بار جان فشاندی و در یاری علی

دیدند بـاز جانب مسجـد ، روانه ات

ای حامی علی که گمان داشت شوهرت

با دست خـویش دفـن کنـد مخفیانه ات؟

وقتی که دست خصم به رویت بلند شد

افتــاد لرزه بـر بدن نازدانه ات

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 02 ـ روضه ناب [[102]](#footnote-102)

قهرمان خیبر باشی، دلدل سوار عرب باشی، لا فتی الا علی لا سیف الا ذوالفقار باشی، تو یک روز نود زخم بخوری خم به ابرو نیاری. اما امشب کار علی به جایی رسید، می خواست بدنُ بشوره دستاش می لرزید. اسماء داره آب می ریزه یه دفعه دیدن علی سر به دیوار گذاشته. آقا چی شد؟ دیدن هی زیر لب میگه الهی دستت بشکنه قنفذ، ببین با بازوی فاطمه چه کردند. یک بدنُ بخوان دفع کنند تا پزشک اجازه نده دفع نمی کنند، باید مجوز صادر بشه. باید علت مرگ مشخص باشه. از امام باقر پرسیدن مادر هجده ساله شما چرا به شهادت رسید؟ حضرت فرمود سبب شهادت مادرم اون ضربه های غلاف تو کوچه هاست.

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 03 ـ زمینه[[103]](#footnote-103)

ما حال دل بابا رو بعد از شب دفن تن مادر میدونیم

وقتی که میره از خونه بیدار میشیم و روضۀ مادر میخونیم

دل همه تو ناباوری              چش همه گریونه

شب اول بی مادری              خونه مثه زندونه

یادش بخیر

خنده روی لبهای مادر               روی نون جای دستای مادر

مهربونیه چشمای مادر

هر شب یکی از ما توی تاریکی میره همراه بابا زیارت

تا مخفی بمونه جای مادر شبا میریم به مزارش به نوبت

بی نهایت غصۀ بابا            ناتمومه این غربت

میبره سر قبرش شبا          یکیمونُ هر نوبت

یادش به خیر

عطر گل های توی سجادش        جای وصله چادر سادش

نور صورت و روح آزادش

این آخریا نیمه شبا بین دعا دستشُ بالا می آورد

از غصه و بی تابی و دلواپسیه بچه ها خوابش نمی برد

بالای سر بچه اش میذاشت            کاسه پر از آب و

شبا برای زینب میخوند           روضه های ارباب و

یادش بخیر

روضه خوندن مادر ارباب          برای دم آخر ارباب

برای تن بی سر ارباب

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 04ـ زمینه[[104]](#footnote-104)

بی سرو سامون شده حیدر  روشونشه تابوت مادر

ای گل یاس زود شدی پرپر مادر مادر مادر

تن نحیف و زار تو بین، تابوته

تو اوج غصه و بلا بابا، مبهوته مبهوته مبهوته

پشت سر تابوتت  جبرئیل گریونه

با گریه داره بابا    زیر لب میخونه

در وسط  کوچه تو را میزدند ؛ فاطمه فاطمه

کاش بجای تو مرا میزدند؛ فاطمه فاطمه

بغض عجیبی تو گلومه      روضه ی کوچه روبرومه

کار دل علی تمومه مادر مادر مادر

از تابوتت می باره باز ای وای، خونابه

داره می لرزه زانوی بابا، بی تابه بی تابه بی تابه

روی سرش میریزه            خاک قبرِ مادر

می شنوه بابا امشب   می خونه پیغمبر

 گوشه ی چشم تو چرا شد کبود؛ فاطمه فاطمه

فاطمه جان مگر گناهت چه بود؛ فاطمه فاطمه

یه دنیا غم به دل می شینه      راحت شدن اهلِ مدینه

ازناله ی شکسته سینه مادر مادر مادر

چشماشو بست و پر کشید مادر، شبونه

هوای خونه ابریه هر دم، بارونه بارونه بارونه

رفتی و دیگه بابا   بی قراره مادر

ز پا نشسته میگه   پهلوون خیبر

خیز و ببین خانه ی خاموش من؛ فاطمه فاطمه

ناله ی طفلان سیه پوش من؛ فاطمه فاطمه

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 05 ـ نوحه[[105]](#footnote-105)

دل شکسته شدم دلبرم رفت بی قرارم که همسنگرم رفت

بانوی خانه ام را گرفتند ای خدا همسرم از برم رفت

از نفس افتاده علی این شده فریاد علی

پاشُ که جان داده علی

الوداع یار غریبم

ماجرا را نگفتی چه بوده است از کفم صبر من را ربوده است

تازه باید بفهمم عزیزم فاطمه دور چشمت کبوده است

به درد خو گرفته ای بغض گلو گرفته ای

باز که رو گرفته ای

الوداع یار غریبم

پیکرت جز جراحت ندارد محتضر که عیادت ندارد

به حسینت حواس علی هست اینکه دیگر وصیت ندارد

داغ من و تو این غم است غصۀ کل عالم است

فاطمه یک کفن کم است

الوداع یار غریبم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 06 ـ نوحه[[106]](#footnote-106)

غرق غم گشته حیدر      از غم یاس پرپر[[107]](#footnote-107)  
دختری دم گرفته   ذکر مادر  
مادر قد کمانی       رفته در بی نشانی  
بوده رویش ز غربت ارغوانی  
فاطمه  ام ابیها  
  
خانه ام سوت و کور است      خانه ها غرق نور است  
بستر و میخ و دیوار روضه جور است  
بی وفا ای مدینه        تا چه حد ظلم و کینه؟  
جا نگردد غم او بین سینه  
فاطمه  ام ابیها  
  
خیره گشته حسن بر       رد افتاده بر در  
زیر لب دم گرفته ای وای مادر  
بهر دیدارت زهرا      شد  حسینت در آوا  
قطره ای آب ننوشد نیمه شب ها  
فاطمه  ام ابیها

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 07 ـ دم پایانی [[108]](#footnote-108)

یاد شب های بقیع، یاد قبری بی نشان  
آتش زد بر جانمان، زهرا یا زهرا  
دلتنگی های حسن، بغض لرزان حسین  
اشک چشم زینبین، غمهای مولا  
اشک ما نذر روضۀ زهراست چادر خاکی شروع کرب و بلاست

ما با شهیدان عشق، پیمان خون بسته ایم  
عهد خود نشکسته ایم، الحمدلله  
در غوغای فتنه ها، ماییم و امر ولی  
ماییم و راه علی، الحمد لله  
دم به دم ما را شور عاشوراست سوز این دلها ز تربت شهداست

ما و عشق و انتظار، تا باز آید آن سوار  
در دستانش ذوالفقار، بقیه الله  
خورشید فردا بیا ، آرام دلها بیا  
فرزند زهرا بیا، یا حجه الله  
می رسد مولا مهدی زهرا می شود پیدا مزار مادر ما

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

فصل هشتم؛ وفات حضرت (ام البنین سلام الله علیها)

قسمت اول؛ برگی از تاریخ

محوریت کار حضرت ام البنین سلام الله علیها، محوریت ولایت و محبت بود، ندیدن خودش و دیدن امامش. ایشان در مکتب امیرالمؤمنین علیه السلام تربیت پیدا کردند. امام علی علیه السلام علم ماکان و مایکون داشتند نیازی نبود در رابطه با ازدواجش از عقیل سوال بپرسد، اما از عقیل می پرسد تا به ما حرمت ریش سفیدی را بیاموزد. معیارهای ازدواج امام علی علیه السلام ثروتمند بودن و زیبایی نبود، معیار ازدواجش اصالت داشتن است، معیار بعدی ایشان این است که همسرش از تباری باشد که شجاع باشند. پدربزرگ حضرت ام البنین سلام الله علیها در بین اعراب بعد از امیرالمؤمنین علیه السلام شجاع ترین فرد شناخته می شد.

زندگانی حضرت ام البنین سلام الله علیها بسیار مختصر است، اما از همین مختصر دریافت می شود که آنچه برای حضرت ام البنین سلام الله علیها محور است اهل بیت علیهم السلام هستند نه خودشان، لذا بلافاصله پس از حضرت زهرا سلام الله علیها به عقد امیرالمؤمنین علیه السلام در نیامدند، وقتی که این ازدواج فراهم شد ورود ایشان به خانۀ امیرالمؤمنین علیه السلام مصادف بود با بیماری دو جوان امام علی علیه السلام یعنی امام حسن و امام حسین علیهما السلام و این بی بی مشغول پرستاری از ایشان شدند.

نوشته اند که ایشان شب ها را بیدار می ماند تا اینها از بستر بیماری بلند بشوند. در گریۀ بر اباعبدالله علیه السلام هم ام البنین سلام الله علیها از سابقون است. ببینید حضرت ام البنین سلام الله علیها چه جایگاهی داشتند که حضرت زینب سلام الله علیها که خودش صاحب مصیبت است می رود و به حضرت ام البنین سلام الله علیها تسلیت میگوید.

تاریخ به صراحت نوشته است که زینب کبری سلام الله علیها پس از امیرالمؤمنین علیه السلام تمام اعیاد را به دیدن حضرت ام البنین سلام الله علیها می رفتند و بعد از جریان ورود به مدینه هم به خانۀ ام البنین سلام الله علیها برای عرض تسلیت می رفت[[109]](#footnote-109).

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

قسمت دوم؛ اشعار منتخب

اصغر چرمی

این بانوی روضه خوان دلش پر شرر است  
از مرحمت همسر خود با خبر است  
 شاید که دم مرگ ببيند او را  
تا لحظه ی ارتحال چشمش به در است

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

محمود ژولیده

خون قلبم نه ز داغ پسرم ریخت حسین

آسمان از غم تو روی سرم ریخت حسین

خواهرت گفت که از نیزه دهانت خون شد

ناگهان بند دل از این خبرم ریخت حسین

من شنیدم بدنت زیر سم اسبان رفت

تنت انگار که پیش نظرم ریخت حسین

گفت راوی که جگر گوشه اَت ارباً ارباست

از دلم سختیِ داغ پسرم ریخت حسین

مادر آن است که یار غم زهرا بشود

پس چه بهتر که به پایت ثمرم ریخت حسین

آب اگر ریخت ز مشک پسرم ، شرمنده...

آبرو بود که از چشم ترم ریخت حسین

مرغ باغ ملکوتِ تو شده عباسم

او به پرواز شد و بال و پرم ریخت حسین

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

موسی علیمرادی

آنقدر از آب خواندی تا دل سنگ آب شد

با نوای روضه ات عرش خدا بی تاب شد

مادر ماهی و در دریای اشک افتاده ای

نه غلط گفتم که ماه از اشک تو غرقاب شد

مشک چشمت تیر خورده آنچنان از دست غم

کز لب چشمت هزاران علقه سیراب شد

روضه میخوانی کناره گاهواره، ای رباب

عفو کن شرمنده ام طفلت اگر بی خواب شد

دستهای آرزویت را شکستندآه آه

پشت مولا را شکستن از مدینه باب شد

ماهی دریای غیرت صید شد در علقمه

تا که مشک آبرویش طعمه قلاب شد

آنقدر خون گریه کردی پای داغ آفتاب

لاله بر قبر  شهیدان ریختن آداب شد

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

علی انسانی  
گمان مکن پسرت ناتنی‌برادر بود

قسم به عشق، کنارم حسین دیگر بود

منال ام بنین و ببال بر عباس

تو شیرمادر و شیر تو شیرپرور بود

سقوط قلعه‌ی خیبر اگر به نام علی‌ست

فرات، خیبر دیگر؛ یل تو حیدر بود

ز شام تا به سحر دور خیمه‌ها می‌گشت

که ماه هاشمیان بود و مهرپرور بود

به لرزه بود از او پشت هفت‌پشت ستم

یل تو یک‌تنه یک تن نبود، لشکر بود

به جای دست روی چشم خویش تیر گذاشت

ببین که تا به چه حدی مطیع رهبر بود

اگر فتاد روی خاک می‌شود پرپر

ولی گل تو روی شاخه بود و پرپر بود

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

وحید محمدی

ای مادر بهشت تو را غصه ها شکست

هر بار بی قراری زینب تو را شکست

هر بار یاد فاطمه کردی دلت شکست

وقتی دلت شکست، دل مرتضی شکست

ای هم نفس ترین علی بعد فاطمه

قلبت میان غربت یک ماجرا شکست

ده سال پیر قصه ی اشک حسن شدی

از زخم هر زبان که دل مجتبی شکست

وقتی حسین رانده شد از شهر مادریش

باید نوشت حرمت آل عبا شکست

عباس شد ستاره دنباله دار تو

تا کربلا رسید، و در کربلا شکست

یک عمر گریه کردی و گفتی فقط حسین

ای مادر بهشت تو را غصه ها شکست

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ناصر شهریاری

مثل او در زمین نباشد کس

بر علی همنشین نباشد کس

محرم مرتضی پس از زهرا

غیر ام البنین نباشد کس

ادبش بی مثال در دنیا

عشق او بی نظیر بر مولا

در میان زنان شهر ، فقط

اوست مقبول حضرت زهرا

اوست دلدار ساقی کوثر

دامنش ماه هاشمی پرور

گر چه گفته منم کنیز علی

اوست زهرای دیگر حیدر

چقدر ناله اش شرر دارد

چقدر آه در جگر دارد

مادری که به جای جای دلش

داغ یک کربلا پسر دارد

پسرانی همه امام شناس

همگی با ادب ، پر از احساس

بین آنها یکی شده چون ماه

که بود ساقی حرم عباس

گفت روز وداع : عباسم

خوش قد و قامتم ، گل یاسم

نکند بی حسین برگردی

من به جان حسین حساسم

می روی کربلا ابوالفضلم

غرق شور و نوا ابوالفضلم

نزد زهرا و مرتضی آنجا

روسپیدم نما ابوالفضلم

روضه اش بوی فاطمه دارد

هق هق و گریه ، همهمه دارد

هر که گرید برای ام بنین

روزی از شاه علقمه دارد

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ابوالفضل طاهری

ای که نامت زینت عرش برین

ماه  با نوی سماوات و زمین

فاطمه نامی و هم ام البنین

قوت قلب امیر المومنین

**خوانده ای خود را کنیز فاطمه**

**در عمل ثابت نمودی بر همه**

عشق و ایمانت نه از احساس بود

در کلامت عطر ناب یاس بود

راحت جان تو خیر الناس بود

افتخارت حضرت عباس بود

**او گل یاس گلستان ولاست**

**بچه شیر بیشه شیر خداست**

بذل و ایثار و کرم در خون تو

عفت و شرم و حیا مرهون تو

تا ابد عشق و وفا مدیون تو

جود و احساس و ادب مجنون تو

**بحر تقوا را تو زیبا گوهری**

**نخل ایمان علی را باوری**

آری آری تو دلاور مادری

بحر ایمان را تو زیبا گوهری

سرفراز از امتحان داوری

همسر عشق آفرین حیدری

**فخر طاهر این بُود روی زمین**

**شد غلام کویت ای ام البنین**

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

علی اکبر لطیفیان

کبوتر مدینه پر نداره؛

خونه م ستاره و قمر نداره؛

"دیگه من و ام البنین نخونید"

ام البنین دیگه پسر نداره؛

غصه و ماتم من و میبینن

اوضاع درهم من و میبینن

اونایی که محو رشیدیم بودن

حالا قد خم من و ...

کشته شدن ولی خبر نداشتم

به هیچ کدومشون نظر نداشتم

تا می بینید من و بگید:"حسین جان"

اصلاً خیال کنید پسر نداشتم

دلم شکسته؛ می دونم شکسته

قدم کمونه؛ گمونم شکسته

روزا میام تو آفتاب می شینم

از چار طرف سایه بونم شکسته

همه ش می گفت: برام گلاب نیارید

من و دیگه پیش رباب نیارید

سر مزار من اگه اومدید

هر چی میارید دیگه آب نیارید؛

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

محمد کاظمی نیا

همسایه های لقمه ی نانت فقیرها

سجاده ی عروج تو تکه حصیرها

"انفاق" خُلق اوست که همسفره ی علی است...

بر همسر امیر نیاید حریرها

راه کمال تو به کنیزی زینب است

اینجا برای قرب، جدا شد مسیرها

تازه شروع کرب و بلای مدینه است

وقتی که می رسند به یثرب اسیرها

در پاسخ سوال "حسینم چه شد؟" هنوز

لکنت گرفته است زبان بشیرها

باید کنار "ام بنین" گفت "فاطمه"

تا چشمه سار ساخت ز چشمِ کویرها

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

محمد قاسمی

یک گوشه ی بقیع کنار چهار قبر  
مشغول گریه زاری و سرگرم مرثیه  
لا تَدْعُوِنِّی ات زده آتش به قلبها  
ای بهترين ادامه ی زهرای مرضیه  
                  
دور و بر تو بال زنان، هر کبوتری  
از ناله ی تو ناله ی جانکاه می کشد  
با شاه تيرهای خود او روی بوم خاك  
تصویری از عمود و سر ماه می کشد  
          
مقتل نوشته است كه مروان سنگ دل  
از سوز گریه ی تو زمین گیر گشته است  
خانم شما شنيدی و از هوش رفته ای  
پس حق بده، عقيله اگر پير گشته است  
             
عمری گریستی به پسرها نه، بر حسین  
تنها دم از غریبی دلدار می زدی  
هر وقت روضه خوانی تان با سكينه بود  
سقّای روضه می شدی و زار می زدی  
  
هربار ظرف آب گرفتی به دست خود  
سردی آب، جان و دلت را كباب كرد  
تكرار كرد با تو، نه يك دفعه، بارها -  
- كاری كه آب روز دهم با رباب كرد  
  
از چار تا رشید دلاور نصیب تو  
از دشت کربلا سپری تکه تکه است  
در سوگ لاله های بدون سرت فقط  
سهمیّه ی شما جگری تكه تكه است  
\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

علیرضا خاکساری

بانگاه لطف تو من صاحب دیوان شدم  
شاعری غافل شود از تو، پشیمان میشود

چهره ی زهرایی ات همواره ثابت میکند  
هر که "زهرایی" شود خورشید تابان میشود

مادر باب الحوائج خانه ات دارالشفاست  
ارمنی در روضه های تو مسلمان میشود

آب کردی قلب سنگی را میان نوحه ات  
دشمنت هم پای این مرثیه گریان میشود

پا به پای ناله ی جانسوز هر روز رباب  
فکر و ذکرت مشک آب و کام عطشان میشود  
 "با لبی تشنه سرت را از قفا... ای نور عین"  
اینقدر با خود نخوان زینب پریشان میشود

"یااباالفضلی" بگویی حضرت ام البنین!  
درد هر کس که دخیل آورده درمان میشود  
مادر عباس های بی نظیر عالمی  
یک نفر از نسل تو "عباس دوران" میشود

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

محسن حنیفی

غصه ها بر روی پیشانیش چین انداختهگریه ها از پای او را اینچنین انداختهچار فرزند او فدای پنج تن آورده استسفره نذریست که ام البنین انداختهمادر باب الحوائج دارد از دریا گلهچون که دریا روی او را بر زمین انداختهعاقبت چشم حسودی لاله اش را زخم زدلاله عباسی او را لاله چین انداختهاو شنیده زینبش افتاده روی خاک هایک نظر بر ساقی نیزه نشین انداختهشرمسارش بوده ساقی، چون که دیده خواهرشپوشیه بر صورتش با آستین انداخته

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

قسمت سوم؛ گلچین مجالس مداحان

ترک 01 ـ روضه[[110]](#footnote-110)

آنکس که زهرا عشق را کرده نثارش

آن مادری که عشق گردیده دچارش

آنکس که بیت خالی از زهرای مولا

رونق گرفت از مهر و لبخند بهارش

آنکس که زینب یافت بعد از مادر خود

در گرمی آغوش و دستانش قرارش

عاشق نه تنها بلکه خود عشق آفرین است

یعنی عزیز فاطمه ام البنین است

عالم به خاک افتادۀ ام البنین است

مهر و وفا سجادۀ ام البنین است

راه رسیدن بر مقامات و کرامات

راه ادب از جادۀ ام البنین است

هر کس که مست کربلا شد شک ندارم

با معرفت از بادۀ ام البنین است

آنقدر که روز قیامت روز، روز

زهرا و دست زادۀ ام البنین است

روز جزا چشمم به احسان اباالفضل

گویم که یا زهرا تو را جان اباالفضل

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 02 ـ روضه[[111]](#footnote-111)

هرچند چندین سال از عاشورا گذشته

طی شد پس از آن عمر بانو با گذشته

باری نشان احتضارش خیس از اشک

سیر مصیبت می نماید تا گذشته

یادش که می آید کنار آب و بی آب

با مشک آب، آب از سر دریا گذشته

آنقدر غرق روضۀ گودال و خیمه ست

زود از کنار روضۀ سقا گذشته

گوید به زیر لب نه تنها جان سقا

عالم فدای موی فرزندان زهرا

در علقمه افتاده مشک پاره پاره

دل کند در خیمه رباب از شیرخواره

شش ماهه با فریاد هل من ناصر آنگاه

افتاد بر روی زمین از گاهوراه

شرمنده بی عباس تنها شد حسینم

آتش کشید از خیمۀ زینب شراره

معجر به غارت رفت دور از چشم سقا

خون می چکید از چشم و جای گوشواره

ام البنین صد بار از شرمندگی مرد

ای کاش عباسم به خیمه آب می برد

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 03 ـ روضه[[112]](#footnote-112)

هر زمانی به میان حرف قمر می آید

پرتوی مادری ات مد نظر می آید

پرورش دادن مردی به بلندای ادب

فقط از عهدۀ دامان تو بر می آید

با وجود پسرانی که همه آقایند

به تو این ام بنینی چه قدر می آید

هرکجا صحبت آب است دلت می سوزد

جای اشک از نگهت خون جگر می آید

چار تا قبر کشیدی بگو اصلا اینها

به قد و قامت آن چهار پسر می آید

لحظۀ آمدن قافله دیدی که فقط

از پسرهای تو یک قطعه سپر می آید

این همه مدت از آن روز گذشته و هنوز

دست تو پیش سکینه به کمر می آید

آه شرمنده اگر حرف اباالفضلت شد

جز حسین از تو مگر حرف دگر می آید

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 04 ـ زمینه[[113]](#footnote-113)

کجایی میوۀ دلم اباالفضل کجایی صاحب عَلَم اباالفضل

کجایی ای ماه حرم اباالفضل

داغ تو شکست کمرم پسرم

آتیش زده بر جیگرم پسرم

از تو دیگه بی خبرم پسرم

ای وای پسرم پسرم پسرم

تویی که تشنه از لب دریا رفتی تو قلب دشمنا تک و تنها رفتی

به نیت زیارت زهرا رفتی

صلی الله علیکَ یابن ام البنین

بمیرم برای دل سکینه می خونه روضه تو برا مدینه

رو دامنش اشکه ام البنینه

مادر فدای تن پرپر تو

مادر بمیره برای سر تو

بالا سر تو دم آخر تو

زهرا اومده جای مادر تو

سکینه و رباب و زینب گریونن برا مدینه روضه ها تو می خونن

برای مشک پاره پاره ات دلخونن

صلی الله علیکَ یابن ام البنین

دل من پریشون زینبینه شب و روز رو لبم شهادتینه

شهادتین من حسین حسینه

ای ساقی کرب و بلای حسین

سر سلسلۀ شهدای حسین

من وقف توام تو برای حسین

روح من و تو بفدای حسین

تو شاهد و شهیدی و عین اللهی تو آخرین فدایی ثاراللهی

تو سر سپردۀ ابا عبداللهی

صلی الله علیکَ یابن ام البنین

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 05 ـ زمینه[[114]](#footnote-114)

توی چشام آی آسمون بارون غربت رو ببین

به منی که بی پسرم دیگه نگید اُمّ بنین

همۀ دلخوشیم که رفت، دیگه نشد برگرده

خبر داغ کربلا، منُ پریشون کرده

تموم لحظه های من مثه دلم پُر درده

پُره غمه اشک چشای من دوباره باز با ناله های من

مدینه شد کرب و بلای من

داره با سوز ناله هام مدینه آتیش می گیره

الهی که ام البنین برا حسینش بمیره

با خبر دست قلم، داره چشام می باره

منُ به آتیش می کشه، غمی که زینب داره

الهی زنده نمونم با خبر گوشواره

خونه شده ماتم سرای من همه شدن غرق عزای من

مدینه شد کرب و بلای من

پا میکشی روی زمین شده شکسته کمرم

اینا تو فکر غارتند پاشُ بریم سمت حرم

یکی میگه عمو کجاست، اینجا پُر از نامرده

یکی میگه آب نمی خوام، بگو عمو برگرده

یکی پا می کوبه زمین، توی نگاهش درده

پاشُ بریم سردار لشکرم پاشُ بریم غارت نشه حرم

پاشُ بریم رحمی به خواهرم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 06 ـ زمینه[[115]](#footnote-115)

تموم هست من بریده دست من غرور و امیدم، سقا[[116]](#footnote-116)  
میدونم مشکت رو خروش اشکت رو گرفته بر دامن زهرا  
بازم روضه خون توأم          بازم پریشون توأم  
بازم همزبون توأم عباس  
حالا که دم رفتنه             شب روضه های منه  
غمم عمود آهنه عباس  
علم افتاد و        علی جون داد و         عدو دلشاد و  
وای    وای مادر   
  
نشستی رو نیزه شکستی رو نیزه ز سوز خیمه و آذر  
چی دیدی شام غم تو موج نامحرم چه کردن از بغض خیبر  
چي بود گناه دخترا    چي شد قصه ي معجرا  
امون ز دل مادرا اي واي  
شده ناله هام بي رمق   بگو چرا اشكاي حق  
مي ريخت نيمه شب تو طبق اي واي  
شب تاریکه       بیا وقتیکه       اجل نزدیکه  
وای    وای مادر   
  
توقع غير از اين نداشتم يار دين عزيزم از چشمات مادر  
میدونم پر دردی نشد که برگردی به باد رفت رویاهات مادر  
اگه نبودم کربلا        مث زینب و بچه ها  
بشم یار خون خدا، مادر  
ولی ندارم واهمه      که من میون اینهمه  
میشم کنیز فاطمه؛ مادر  
میرم از دنیا      منم چون سقا     مدد کن، زهرا  
وای زهرا جان

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 07 ـ نوحه[[117]](#footnote-117)

مثل تو مادری این چنین نیست مثل عباس تو در زمین نیست

بعد کرب و بلا نوحه خواندی نام من دیگر اُم البنین نیست

ز غصه ها جان به لبی مادر شیر عربی

خدای لطف و ادبی

مولاتی یا اُم البنین

زیر بار مصیبت بریدی پیش زهرا ولی رو سپیدی

قامتت خم شده بسکه بانو از سکینه خجالت کشیدی

چرا شکسته کمرت مگر چه آمد به سرت

چه شد دو دست پسرت

مولاتی یا اُم البنین

تو خودت بانوی عالمینی گردن شیعه داری چه دِینی

گرچه دیدی تو داغِ اباالفضل تا ابد روضه خوان حسینی

حسین پیرُهن نداشت کاش فقط کفن نداشت

لباس بر بدن نداشت

یا حسین غریب مادر

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 08 ـ واحد سبک[[118]](#footnote-118)

ما همه هستیم ، غرقه در احساس

سینه زنهای ، مادر عباس

آنکه دارد بوی قرآن ، عطر گلهای کلامش

مادری که تربیت کرد ، چار خادم بر امامش

**مولاتی ام البنین**

در مدینه با سوز عالمگیر

چونکه بشنید از مشک و چشم و تیر

با زبانِ حال و قالش ، گفته با چشمان گریان

چهار فرزندم فدای ، خاک پایت ای حسین جان

**مولاتی ام البنین**

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 09 ـ واحد سبک[[119]](#footnote-119)

پر از صبر و یقین بودم      عصای دست دین بودم  
گذشته دیگه روزایی          که من ام البنین بودم  
ستون خیمه مو از جا در آوردن  
به جای بچه هام چند تا سر آوردن  
سرم بالاست  
به کام بچه هام مرگو عسل کردم         وفا رو تا ابد ضرب المثل کردم  
من اسماعیلهامو روی نی دیدم    که هاجر وعده داد و من عمل کردم  
زمین کربلا خونه عزا یا عید قربونه  
ادا شد نذرهای عید قربانم  
تپش های دلم می گه حسین جانم  
حسین جانم  
  
فرستادم سوی میدون        چهار عاشق تر از مجنون  
به ارباب اقتدا کردن             نماز عشق، وضو با خون  
نه دیگه پر نمیشه جای خالیشون  
حالا من موندم و قبر خیالیشون  
پر از دردم  
بقیعو قتلگاه کربلا کردم                       عزادارای اربابو صدا کردم  
ز داغ بچه هام روضه نمی خونم     مدینه یک حسینیه به پا کردم  
اسیر روضه ی آبم خجل از روی اربابم  
فقط نه غصه از داغ جوون خوردم  
حسین جانم  
  
فقط شکر خدا کردم            که دِینم رو ادا کردم  
سر شیرامو هدیه           به شاه سر جدا کردم  
حسینم زنده بود تا بود عباسم  
که من عباسو خیلی خوب می شناسم  
گل یاسم  
به دستش مشک بود اما کمین افتاد     به تیر حرمله از صدر زین افتاد  
منم افتادم اون وقتی که فهمیدم        حسینم با اباالفضلم زمین افتاد  
بریده، بی صدا می گفت اخا ادرک اخا می گفت  
نبودم علقمه بالا سرش اما  
منو شرمنده کرده حضرت زهرا  
حسین جانم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 10 ـ واحد سبک[[120]](#footnote-120)

خوشا مادری که نماید ، فدای حسین هستی اش را

دهد از سر عشق و ایثار ، برای حسین هستی اش را

من ِ سائلی که ز خیل ِ، محبین حقّ الیقینم

به اذن علمدار بی دست ، ثناخوان ام البنینم

نمودی همیشه ، حمایت ز مکتب

تو آرام ِ جان ِ ، حسینی و زینب

**فاطمه ام البنین**

شرف در طواف حریمت ، ادب کودک مکتب تو

بُوَد لحظه لحظه به هر جا ، حسین یا حسین بر لب تو

به یاد دل غصه دارت ، روان گشته اشک از دو عینم

نوایت همین بود همیشه ، ابالفضل فدای حسینم

نبودی ببینی ، که آخر چه ها شد

ابالفضل فذای ، شه کربلا شد

**فاطمه ام البنین**

نبودی ببینی که عباس ، دو دستش ز پیکر جدا شد

پس از او عدو بی حیا شد ، دگر من نگویم چه ها شد

چو نقش زمین شد ابالفضل ، عزاخانه شد باغ و گلشن

زده دشمن بی مروّت ، به فرقش عمودی ز آهن

روان آب و خون است ، ز مشک و ز دیده

حسین می رود راه ، خمیده خمیده

**یا حسین یابن الزهرا**

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 11 ـ شور[[121]](#footnote-121)

سرشار از نورِ کوثر ، بر علی یار و یاور

در راهِ دینِ خدا ، از شرف دادی پسر

**مولاتی ام البنین**

در بیتِ آل عبا ، گر چه تو بودی عزیز

میگفتی با جان و دل ، من هستم اینجا کنیز

**مولاتی ام البنین**

مادرِ فضل و ادب ، بانوی صبر و ولا

کن دعا که ما رویم ، به زودی کرببلا

**مولاتی ام البنین**

ما در این مسیرِ حق ، طالبِ سعادتیم

به جانِ ابوالفضلت ، عاشق شهادتیم

**مولاتی ام البنین**

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

فصل نهم؛ میلاد حضرت زهرا (سلام الله علیها)

قسمت اول؛ اشعار منتخب

اصغر چرمی

امروز سحاب رحمت حق بارید

شد نسل محمد ابدیّ و جاوید

محبوب ترین مادر عالم زهراست

تا کور شود هر آنکه نتواند دید

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

عیلرضا خاکساری

غصه ها را که میبرم از یاد

واژه در واژه میزنم فریاد

می نخورده به یمن مقدم او

مست مستم در این شب میلاد

باش مصداق "یفرحونَ." که هست

مصطفی شاد مرتضی هم شاد

یکی از صد رسالتش این است

دل ما را کند علی اباد

هرچه دارند از عنایت اوست

رستگار و موید و خوشزاد

هدیه روز مادرم غزلی ست

که فقط نذر خانه دار علی ست

صاحب شعرواره ها زهراست

غزل ناب مصطفی زهراست

پاکی مطلق ست این خانم

اوج تفسیر انما... زهراست

شک نکن که فناء فی الله است

بنده ی غرق در خدا زهراست

علت خلق عالم و ادم

مادر بی نظیر ما زهراست

به خداوندی خدا سوگند

که حساب و کتاب با زهراست

کاظمی، کاوه، باکری، چمران

مادر هر چه جان فدا زهراست

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

رضا تاجیک

دلربای امیر خیر کثیر

انت مولاتنا و نحن فقیر

بهترین آرزوی من این است

که کنی مادری به طفل صغیر

کن دعا نافذ البصیره شوم

قسمت می دهم به روز غدیر

به خدا که خلیله ای بانو

به تمام فرازهای مجیر

هر کجا پا نهی گلستان است

پایتخت غم تو ایران است

عشق یعنی تلاطم دریا

در میان دو دیده ی شیدا

عشق یعنی سفارش طاها

و تلاقی کوثر و مولا

عشق یعنی که لولو و مرجان

آفریده شود در این دنیا

عشق یعنی صحیفه ی شرح

نقش مادر به روز عاشورا

عشق یعنی الهه ی مذهب

و حضوری دوباره در زینب

همسر بوتراب یا زهرا

بهترین انتخاب یا زهرا

به ولای تو بستگی دارد

هر خطا و ثواب یازهرا

مثل حیدر کند نگاه شما

ذره را آفتاب یا زهرا

نذر مادربزرگ یادم هست

نغمه ی مستجاب یازهرا

پیش حیدر تو مادر سادات

بوده ای در تمام توفیقات

می چکد از دم تو شور و شعور

نور در نوری و نهایت نور

یذهب عنکمت گواهی داد

که تویی تو بتول و پاک و طهور

درسهایی به خواهرانم داد

آن روایات نص تو به وفور

مثل آن خطبه های رعد آسا

و حیای تو پیش سائل کور

بنویسم اگر که گوشه ی آن

می شود صدهزار جلد قطور

مرده بودم دم تو جانم داد

مادریهای تو توانم داد

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

اصغر چرمی

آسماني شد زمين از خاك پاي فاطمه

حضرت جبريل پر زد در هواى فاطمه

عرش مي ريزد به هم، بر گوش جانها مي رسد

از ميان گاهواره تا صداي فاطمه

بر لب حور و ملك آيات كوثر نقش بست

ذكر قرآن خدا شد لاي لاي فاطمه

خوب مي دانم كه اين ابيات در شأنش نبود

چون خدا خوانده است در قرآن ثنای فاطمه

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

قاسم نعمتی

زمانه ظرف ندارد که تو ظهور کنی

کجا به کوتهی فکر ما خطور کنی

اگر قنوت بگیری میان سجاده

تمام شهر به یک غمزه غرق نور کنی

کلیم خانه ی حیدر! به یک دعای سحر

سرای کوچک خانه شبیه طور کنی

تو بهجت دل مولایی و به یک لبخند

وجود خسته ی او را پر از سرور کنی

فضای کوچه پر از عطر سیب می گردد

زهر دیار اگر لحظه ایی عبور کنی

تو روح عاطفه ایی... گرچه من گنه کارم

مرا مباد ز خود لحظه ای تو دور کنی

غبار راهم و تو سایه ی سرم هستی

چه غم به روز قیامت تو مادرم هستی

دگر زمان سرور پیامبر آمد

که گاه زخم زبان قریش سر آمد

تو همزبان خدیجه شدی میان رحم

که غم مخور شب تنهایی ات سحر آمد

بزرگ بانوی کعبه چقدر تنها بود...

ز دیده های پر از مهر او گوهر آمد

شمیم سیب بهشت از حجاز می آید

نگار ماست غریبانه از سفر آمد

خدا برای علی خلق کرده است تو را

برای شیر خدا بهترین سپر آمد

به روی شانه ی تو بیرق علی برپاست

علی که فاطمه دارد همیشه پابرجاست

خدا به وسعت عرشش تو را معظم کرد

کنیز خویش صدا کرده و مکرم کرد

صدای هر تپش قلب توست ذکر علی

به این صدا همه ی ذکر ها منظم کرد

میان عرصه ی محشر شفاعت همه را

به گوشه ایی ز نخ چادر تو محکم کرد

سپس گشود مسیر ورود جنت را

گروه فاطمیون بر همه مقدم کرد

چکیده ی جلوات تو و علی روزی

حسین گشت و به پا بیرق محرم کرد

برای اینکه بماند همیشه جلوه ی تو

میان قامت زینب تو را مجسم کرد

به هرم آتش دوزخ بسوزد آن دستی

که بین کوچه به یک ضربه قامتت خم کرد

میان آن در و دیوار خون تازه نشست

بلند مرتبه بودی و حرمت تو شکست

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

محمد بختیاری

جز علی هست که آنقدر بلند اقبالش

که به زهرا برسد بخت همایون فالش

مرضیه، طاهره، صدیقه، امینه، زهرا

جلوه ای نو متجلی شده در هر حالش

مرتضی غیر نبی نیست، برای این است

هرچه جز دیدن حیدر، نکند خوشحالش

می دمد از نفسش عطر دل انگیز علی

بس که سرشار خدا بوده همه احوالش

مادری کرده برای پدرش این دختر

قبله ی قلب نبی قامت پر اجلالش

همه ی اهل قیامت بشوند أهل بهشت

تا به محشر بوزد یک نفس از اعمالش

آنکه از خاک قدومش شده صد مریم سبز

نور با نیت پابوس دود دنبالش

پای هر سجده ی او مهر مباهات خداست

به خدا می رسد آن کس که شود پامالش

پای او ماند هر آن کس، به خدا، از کوثر

چشم ساقی بدهد ساغر مالامالش

آخر از خیر فدک مثل نسیمی رد شد

نیست جز عشق علی در دل فارغبالش

باز برد عقل مرا سیل پریشانی، تا

با خیالم چه کند زمزمه ی سیالش

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

محسن عرب خالقی

یک تکه ابر سوی بیابان بیاورید  
قحطی عشق آمده باران بیاورید  
برروح پر تلاطم انسان عصر جهل  
آرامشی به وسعت طوفان بیاورید  
یک چشمه از بهشت خدا را از آسمان  
تا خانه ی پیمبر دوران بیاورید  
الطاف بی نهایت پروردگار را  
در قالب سه آیه ی قرآن بیاورید  
یک سیب سرخ را به پیمبر دهید و بس  
حوریه ای به کسوت انسان بیاورید  
هرسیب سرخ سیبِ پیمبر نمی شود  
هر سوره ای که سوره ی کوثر نمی شود  
  
زیبا نزول کرده و زیبا تر از همه  
این که نشسته این همه بالاتر از همه  
خوابیده است همره لالایی نسیم  
دریا به روی دامن دریا تر از همه  
از باغ و باغبان گلش دل ربوده است  
این غنچه ای که گشته شکوفا تر از همه  
او ماه خانواده ی خورشید مکه است  
بیخود که نیست آمده زهراتر از همه  
با این همه لطافتش انصاف را بگو  
انسیه هست این زن حورا تر از همه  
ما را به مدح مادر آئینه ها چه کار؟  
جایی که مدح فاطمه را کرده کردگار  
  
روشن به نورِ آمدنش آسمان شده است  
این زن که قبل خلقت خود امتحان شده است  
عطر بهشت آمده همراه مقدمش  
دنیای پیر با نفس او جوان شده است  
هان ای زنان زنده به گور زمان جهل  
هنگام رستخیز حقوق زنان شده است  
وقت نماز شرعی اگر چه نیامده  
برخیز ای بلال زمان اذان شده است  
آخر میان خانه ی آیینه های شهر  
آیینه ی خدای نما میهمان شده است  
زهرا نبود زُهره دگر نُه فلک نداشت  
زهرا نبود سفره ی خلقت نمک نداشت  
  
خیرکثیر چشمه ی جوشان کوثر است  
بنیان گذار نسل شریف پیمبر است  
حرف خدا و سوره ی کوثر به روشنی است  
نسلی که فاطمی نبود نسل ابتر است  
این خانواده را برکت می دهد خدا  
این نسل سبز زنده ترین قوم محشر است  
ما را غم از تلاطم دریای کفر نیست  
تا کشتی نجات ولایت شناور است  
ماکودکان گمشده ی صبح محشریم  
امّیدمان به آمدن از راهِ مادر است  
هر بانویی که بانوی محشر نمی شود  
هرکس برای شیعه که مادر نمی شود  
  
توچشمه ی زلال حیاتی که گفته اند  
بالاتر از تمام صفاتی که گفته اند  
بعد از پدر به روح بلند تو می رسد  
بانو سلامِ حق، صلواتی که گفته اند  
جز با کلیدِ مِهر شما وا نمی شود  
در روز حشر باب نجاتی که گفته اند  
بانو بیا و یک شب جمعه ببر مرا  
همراه خود کنار فراتی که گفته اند  
بیش هزار سال بُوَد گریه می کنی  
برداغ کشته ی عبراتی که گفته اند  
ای مادر شهید دعا کن برای من  
یک شب بمیرم از غم ارباب بی کفن

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

داود رحیمی

نعمت تمام شد به نبی و بنی بشر  
منت گذاشته است خدا بر سر پدر  
با خلق دختری که می ارزد به صد پسر  
دختر که دیده است بدین جایگاه و فرّ؟  
این فاطمه است، فاطمه همتا نداشته  
فرقی نمی کند دم زهرا دم علی  
زهراست ذوالفقار علی همدم علی  
یک بار هم گلایه نکرد از کم علی  
مدیون مادرم که شدم آدم علی  
ور نه گدا لیاقت این را نداشته  
  
حیدر به نام نامی تو ناز می کند  
جبریل زیر پای تو پرواز می کند  
گرد و غبار مقدمت اعجاز می کند  
نخ های چادر تو گره باز می کند  
لطف شما یهودی و ترسا نداشته  
  
موسی نداشته است کرامات اینچنین  
حتی ملک نداشت عبادات اینچنین  
مانده خلیل هم ز مقامات اینچنین  
... اصلا علی تمام فتوحات اینچنین  
جز با دعای حضرت زهرا نداشته  
  
شمعی و زیر پای تو پروانه ریخته  
بانو چقدر دور تو دیوانه ریخته!  
از جام هر نگاه تو میخانه ریخته  
اینجا سبو شکسته و پیمانه ریخته  
مست شما نیاز به اینها نداشته

مستیم و با نگاه تو هشیار می شویم  
پلکی بزن به هم، همه بر دار می شویم  
آخر هلاک جاذبه ی یار می شویم  
یا در هوای چشم توبیمارمی شویم  
اینجا مریض میل مداوا نداشته

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

رحمان نوازنی

سلام مادر آئینه های خورشیدی  
سلام مادر این  بچه های توحیدی  
 چگونه سجده گذاریم روز مادر را  
که مهر مادریت را به شیعه بخشیدی  
 اگر نگاه تو افتاده سمت ما حتماً  
تو برق شوق علی را به چشممان دیدی  
 سبد سبد دل ما را به دست سبز خودت  
از آسمان شجرهای طیبه چیدی  
 از آن به بعد اگر چه مزار تو مخفی است  
ولی به جز دل ما هیچ جا نگنجیدی  
 از آن به بعد شعاع ولایتت با ماست  
از آن به بعد علی در علی درخشیدی  
 اگر که کشور ما ایمن است از فتنه  
برای اینکه شب راحتی نخوابیدی

همیشه نان جو سفره ات تبسم داشت  
و از صفای همین سادگی تکلم داشت  
 ولی ملائکه ها هم همیشه می دیدند  
که سائل در این خانه نان گندم داشت  
 به روی دست قنوتت چه پرورش دادی  
که این همه کف پایت گُل تورم داشت  
 همینکه روی گرفتی ز مرد نابینا  
چقدر درس نجابت برای مردم داشت

 برای حق فدک ایستادی ای بانو  
اگر چه پهلوی یاست کمی تألم داشت  
بگو که داغ گذارند روی دست عقیل  
که باز زنده شود قصه عدالت ایل  
  
و انبیای الهی که بی بدیل شدند  
برای درک شب قدر تو گسیل شدند  
 به هم کلامی تو عده ای کلیم شدند  
کنار سفره تو عده ای خلیل شدند  
و عده ای به نگاهت عزیز مصر شدند  
پیمبران بزرگی از این قبیل شدند  
و عده ای که به بال قنوت تو خوردند  
به یک دعای تو یکباره جبرئیل شدند  
فرشته های خدا هم یکی یکی بانو  
به رشته های نخ چادرت دخیل شدند  
بیا و چشمه ما را کمی زلالی کن  
مرا غبار قدوم همین اهالی کن  
  
نشسته ام که به دست آورم نگاهت را  
به آسمان بزنم تا غبار راهت را  
ز روسیاهی من شب به شرم می افتد  
سپید کن شب تاریک روسیاهت را  
چقدر گریه برایم نموده ای مادر  
بمیرم اینکه نبینم من اشک و آهت را  
کدام روضه بخوانیم و باز گریه کنیم  
کدام روضه محبوب و دلبخواهت را  
چقدر غیرت خورشیدیت شکست آنروز  
که ریسمان زده بودند دست ماهت را  
میان کوچه تو را می زدند ای مادر  
بمیرم اینکه علی دید قتلگاهت را  
همان کسی که در آن کوچه ها جسارت کرد  
به کربلا کفن پاره پاره غارت کرد

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

امیر عظیمی

چله نشین صدفم، دُر شدم

از نفحات نبوی پر شدم

بنده ی دل تا که شدم، حُر شدم

**روی لبم نشسته این زمزمه**

**فاطمه یافاطمه یافاطمه**

تشنه شدم، آب زلالم بده

گرسنه ام، رزق حلالم بده

مرغ بهشتم، پر و بالم بده

**کبوتر گنبد خضرا منم**

**زائر پر بسته ی زهرا منم**

فرصت چل روزه ی حق سر رسید

سیب بهشتی معطّر رسید

گوش بده، سوره ی کوثر رسید

**خیر کثیر ازلی آمده**

**همسر محبوب علی آمده**

باز درِ لطف خدا باز شد

به اذن حق، دوباره اعجاز شد

خوش آمدی، مکّه سرافراز شد

**روی زمین شور و شعف را ببین**

**به دست دل، سماع دف را ببین**

خوش آمدی روی زمین، آسمان

خوش آمدی نمونه ی بانوان

خوش آمدی مادر ساداتمان

**سیده ی نساء، علیک السلام**

**مادر سادات تویی، یک کلام**

تو کیستی، حبیبه ی کبریا

شافعه ی محشر روز جزا

سایه نشینت شده اند انبیاء

**مادر اسلام به غیر از تو کیست**

**مادری ات، روز جزا دیدنیست**

عقل فرو مانده ی والایی ات

صبر شده مات شکیبایی ات

علی  اسیر رخ زهرایی ات

**نور تو در جان علی جلوه گر**

**جلوه کن و جان علی را ببر**

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

حسن لطفی

بالاتر از آن خط که نوشتند تو هستی

مدحی که نخواندند و نگفتند تو هستی

با نقطه ی با، نقطه ی پیوند تو هستی

آیینه قدی خداوند تو هستی

**چیزی به جز از نور خداوند نداری**

**سوگند خدا گفت که مانند نداری**

بانو چه شگفت است هبوطی که تو داری

قدر است چه قدری ملکوتی که تو داری

صد رشته قنات است قنوتی که تو داری

آرامش دریاست سکوتی که تو داری

هرجا که بلند است به زیر قدم ماست

بر هرچه ستیغ است شکوه عَلَمِ ماست

هر بیش که دارند در این پهنه کَمِ ماست

موجیم که آسودگی ما عَدَم ماست

**ما درس جز از محضر اسلام نگیریم**

**ما زنده به آنیم که آرام نگیریم**

هر بادِ مخالف شده جوشن به تنِ ما

هر تیر توان داد به برخاستنِ ما

با ماست همیشه نفسِ بت شکن ما

در سایه ی زهراست تمام وطن ما

**این خصم زبون است اگر بد دهنی کرد**

**وین سیره یِ زهراست که دشمن شکنی کرد**

دریایِ علی،غیرت طوفانی ات عشق است

ای مرد ترین مرد،رجز خوانی ات عشق است

جایی که ملک چشم کشد گرد محال است

با نام شفا پرور تو درد محال است

جز شیر خدا گرد تو یک مرد محال است

**با تیغ به تو تکیه کند شیر خداوند**

**ای خطبه ی تو غیرت شمشیر خداوند**

از روز ازل هر تپشت یاد علی بود

نَبْضَت،ضربانت،نفست ناد علی بود

این هشت فلک فاطمه آباد علی بود

خانم همه ی حرف تو فریاد علی بود

**میلاد تو و باز نمک گیر غدیریم**

**از توست که مانند تو درگیر غدیریم**

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

مهدی زراعتی

عشق خدا عشق منی فاطمه

حب شما اجننی فاطمه

تو و مقامی که خدا آگه است

ما و زبان الکنی فاطمه

بی تو نوای کودک دل ما

من الذی ایتمنی فاطمه

میکدۀ عشق علی کوثری

شیر دل شیر زنی فاطمه

پای علی جان تو جان کنده ایم

از دل ما دل نکنی فاطمه

نیم دل ما ز تو شد حسینی

نیمِ دگر هم حسنی فاطمه

به یاد سینۀ شکسته تو

باب شده سینه زنی فاطمه

ما و غم خون کفنی فاطمه

تو و غم بی کفنی فاطمه

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

محمد سعید میرزایی

یگانه مادرِ خون خدا، خدای تو کیست؟

بهشت، شیربهای تـو، خونبهـای تو کیست؟

جهـان بـه نـزد سـرای تـو سائـل اعماست

وگرنـه محـرم خـاک درِ سرای تـو کیست؟

کـسی کـه عـارف قــدرِ محبتت بـاشد

جز آنکه گفت به نزد تو من فدای تو کیست؟

بــه رحمتـی کــه دعـا می‌کنی به همسایه

بگو که در دو جهان لایق دعای تو کیست؟

ای استجـابت پیـش از دعا! به غیر رسول

بگو کسـی که دعا می‌کند برای تو کیست؟

نسیمی از نفست زینب است و زینت عرش

غباری از قدمت فضّه شد، طلای تو کیست؟

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

قسمت دوم؛ گلچین مجالس مداحان

ترک 01 ـ شعر[[122]](#footnote-122)

آمدی تا که نگین دل خاتم باشی  
کوثر و خیر کثیر همه عالم باشی

آمدی فاطمه  صبح ازلی روشن شد  
آمدی فاطمه  چشمان علی روشن شد

چشم مولا که شد از نور تو روشن ای ماه  
گفت لا حول و لا قوة الّا بالله

تو که در بندگی و زهد و وفا دریایی  
پارۀ قلب نبی  انسیة الحورایی

حضرت طاهره ، منصوره ، بتول عذرا  
راضیه ، مرضیه ، صدیقه ، زکیه ، زهرا

خانۀ ساده‌ ات از صدق و صفا لبریز است  
قلب سجاده ات از نور دعا لبریز است

خانه داری شما شهرۀ آفاق شده

عرش اعلی به تماشای تو مشتاق شده

هر که از باغ بهشت تو سخن می‌گوید  
سخن از حُسن کریم تو حَسن می‌گوید

بر سر دوش نبی نور دو عینی داری  
جان عالم به فدایت چه حسینی داری

در کَرَم خانۀ لطف تو مقرب باشد  
هر که خاک قدم حضرت زینب باشد

هر کسی نزد تو احساس بهشتی دارد  
چادرت رایحه یاس بهشتی دارد

چادرت خیمه گه  شرم و عفاف است ای گل  
آسمان دور سرت گرم طواف است ای گل

آب مهریۀ تو گشته و تطهیر شده

در دل شیعه فقط مهر تو تکثیر شده

انقلاب تو شده مبدأ ایمان مادر  
شده مدیون تو و خون تو قرآن مادر

تا قیامت به همه درس بصیرت دادی  
تو به دین این همه سرمایۀ عزت دادی

نقش یا فاطمه سربند مجاهد ها  شد  
امتداد ره تو نهضت عاشورا  شد

مکتب سرخ ولای تو حسینی‌ها داشت  
نسل تو خامنه ای ها و خمینی ها داشت

ماند نام تو و در کل جهان نامی شد  
نور تو مبدأ بیداری اسلامی شد

رشتۀ مِهر دل ما همه در دست شماست  
کشور ما به خدا خانۀ دربست شماست

هرچه تهدید وَ یا هرچه که تحریم شویم  
به خداوند محال است که تسلیم شویم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 02 ـ شعر[[123]](#footnote-123)

آسمان کوثر به دنیا آمده کوثر بخوان

با سرود وحی مدح دخت پیغمبر بخوان

مدح آن ممدوحۀ محبوبۀ داور بخوان

با زبان خویشتن یا با دم حیدر بخوان

هر چه زیبا خوانده ای امروز زیبا تر بخوان

ماه عصمت، اختر برج هدی را مدح کن

روح احمد لیله القدر خدا را مدح کن

جان عالم یک جهان جان را گرفته در بغل

دست دل بگشوده قرآن را گرفته در بغل

مطلع الانوار ایمان را گرفته در بغل

گوهر دریای غفران را گرفته در بغل

هستی دادار منان را گرفته در بغل

هر چه گویی بهتر از آن را گرفته در بغل

ای پیمبر عصمت کبراست این

بوسه زن بر آفتاب طلعتش زهراست این

این ز پا تا سر تجلی جمال داور است

این نه یک دختر تمام هستی پیغمبر است

این به احمد کوثراست و دختراست و مادراست

بلکه مام یازده عیسای عیسی پرور است

چارده معصوم را شخصیت او محور است

جز محمد از تمام انبیا بالاتر است

ذات حق با آیۀ قرآن ثناها گویدش

اولین شخصیت عالم فِداها گویدش

مخزن اسرار حق گوهر ندارد مثل او

ذات رب العالمین مظهر ندارد مثل او

مصحف ختم رسل کوثر ندارد مثل او

نخل سر سبز نبوت بر ندارد مثل او

شخص ختم الانبیا دختر ندارد مثل او

شیر حق دست خدا یاور ندارد مثل او

هر چه گفتم هر چه گویم در ثنای او کم است

مدح ناموس خدا فوق بیان عالم است

آفرینش باغ توحید و بهارش فاطمه ست

دین و قرآن تا قیامت اعتبارش فاطمه ست

مصطفی فخر نبوت افتخارش فاطمه ست

مرتضی دست خدا و دستیارش فاطمه ست

دستیارش نه همه دار و ندارش فاطمه ست

ای خوشا آن کس که روز حشر یارش فاطمه ست

در ثنای او همان اقرار عجز ما بس است

گفتن اوصاف این دختر نه کار هر کس است

فاطمه یعنی تمام هستی هست آفرین

فاطمه یعنی بهشت رحمه للعالمین

فاطمه یعنی حجاب و عصمت و تقوا و دین

فاطمه یعنی چراغ آسمان ها و زمین

فاطمه یعنی ید اللهی دگر در آستین

فاطمه یعنی علی، یعنی همان حبل المتین

فاطمه یعنی جمال بی مثال کبریا

فاطمه یعنی کتاب الله کل انبیا

فاطمه در فلک هستی ناخدایی می کند

فاطمه در روز محشر کبریایی می کند

فاطمه از شیر حق مشکل گشایی می کند

فاطمه در چشم حیدر خود نمایی می کند

فاطمه در بندگی کار خدایی می کند

فاطمه بر شیعیان لطف نهایی می کند

فاطمه یعنی چراغ محفل افلاکیان

فاطمه یعنی ز رأفت همنشین با خاکیان

کیست زهرا یک بهارستان به گلزار وجود

کیست زهرا کعبۀ جان قبلۀ اهل سجود

کیست زهرا رازدار عالم غیب و شهود

کیست زهرا برترین محبوبۀ حی ودود

کیست زهرا باب رحمت دست احسان بحر جود

کیست زهرا خیمه سبز ولایت را عمود

کیست زهرا آفتابی کبریایی طلعت است

کیست زهرا چارده معصوم در یک صورت است

ای بهشت قرب پیغمبر جمالت فاطمه

ای تمام انبیا مات جمالت فاطمه

ای امیرالمومنین محو کمالت فاطمه

ای همه مرهون فیض بی زوالت فاطمه

طاهره انسیه حورایی نمی دانم که ای

فاطمه صدیقه زهرایی نمی دانم که ای

عقل و هوش و دانش افکار خود را باختیم

با کُمیت وهم تا آن سوی هستی تاختیم

یا به مضمون یا به ایراد سخن پرداختیم

دست ها بر رشته های چادرت انداختیم

شعر ها خوانده غزل قطعه قصاید ساختیم

عاقبت دیوانه گشتیم و تو را نشناختیم

حور انسان یا ملک یا فوق اینان چیستی

کیستی تو کیستی تو کیستی تو کیستی

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 03 ـ شعر[[124]](#footnote-124)

سلام خالق، سلام خلقت، سلام احمد، سلام امت[[125]](#footnote-125)  
سلام رضوان، سلام جنت، سلام غلمان، سلام حورا  
سلام آدم، سلام حوا، سلام مریم، سلام عیسی  
سلام یاسین، سلام طاها، به جسم زهرا، به جان زهرا  
مهین صفیه، بهین امینه، نهال مکه، گل مدینه  
رسول حق را، سرور سینه، ولی حق را، یگانه همتا  
جلال منّان، جمال سبحان، روان قرآن، زبان فرقان  
قرار امکان، مدار ایمان، رسول حق را، بتول عذرا  
دراوست پنهان، کمال سرمد، از اوست پیدا، جمال احمد  
ریاض حُسنش گل محمد، بیاض رویش بهشت بابا  
نجات بسته به تار مویش، حیات روشن به یاد رویش  
به عرض حاجت روان به کویش، هزار مریم، هزار عیسی  
دُرِ نبوت، گل ولایت، محیط رحمت، یَم عنایت  
رسل به نورش شده هدایت، یکی به جودی یکی به سینا  
هزار یوسف به تخت شاهی، هزار یونس به بطن ماهی  
به عصمت او دهد گواهی به مدحت او هماره گویا  
نیاز دارد ، نیاز براو، نماز آرد ، نماز براو  
ألا پیمبر بناز بر او که او بود تو ، تو او به معنا  
کجاست آدم کجاست حواکجاست مریم کجاست عیسی  
کجاست رضوان کجاست حورا که سجده آرد به خاک زهرا  
ستاره اشک شب نیازش سپهر سجّادۀ نمازش  
خدا پرستان کِشند نازش اگر نگاهی کند به ترسا

به هر کلامش هزار حکمت به هر پیامش هزار حجّت

به هر نگاهش هزار جنّت به هر قیامش هزار طوبی

بتول اول رسول ثانی سپهر حکمت یَم معانی  
خدای دادش خدایگانی به اهل دنیا به خلق عقبی

اگر تو داری به او محبّت و گر مرا هست از او مودّت

تو را به باغ جنان چه حاجت مرا ز قعر سَقَر چه پروا

زبان گشودم به مدحت وی سنائی ام گفت بگوش هی هی

«به کُنه ذاتش خرد برد پی اگر رسد خس به قعر دریا»

وجود بسته به بود و هستش خرد، تفّکر، دو پای بستش

الا محمّد ببوس دستش که اوست دست خدای یکتا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 04 ـ شعر[[126]](#footnote-126)

ای نخست همیشگی یكتا[[127]](#footnote-127)

آفتاب قدیمی دنیا

سیب سرخ بهشت پیغمبر

یك سبد یاس بر جمال شما

ابتدایت همیشه نا معلوم

انتهای تو نیز نا پیدا

راستی گر نباشی ای بانو

چه غریب است حرف های خدا

خانه ات پایتخت این عالم

حجت من حدیث سبز كسا

**فاطمه ای فرشتۀ خیرات**

**بر تو و خاندان تو صلوات**

چشم هایت ستاره می بارند

مثل خورشید روشنی دارند

نور ماه و ستاره و خورشید

چه قدر پیش چشم تو تارند

جلوه كردی و از مكان خودت

آمدی و فرشته ها دارند…

از بلندای عرش تا مكه

سر راه تو یاس می كارند

آمدی و تمام هر چه كه هست

به مقام تو سجده می آرند

**فاطمه ای فرشتۀ خیرات**

**بر تو و خاندان تو صلوات**

تو فرادا، تو فرد، تو توحید

تو مساوی سیزده خورشید

تو همان سیب روشنی كه ازل

از درخت خدا پیمبر چید

تو رسولی ولی به طرز دگر

مرتضایی ولی به شكل جدید

شب ندارد مدینه ام با تو

السلام علیكِ یا خورشید

**فاطمه ای  فرشتۀ خیرات**

**بر تو و خاندان تو صلوات**

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 05 ـ سرود[[128]](#footnote-128)

برات عشق، داره میاد از آسمون خود علی به دستمون میرسونه

بُراق عشق داره میره به آسمون کسی میون جمعمون جا نمونه

شب شب شیدا شدنه، هر کی بیاد مهمونه

هر کی میخواد مِی بزنه، بیاد تو این میخونه

من مست و تو دیوونه ما رو کی می بره خونه

جام عشق علی نابه می میرم پای پیمونه

خدا رو شکر دلی که توی سینمه همه جوره فداییه مادرشه

چه مادری که هر چی توی عالمه همه دخیل یک نخ چادرشه

فرشته ها تو آسمون، منتظر دستورش

ستاره ها تو کهکشون، منورن از نورش

می لرزه دل مستم اما عشق می گیره دستم

این شور و عشق و مستی رو مدیون مادرم هستم

تو کوثری اونی که میشه خاک پات واسه روز قیامت آماده میشه

تو مادری مادری که با یک نگات پیچ و خمای زندگی ساده میشه

تموم مادرای ما، فدای یک لبخندت

چی بیشتر از این که شده، ارباب ما فرزندت

درمون دل خسته عالم از اسم تو مسته

هر نوری بی تو تاریکه هر راهی بی تو بن بسته

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 06 ـ سرود[[129]](#footnote-129)

میگن بهشت خدا زیر پای مادره یا عاقبت بخیری تو دعای مادره

خاکِ پاتم محتاجِ دعاتم

روزت مبارک مادر، خاطر خواتم

تو شب جشن تو ، همۀ عالمُ بهم می ریزم

برای مادرم، بخدا میگذرم، از همه چیزم

یه نامه و یک شاخه گل سرخ هدیه میارم روش می نویسم مادر خوبم دوست دارم

چهل شب عاشقی به نتیجه میرسه یه نیمه از سیب سرخ به خدیجه میرسه

کوثر اومد تاج پدر اومد

برای پیغمبر، باز مادر اومد

حالا که ابتری میره و برتری جاشُ میگیره

اونیکه طعنه زد، ببینه که چقدر، خیر کثیره

خدا زده با، قالب کوثر، خود نمایی شد منشأ نورُ خواستی ببینی زهرایی شد

تویی که مهریه تو خدا شفاعت گذاشت شناختن قدر تو واسه قیامت گذاشت

عالی میشه دل چه حالی میشه

با عشق تو کِی دستم خالی میشه

تویی که می رسی، به داد هر کسی که با حسینه

همینی که مدام، دم خونت میام، ادای دینه

از روز اول هرکی بهت گفت که ما رو دریاب مادری کردی گفتی صدا کن ارباب ارباب

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 07 ـ سرود[[130]](#footnote-130)

یه نیگا به من کنی راه دوری نمیره روز مادر نوکرت از تو عیدی می گیره

میگم و به این حرف باور دارم کی میگه هراس از محشر دارم

هر کی یه کسی داره منم مادر دارم

اُمُ النّجبا یا زهرا یا زهرا یا زهرا

إِشفَعی لَنا یا زهرا یا زهرا یا زهرا

چشم من به راه تو تا نفسای آخره منم بهشتی رو می خوام که زیر پای مادره

اگه تو نباشی دنیایی نیست اگه تو نباشی عقبی ای نیست

اگه تو نباشی که دیگه مولایی نیست

اُمُ النّجبا یا زهرا یا زهرا یا زهرا

إِشفَعی لَنا یا زهرا یا زهرا یا زهرا

عصمت اللهی تو اعتقاد علیه روز مادر هدیه مون ذکر ناد علیه

به یاد تو مادر مادر میگم از حالا تا روز محشر میگم

هرچی که نفس دارم فقط حیدر میگم

اُمُ النّجبا یا زهرا یا زهرا یا زهرا

إِشفَعی لَنا یا زهرا یا زهرا یا زهرا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 08 ـ سرود[[131]](#footnote-131)

می خونم همیشه برام هیشکی مادر نمیشه

نه خوشبحال مَلَک که بال و پر داره

نه خوشبحال فلک وقتی قمر داره

فقط خوشبحال کسی که مادر داره

یه دنیا یه مادر یه ساقیِ کوثر

سلامِ خداوند به اُم ابیهای احمد

خوشا بحال نبی چه دختری داره

خوشا بحال علی چه همسری داره

بگو خوشبحال خدا که کوثر داره

یه دنیا یه مادر یه ساقیِ کوثر

دعامون همینه بیایم پابوست تو مدینه

چی میشه که نوکر یه بار مرقدت رو ببینه

خدا با فاطمه اش چه محشری داره

خوشا به حال دلم چه مادری داره

دعا پشت سر هر کی عشقه حیدر داره

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 09 ـ سرود[[132]](#footnote-132)

الهی بانوی کرم همیشه سایه ات رو سرم

بفدات مادر پدرم

اسمت رو لب فرشته زیر پای تو بهشته

روی، قلبم

مدال خادمیه، نگین فاطمیه

تو تا ابد سایۀ رو سرمی سرورمی تو دل و دلبرمی

بذار بگم مادرمی

پدرت حیرون چشات مادرت خیره به نگات

آسمون نذر قدمات

مثله یه شکوفه سرزد مهرت تو سینۀ احمد

بارون، نم نم

گرفته رو زمین، خندۀ ماهُ ببین

بیا ببین که چه راه بندونیه تو آسمون واسه تو مهمونیه

صحن چشا بارونیه

منم و لطف و کرمت آسمون زیر قدمت

تو دلم هستش حرمت

دیدی که خالیه دستام اما دلُ به تو بستم

عشقت، خانوم

میون هر دلیه، دلی که با علیه

هر چی دارم همه از لطف شماست مادر من مادر خون خداست

منُ ببر به کربلا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 10 ـ سرود[[133]](#footnote-133)

شور انگیزه قلب عاشقم می تپه تو سینه

روز مادر وعدمون باشه همگی مدینه

مادرم همۀ جونمه عشق اون تو رگ و خونمه

مادرم مهربونه

مادرم سورۀ کوثره مادرم خدایی محشره

مدینه گلبارونه

ای آسمون من مادر ای مهربون مادر ای هم زبون من مادر

یا زهرا

دست افشونم با فرشته ها، با همۀ عالم

میگم تبریک با جون و دلم به رسول خاتم

مَلَک و ملکوت نوکرش گلای رازقی زیورش

کرمش به حد دنیاست

قدم و نفسش گوهره مادرم یه تنه حیدره

مادرم کفو مولاست

روح عبادتی مادر شرط اجابتی مادر سِرّ ولایتی مادر

یا زهرا

می دونم که بی همتایی نمونه نداری

عیدی از تو کربلا می خوام تو هوامُ داری

آروزم اینه که باشما برسم یه روزی تا خدا

با نگات زیر دِینم

گدای توام و شوهرت فدای پدر و مادرت

عاشق یا حسینم

ای قبلۀ دلم مادر رویایم شده حرم مادر سایه ات روی سرم مادر

یا زهرا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 11 ـ سرود[[134]](#footnote-134)

ریشۀ باغ فاطمیون از تو آسمونا در اومد

عاشقا بی تابی می کنند صاحب دلا مادر اومد

رسالت نبی تا داده نتیجه فاطمه رو دادن به بی بی خدیجه

ای ملیکۀ محشر روی قلب این نوکر نوشته با طلا

دوست دارم مادر

انبیاء همیشه می شینند تو کلاس درس معجزه اش

وقتی ما یه یاعلی میگیم حاجتامونُ می گیریم ازش

بخدا دل من جز تو رو نمی خواد اُم ابیهایی خیلی به تو میاد

ای مادر پیغمبر حبیبۀ داور تو هر نفس میگم

دوست دارم مادر

از کوچیکی شنیدم که زود میگیره دعای مادرا

پس دعا کن تا منم بشم زائر حرم کربلا

آرزوی منه کربلای حسین مثه پسراتن عاشقای حسین

ای نور دل حیدر صاحب کوثر با حسین میگم

دوست دارم مادر

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 12 ـ سرود[[135]](#footnote-135)

مادرمی ، سایه ی لطفت بخدا همیشه روی سرمه

فخرم اینه ، میخونم از عمق وجود که فاطمه مادرمه

شکر حق ، میتونم شما ، رو صدا بزنم مادر

اهل دل ، تو رو میشناسن ، میگن اومده دلبر حیدر

ملیکه ی ارض و سما ، عمری زیر دینت هستم

از کوچیکیم تا به حالا ، نوکر حسینت هستم

**یافاطمه یامولاتی**

گل بریزید ، از آسمونا که اومد مادر بچه شیعه ها

عیدی تونو ، بگیرید از شیر خدا یه سفر کرببلا

یا علی ، دل ما شده واسه کرببلا بی تاب

یا علی ، جون فاطمت بطلب ما رو باز ارباب

حال دل زار منو ، آقا خودت خوب میدونی

چی میشه قسمتم کنی ، حرم یک شبِ بارونی

**ای شیر خدا یاحیدر**

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 13ـ سرود[[136]](#footnote-136)

تو بارش چشای تر     با نور مهتاب سحر[[137]](#footnote-137)

باز داره می رسه خبر

اومده  کوثر

تو نگات آیه های سوره ی مومنونه

زیر پات حصیریه که سقف آسمونه

می رسی و به پیش پات

دنیا داره می باره بارون

یک نخ چادرت بسه

تا که یهود بشه مسلمون

بذار تا که سجده پیش پات کنم     جونمو نذری بچه هات کنم

همه ی زندگیمو بگیر بذار مادر صدات کنم

مادر مادر مادر دوست دارم

با تو حبیبه ی خدا      شد توی آسمون به پا

بیرق سردار خدا

حیدر مولا

دمیده تو آسمونا صورت ماه تو

پیچیده ترانه ی علی ولی الله تو

علی میگه که فاطمه بهترین یاور بندگیشه

چراغ بیت حیدر و به خدا تموم زندگیشه

کی میشه  دنیا رو من گدات کنم     صاحب صحن بشی من نگات کنم

همه ی زندگیمو بگیر بذار مادر صدات کنم

مادر مادر مادر دوست دارم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 14 ـ سرود[[138]](#footnote-138)

از غم آزاده   هرکی دلداده   میزنه باده    دلشم شاده   
شور و فریاده   شب میلاده   به نبی خالق  دختری داده  
ام ابیها اومد   گل طه اومد   مژده بدید شیعه ها   همسر مولا اومد  
باعطر یاس سحری چی میشه  
 اگر دلم رو بخری چی میشه  
 قبول بشم به نوکری چی میشه  
برام کنی تو مادری چی میشه  
مولاتی یا زهرا  
  
  
 شب بارونه   دل غزل خونه   شب لیلای   دل مجنونه  
یکی یک دونه     گل گلخونه    شب میلاده    مادرمونه  
رو گل شیعه نوشت   قلم سرنوشت   شفاعتش نباشه  خالی می مونه بهشت  
دس بکشی روی سرم چی میشه   
صدام کنی تو پسرم چی میشه   
 عیدی روز مادرم چی میشه؟  
عیدی بدی بهم حرم چی میشه  
مولاتی یازهرا

سر لولاکی   راز افلاکی   توفراتر از    عقل و ادراکی  
در نایابی     مادره آبی    تو فقط کفو      پدر خاکی  
بانگات دیده شدم  آفریده شدم   با دستای ابالفضل   بی بی خریده شدم  
به امید و لطف خدا چی میشه  
برچیده شن وهابی ها چی میشه  
بریم بهمراه آقا چی میشه  
بعد بقیع تا کربلا چی میشه

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 15 ـ شور[[139]](#footnote-139)

عشق تو تو دلم شور می گیره امشب به ساحلم موج می زنه

از نورت زندگیم نور می گیره عشق تو تو دلم موج می زنه

نمی دونم اگه سایۀ سرم نبودی چی می شد

اگه مادرم نبودی چی می شد

تو مادریت همین بسه که مادرِ حسینی و مادر منم شدی

تو مادریت همین بسه بال و پرِ حسینی و بال و پَر منم شدی

مادر ها شأنشون سروریه فرزندا کارشون نوکریه

خوبیه شیعه بودن همینه دل های هممون مادریه

همۀ هستی و ضربان قلب آدم مادره

به خدا بهشت عالم مادره

یا فاطمه من خودمُ زندگیمُ هم پدر و هم مادرم فدای تو

تو مادر منی ولی من و تموم زندگیم فدای بچه های تو

اسرافیل اسم تو جار می زنه عزرائیل از تو دستور می گیره

میکائیل پرشُ باز می کنه جبرائیل از پرت نور می گیره

شبه پروازه و عاشقا رو اوج ابرا می مونن

از دلم فرشته ها جا می مونن

فدای اون شهیدی که سرُ گذاشت رو دامنت با یه ذکر یا حسین

با تو میان شبای جمعه شهدا زیارت شهید کربلا حسین

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 16 ـ شور[[140]](#footnote-140)

ماه آسمون بیداره

محو لحظه ی دیداره

روسر دنیا ستاره امشب می باره

اومده هستی سرور دنیا

اومده مونس حضرت مولا

اومده مادر یاسین و طاها

مژده که اومده حضرت زهرا س

**مددی مددی فاطمه فاطمه زهرا**

محول الاحوال من

تمومی آمال من

تویی تموم برکت ماه و سال من

جاداره رو سر ما پرچم تو

تو دستامونه فقط علم تو

ایشالا با مدد کرم تو

جشن می گیریم روزی تو حرم تو

**مددی مددی فاطمه فاطمه زهرا**

به پای عشقت می میرم

روشنه با تو تقدیرم

من از تو مادر عیدی مو امشب می گیرم

می رسونم به تو بغض صدارو

حرف دل همه ی عاشقارو

می خوام اجابت کنی این دعارو

منم یه روز ببینم کربلارو

**مددی مددی فاطمه فاطمه زهرا**

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 17 ـ شور علوی[[141]](#footnote-141)

منم یه نوکر حیدر فدایی سر حیدر

سیاهی لشکر حیدر غلام قنبر حیدر

دم اذون همیشه، با اسم آسمونیش، دلم رو می بره حیدر

اسم بهشتُ خدا، گذاشته میکدۀ، شراب کوثر حیدر

ای دین و دنیا حیدر سلطان دلها حیدر

شاه بی همتا حیدر اوج دریا ها حیدر

ذکر غوغا حیدر، موج دریا حیدر، گل کرده رو لبها، یا مولانا حیدر

اسم تو درمون دردا حیدر هیچکی نیست مثل تو والا حیدر

همه عالمُ خدا می بخشه تا میگه حضرت زهرا حیدر

یا حیدر یا حیدر یا حیدر

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

فصل دهم؛ واحد و شور حسینی

ترک 01 ـ واحد سبک مدافعان حرم[[142]](#footnote-142)

به اشک و به پرچم و به عَلَم به خون مدافعان حرم

به هرچی مقدساتِ قسم

حسینی می مونم حسینی می میرم

حسین زهرا رُ صدا می کنم عالمی رُ کرببلا می کنم

پاش برسه با پدر و مادرم از حرم شما دفاع می کنم

إنّی سِلمٌ لِمَن سالَمَکُم  إنّی حَربٌ لِمَن حارَبَکُم

یا اباعبدالله

قسم به مدینه و فاطمه به مشک و به ساقی علقمه

به ذکر علی علیِ همه

حسینی می مونم حسینی می میرم

بندۀ ذات احدم یا حسین خاک سرای احمدم یا حسین

کوری چشم صهیونیستا میگم من عاشق محمدم یا حسین

إنّی سِلمٌ لِمَن سالَمَکُم  إنّی حَربٌ لِمَن حارَبَکُم

یا اباعبدالله

قسم به اسیریه خواهرت قسم به جوونیه اکبرت

قسم به خرابه و دخترت

حسینی می مونم حسینی می میرم

خدا می دونه شیعه دلواپسه حساب دشمناتونُ میرسه

نمیرسه کار به اباالفضل دیگه یه اخم دخترت رقیه بسه

إنّی سِلمٌ لِمَن سالَمَکُم  إنّی حَربٌ لِمَن حارَبَکُم

یا اباعبدالله

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 02 ـ شور[[143]](#footnote-143)

کی این همه مجنون داره بی سر و سامون داره

سینه زنت دم می گیره تا زمانی که جون داره

عشق تو دینِ و دنیامه کربلای تو رویامه

  به همه گفتم و میگم من       این حسین که آقامه

ابی عبدالله ثارالله

با آبروم کرده عشقت                 زیر و روم کرده عشقت

  کار تموم عشقا رو                   باز تموم کرده عشقت

شب من با روضه ت سر شد                حال و روزم بهتر شد

از دعای زهرا بود که                منصب من نوکر شد

ابی عبدالله ثارالله

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 03 ـ شور[[144]](#footnote-144)

میدونی کربلا چه وقت دیدن داره، وقتی که دم اذون مغربش هوای شهر، بارونه

نمیدونم چرا دلم پُر آشوبه، فهمیدم همیشه عشق لیلی زینت قلب، مجنونه

حالا که نشد کربلا برم  یه جورایی آزرده خاطرم

آرزومُ نمیخوام زیر گِل ببرم

کربلا کربلا کربلا کربلا

منم و این حرم من و دو تا گنبد، تنهایی  منم و شهری که شبای جمعه ش هست، رویایی

منم و دستای کریم اربابم، ثارالله  منم و اون نگاه پر تب و مهر، زهرایی

شبای حرم یادم نمیره  میدونی دلم بدجور اسیره

مادر تو میدونم دستمُ می گیره

کربلا کربلا کربلا کربلا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 04 ـ شور[[145]](#footnote-145)

اینکه با تو خیلی آرومم اینکه هر شب از تو می خونم

ممنونم

ممنون لطف مادرتم        تا جون دارم من نوکرتم

خوشبختی یعنی حسین نگاهم کنه

خوشبختی یعنی که سر به راهم کنه

خوشبختی، خوشبختی یعنی حسین

تو شبهام تویی مهتابم حسین تو مال منی اربابم حسین

حسین اربابم

پای عشقت غل و زنجیرم من که بی تو از خودم سیرم

میمیرم

بازم یک شب مهمون حرم             تا بشم روضه خون حرم

دل گرمی یعنی یکی هوام و داره

دل گرمی یعنی چشام برات بباره

دل گرمی، دل گرمی یعنی حسین

تو شبهام تویی مهتابم حسین تو مال منی اربابم

حسین اربابم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 05 ـ شور[[146]](#footnote-146)

چه هیجانیه چه ضربانیه ذکرمه یا حسین ثانیه ثانیه

من و تب کربلا روز و شب کربلا

الهی که باز منُ بطلبه کربلا

من دوست دارم ارباب این نوکرُ دریاب

ارباب ارباب

کربلا کربلا

مادرم از غمت ماه مُحَرَمت قنداقمُ کشید رو پَر پرچمت

من و شور کربلا کوه طور کربلا

کافیه بگم حسین دیگه جور کربلا

ای صبح سپید من تنها امید من

ارباب ارباب

کربلا کربلا

اول و آخری از همه تو سری روز قیامتم تو خود محشری

من و راه کربلا اشک و آه کربلا

بخدا غلامتم پادشاه کربلا

ای ارباب بی همتا ای شور عاشورا

ارباب ارباب

کربلا کربلا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 06 ـ شور[[147]](#footnote-147)

من از تو دل نمی کَنم، حتی اگه سرم بره

نمی ذارم که دشمنت، به سمت این حرم بره

تویی که لیلایی و ما مجنونیم پای دفاع از حرمت می مونیم

اگه بیان به کربلا ای آقا نماز صبحُ تو بقیع می خونیم

منتظر اذن جهادم            من و تموم خونوادم

میایم برای سر سپردن

همیشه پا رکابت هستم         منتظر جوابت هستم

آرزومه برا تو مردن

لَکَ لَبیک ابا عبد الله

مدافعین حرمت یه لشکر سینه زنه

هر کی خیال بد کنه، قبر خودش رُ می کنه

کی گفته حرفم از روی احساسه کیه تو دنیا شیعه رُ نشناسه

ماکه سیاهی لشکریم آقا جون مدافع حرم خوده عباسه

دعا کن عاقبت به خیر شم           کاشکی منم مثه زهیر شم

جونمُ پای تو ببازم

دشمن تو اینُ بدونه             اگه می خواد زنده بمونه

باید که رد شه از جنازم

لَکَ لَبیک ابا عبد الله

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 07 ـ شور[[148]](#footnote-148)

ای سید الکریمم، بر دامن تو دستم کاری به کس ندارم، من نوکر تو هستم

مجنونِ مجنون من لیلای لیلا تو

دیروز و امروز نیست دوستیِ من با تو

گفتم هزاران بار که زیر دِین هستم

تنها در این دنیا من با حسین هستم

حُب الحسین أَجَنّنی یا ابا عبدالله عشق منی

از اول جوانی، تا روزگار پیری من با توام که شاید، دست مرا بگیری

این آتش دوری افتاده بر جانم

تصویر شش گوشه ست در قاب چشمانم

راهیِ دیداره کرب و بلایم کن

دل تنگتم آقا کاری برایم کن

یابن الحیدر یابن الزهرا پدر و مادرم فدای تو مولا

شکر خدا که افتاد، بر کوی تو مسیرم با گریه مادر من، در روضه داده شیرم

در لحظۀ آخر آیی به دنبالم

در وقت جان کندن هستی کمک حالم

تو شمعی و من هم پروانه ات هستم

عاقل شدم دیگر دیوانه ات هستم

به تو ارباب هستم حساس نوکرتم قسم به حضرت عباس

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 08 ـ شور[[149]](#footnote-149)

منم اون غلام سیاهت که دادم دلم رو به راهت

یه عمری برات گریه کردم به امید گوشه نگاهت

یه شب بین هیئت، منُ می پذیری

امیری حسینٌ و نعم الامیری

تن بی سر تو، برای شفاعت سرت روی نیزه، چراغ هدایت

حسین وای

من از زرق و برقای دنیا با یه چفیه آروم می گیرم

چی میشه شبیه شهیدا منم پای عشقت بمیرم

دم مرگ سرم رو، به دامن می گیری

امیری حسینٌ و نعم الامیری

تن بی سر تو، برای شفاعت سرت روی نیزه، چراغ هدایت

حسین وای

با این عاشقا بین هیئت دعا گوی راه شما ایم

ایشالا یه روزی همین جمع کنار شما کربلا ایم

علم رو همیشه، تو بالا می گیری

امیری حسینٌ و نعم الامیری

تن بی سر تو، برای شفاعت سرت روی نیزه، چراغ هدایت

حسین وای

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 09 ـ شور[[150]](#footnote-150)

خوبه خوبه روزگارم تا برا تو بی قرارم

دیگه چی از خدا می خوام حالا که من تو رو دارم

من ازت بین این عالم، یه دل مبتلا می خوام

هر کسی حاجتی داره، من ازت کربلا می خوام

من ازت کربلا می خوام

کس و کارم تا حسینه سر و کارم با حسینه

دم اول یا اباالفضل دم آخر یا حسینه

همه عشقم اباالفضله، من پابند این آقام

آقا جان ای ابوفاضل، من ازت کربلا می خوام

من ازت کربلا می خوام

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 10 ـ شور[[151]](#footnote-151)

زمین کربلا، کند این زمزمه به اشک دیده و، به آه فاطمه

مسلمانان حسین مادر ندارد

غریب است و کسی بر سر ندارد

به زمین تنش، روی نی سرش وای وای وای وای

امان از غم و دل خواهرش وای وای وای وای

صدای مادرش کنار پیکرش شده چون ارغوان عذار دخترش

برادر جان سلیمان زمانی

چرا انگشت و انگشتر نداری

نیزه و سنان، سُم استران وای وای وای وای

می کشد مرا، ظلم ساربان وای وای وای وای

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 11 ـ دم پایانی شهدا[[152]](#footnote-152)

شهیدا نگاه کنین به حال ما، شما رو به حق خاک جبهه‌ها  
ایشاالله، ما هم بریم مثه شما ... تا کربلا  
دل خوشیمون از این دنیا، پلاک و سربند و چفیه  
خسته شهر زرق و برق، زمزمه داریم با گریه  
کجایید ای شهیدان خدایی، بلاجویان دشت کربلایی  
کجایید ای سبکبالان عاشق، پرنده تر ز مرغان هوایی  
  
دل من مقیم کربلای تو، جوونیم به پای روضه‌های تو  
رسیده، نسیم جانفزای تو... تو این صحرا   
شهید روزِ عاشورا، لالۀ عطشان زهرا  
تشنه بریدن رگ ها تو، تو روز روشن واویلا  
اگر کشتند چرا آبت ندادند ، چرا زان درّ نایابت ندادند  
اگر کشتند چرا خاکت نکردند ،کفن بر جسم صد چاکت نکردند  
  
غم ما شراره ‌های اون دره، هنوزم صاحب‌‌زمان خون جگره  
دل ما پی مزار مادره... مادر زهرا  
راز ولایت یا زهرا، رمز شهادت یا زهرا  
ذکر مدام لب‌های، حضرت حجت یازهرا  
سحرخیز مدینه کی می‌آیی ، امیر بی‌قرینه کی می‌آیی  
عزیزم مادرت چشم انتظاره، شفای زخم سینه کی می‌آیی

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

1. . گزیده ای از سخنرانی حجت الاسلام و المسلمین میر باقری، 03/12/93 حسینیه شهدای بسیج. [↑](#footnote-ref-1)
2. . زینب کبری سلام الله علیها،نقدی، جعفر، ص34. [↑](#footnote-ref-2)
3. زندگانی حضرت زینب کبری سلام الله علیها، قزوینی، سید محمد کاظم، ص33 و 34. [↑](#footnote-ref-3)
4. . با نوای : حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-4)
5. . شاعر : غلامرضا سازگار [↑](#footnote-ref-5)
6. . ریاست. [↑](#footnote-ref-6)
7. . با نوای : حاج روح الله بهمنی [↑](#footnote-ref-7)
8. . حسین رحمانی [↑](#footnote-ref-8)
9. . رضا رسولی [↑](#footnote-ref-9)
10. . با نوای : حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-10)
11. . با نوای : کربلایی محمد فصولی [↑](#footnote-ref-11)
12. . حسین رحمانی / رحیمی [↑](#footnote-ref-12)
13. . بحار الانوار، ج 43، ص92. [↑](#footnote-ref-13)
14. .سیما و سیره ریحانه پیامبر، کرمی، علی، ص 371، قم:دلیل ما،1382. [↑](#footnote-ref-14)
15. . بحار الانوار، ج 8، ص310. [↑](#footnote-ref-15)
16. . سیما و سیره ریحانه پیامبر، کرمی، علی، ص 372، قم:دلیل ما،1382. [↑](#footnote-ref-16)
17. . بحار الانوار، ج 37، ص103. [↑](#footnote-ref-17)
18. .سیما و سیره ریحانه پیامبر، کرمی، علی، ص 372، قم:دلیل ما،1382. [↑](#footnote-ref-18)
19. . با نوای : حاج سید مجید بنی فاطمه [↑](#footnote-ref-19)
20. . لباس عروسیشُ می بخشه تا لباس حسینشُ غارت نکنن، سیلی میخوره تا بچه هاش کتک نخورن، خونه شُ آتیش میزنن تا خیمه ها رُ آتیش نزنن. [↑](#footnote-ref-20)
21. . ندا میاد فاطمه، بهشت رُ خدا زینت کرده قدم مبارکتُ تو بهشت بذار. مادر من و شما میگه تا دونه دونه گریه کنا و عاشقای حسین و علی رُ وارد بهشت نکنم خودم پامُ تو بهشت نمیذارم. [↑](#footnote-ref-21)
22. . با نوای : حاج منصور ارضی [↑](#footnote-ref-22)
23. . با نوای : حاج منصور ارضی [↑](#footnote-ref-23)
24. . با نوای : حاج منصور ارضی [↑](#footnote-ref-24)
25. . با نوای : حاج محمد رضا طاهری [↑](#footnote-ref-25)
26. . با نوای : حاج میثم مطیعی [↑](#footnote-ref-26)
27. این ناله با دل علی چه کرده. بین در و دیوار فقط دو سه جمله از زهرا شنیده شد. یه بار صدا زد یا أبَتاه! هکَذا یُفعَلُ بِحَبِیبَتِکَ وَ ابنَتِکَ؛ ببین با دخترت چه می کنند. (زبانحاله) یا رسول الله ای کاش این همه سفارش نکرده بودی، ای کاش این همه احترام نذاشته بودی. ای کاش هر روز در این خونه سلام نمی دادی. این مردم این ها رو دیده بودند، شنیده بودند. یه ناله ی دیگه ام بلند شد، علی رو صدا نزد. آقای خونه اش شرمنده نشه، من سپر توام علی. صدا زد، آه یا فِضَّةُ! خُذِیـنِی؛ فضه منُ دریاب.والله قَد قُتِلَ ما فِی أحشائِی؛ محسنمُ کشتن. [↑](#footnote-ref-27)
28. . با نوای : حاج میثم مطیعی [↑](#footnote-ref-28)
29. . با نوای : حاج محمد رضا طاهری [↑](#footnote-ref-29)
30. . با نوای : حاج محمد رضا طاهری [↑](#footnote-ref-30)
31. . با نوای : حاج محمد رضا طاهری [↑](#footnote-ref-31)
32. . با نوای : حاج سید مهدی میرداماد [↑](#footnote-ref-32)
33. . با نوای : حاج سید مهدی میرداماد [↑](#footnote-ref-33)
34. . با نوای : حاج سعید حدادیان [↑](#footnote-ref-34)
35. . به اهتزاز در آمده. [↑](#footnote-ref-35)
36. . با نوای : حاج میثم مطیعی [↑](#footnote-ref-36)
37. . رضا تاجیک [↑](#footnote-ref-37)
38. . بانوای : حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-38)
39. . با نوای : حاج سید مجید بنی فاطمه [↑](#footnote-ref-39)
40. . با نوای : حاج سید مجید بنی فاطمه [↑](#footnote-ref-40)
41. . با نوای : حاج میثم مطیعی [↑](#footnote-ref-41)
42. . با نوای : کربلایی محمد حسین پویان فر [↑](#footnote-ref-42)
43. . با نوای : کربلایی محمد حسین پویان فر [↑](#footnote-ref-43)
44. . رضا تاجیک [↑](#footnote-ref-44)
45. . بانوای : حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-45)
46. . با نوای : حاج محمد رضا طاهری [↑](#footnote-ref-46)
47. . با نوای : حاج میثم مطیعی [↑](#footnote-ref-47)
48. . با نوای : حاج سید مهدی میرداماد [↑](#footnote-ref-48)
49. . با نوای : حاج علی آیینه چی [↑](#footnote-ref-49)
50. . با نوای : کربلایی محمد حسین پویان فر [↑](#footnote-ref-50)
51. . مهدی نظری [↑](#footnote-ref-51)
52. . به سبک صوت قرار داده شده خوانده شود. [↑](#footnote-ref-52)
53. . با نوای : حاج منصور ارضی [↑](#footnote-ref-53)
54. . با نوای : حاج سعید حدادیان [↑](#footnote-ref-54)
55. . بانوای : حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-55)
56. . با نوای : حاج محمد رضا طاهری [↑](#footnote-ref-56)
57. . شاعر : حسن لطفی [↑](#footnote-ref-57)
58. . با نوای : حاج سید مهدی میرداماد [↑](#footnote-ref-58)
59. . با نوای : حاج محمد رضا طاهری [↑](#footnote-ref-59)
60. . با نوای : حاج میثم مطیعی [↑](#footnote-ref-60)
61. . با نوای : حاج میثم مطیعی [↑](#footnote-ref-61)
62. . امیر حسین الفت [↑](#footnote-ref-62)
63. . به سبک ترک قرار داده شده خوانده شود. [↑](#footnote-ref-63)
64. . بانوای : حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-64)
65. . با نوای : حاج سید مجید بنی فاطمه [↑](#footnote-ref-65)
66. . با نوای : حاج میثم مطیعی [↑](#footnote-ref-66)
67. . با نوای : حاج سید مجید بنی فاطمه [↑](#footnote-ref-67)
68. . با نوای : حاج حسن خلج [↑](#footnote-ref-68)
69. . با نوای : حاج حسن خلج [↑](#footnote-ref-69)
70. . بانوای : حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-70)
71. . با نوای : حاج سید مجید بنی فاطمه [↑](#footnote-ref-71)
72. . بانوای : حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-72)
73. . با نوای : حاج محمد رضا طاهری [↑](#footnote-ref-73)
74. . بانوای : حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-74)
75. . با نوای : حاج سید مجید بنی فاطمه [↑](#footnote-ref-75)
76. . با نوای : حاج میثم مطیعی [↑](#footnote-ref-76)
77. . با نوای : حاج روح اله بهمنی [↑](#footnote-ref-77)
78. . امیر حسین سالاروند [↑](#footnote-ref-78)
79. . با نوای : حاج میثم مطیعی [↑](#footnote-ref-79)
80. . مسعود اصلانی [↑](#footnote-ref-80)
81. . با نوای : حاج روح اله بهمنی [↑](#footnote-ref-81)
82. . با نوای : حاج سید مجید بنی فاطمه [↑](#footnote-ref-82)
83. . با نوای : حاج حسن خلج [↑](#footnote-ref-83)
84. . با نوای : حاج حسن خلج [↑](#footnote-ref-84)
85. . با نوای : حاج محمد رضا طاهری [↑](#footnote-ref-85)
86. . با نوای : حاج سید مجید بنی فاطمه [↑](#footnote-ref-86)
87. . با نوای : حاج میثم مطیعی [↑](#footnote-ref-87)
88. . بانوای : حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-88)
89. . با نوای : حاج محمد رضا طاهری [↑](#footnote-ref-89)
90. . با نوای : حاج محمد رضا طاهری [↑](#footnote-ref-90)
91. . با نوای : حاج سید مهدی میرداماد [↑](#footnote-ref-91)
92. . با نوای : حاج سید مهدی میرداماد [↑](#footnote-ref-92)
93. . با نوای : حاج سید مجید بنی فاطمه [↑](#footnote-ref-93)
94. . با نوای : حاج محمد رضا طاهری [↑](#footnote-ref-94)
95. . بانوای : حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-95)
96. . با نوای : حاج سید مهدی میرداماد [↑](#footnote-ref-96)
97. . با نوای : حاج میثم مطیعی [↑](#footnote-ref-97)
98. . با نوای : حاج میثم مطیعی [↑](#footnote-ref-98)
99. . با نوای : کربلایی حسین طاهری [↑](#footnote-ref-99)
100. . با نوای : حاج روح اله بهمنی [↑](#footnote-ref-100)
101. . بانوای : حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-101)
102. . با نوای : حاج سید مهدی میرداماد [↑](#footnote-ref-102)
103. . بانوای : حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-103)
104. . حسین رحمانی [↑](#footnote-ref-104)
105. . با نوای : حاج محمد رضا طاهری [↑](#footnote-ref-105)
106. . محسن حسن آبادی [↑](#footnote-ref-106)
107. . به سبک صوت قرار داده شده خوانده شود. [↑](#footnote-ref-107)
108. . با نوای : حاج میثم مطیعی [↑](#footnote-ref-108)
109. . گزیده ای از سخنرانی حجت الاسلام موسوی مطلق

     وفات حضرت ام البنین 15/01/94. [↑](#footnote-ref-109)
110. . با نوای : حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-110)
111. . با نوای : حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-111)
112. . با نوای : حاج سید مجید بنی فاطمه [↑](#footnote-ref-112)
113. . با نوای : حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-113)
114. . با نوای : حاج سید مجید بنی فاطمه [↑](#footnote-ref-114)
115. . احسان جاودان [↑](#footnote-ref-115)
116. . به سبک صوت قرار داده شده خوانده شود. [↑](#footnote-ref-116)
117. . با نوای : حاج محمد رضا طاهری [↑](#footnote-ref-117)
118. . با نوای : حاج امیر عباسی [↑](#footnote-ref-118)
119. . امیر حسین سالاروند [↑](#footnote-ref-119)
120. . با نوای : حاج امیر عباسی [↑](#footnote-ref-120)
121. . با نوای : حاج امیر عباسی [↑](#footnote-ref-121)
122. . با نوای : حاج احمد واعظی [↑](#footnote-ref-122)
123. . با نوای : حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-123)
124. . با نوای : حاج سید مجید بنی فاطمه [↑](#footnote-ref-124)
125. . شاعر : غلامرضا سازگار [↑](#footnote-ref-125)
126. . با نوای : حاج سید مجید بنی فاطمه [↑](#footnote-ref-126)
127. . شاعر: علی اکبر لطیفیان [↑](#footnote-ref-127)
128. . با نوای : حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-128)
129. . با نوای : حاج محمد رضا طاهری [↑](#footnote-ref-129)
130. . با نوای : حاج سید مهدی میرداماد [↑](#footnote-ref-130)
131. . با نوای : حاج سید مهدی میرداماد [↑](#footnote-ref-131)
132. . با نوای : حاج سید مجید بنی فاطمه [↑](#footnote-ref-132)
133. . با نوای : کربلایی محمد حسین پویان فر [↑](#footnote-ref-133)
134. . با نوای : کربلایی حسین طاهری [↑](#footnote-ref-134)
135. . محمد زنجانی [↑](#footnote-ref-135)
136. . رضا تاجیک [↑](#footnote-ref-136)
137. . به سبک صوت قرار داده شده خوانده شود. [↑](#footnote-ref-137)
138. . امیر حسین سالاروند [↑](#footnote-ref-138)
139. . با نوای : حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-139)
140. . محمد مبشری [↑](#footnote-ref-140)
141. . با نوای : کربلایی محمد حسین پویان فر [↑](#footnote-ref-141)
142. . با نوای : حاج محمد رضا طاهری [↑](#footnote-ref-142)
143. . با نوای : حاج محمد کمیل [↑](#footnote-ref-143)
144. . با نوای : حاج سید مجید بنی فاطمه [↑](#footnote-ref-144)
145. . با نوای : حاج سید مجید بنی فاطمه [↑](#footnote-ref-145)
146. . با نوای : کربلایی حسین طاهری [↑](#footnote-ref-146)
147. . با نوای : کربلایی حسین طاهری [↑](#footnote-ref-147)
148. . با نوای : کربلایی حسین طاهری [↑](#footnote-ref-148)
149. . با نوای : کربلایی محمد حسین پویان فر [↑](#footnote-ref-149)
150. . با نوای : کربلایی محمد حسین پویان فر [↑](#footnote-ref-150)
151. . با نوای : کربلایی محمد حسین پویان فر [↑](#footnote-ref-151)
152. . با نوای : حاج میثم مطیعی [↑](#footnote-ref-152)